

ماهنامه تجلیل
ورژن هادیان سیاسی بسیج

حدیث

سال پانزدهم

سال ۱۳۹۴

شماره - ۱۶۰



امام خامنه ای (مدظله العالی) :

وقتی که اسم شهید رجایی و شهید باهنر می آید،
مردم در ذهنشان نیست که فقط از دو شهید تجلیل می کنیم،
می فهمند که یک جریان فکری و عملی و انقلابی است که مورد تجلیل قرار می گیرد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماهنامه

هدایت

«نشریه تحلیلی سیاسی»

«ویژه هادیان سیاسی»

معاونت سیاسی

نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

شماره ۱۶۰، سال ۱۳۹۴

«هدایت»

«ماهنامه تحلیل سیاسی»

صاحب امتیاز: نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

مدیر مسئول: عبدالله داورزنی

سردبیر: حمید عبداللهی

تایپ و صفحه آرایی: شهلا مهدوی

طرح جلد: عباس رستمی

ویراستار: غلامرضا گودرزی

مخاطبان: هادیان سیاسی بسیج

همکاران این شماره:

۱- بهزاد کاظمی ۲- عباس حاجی نجاری ۳- علی آزر می ۴- علی مرادزاده

۵- محمدرضا مرادی ۶- عباسعلی بیگدلی

شمارگان: ۷/۶۰۰

نشانی: تهران - صندوق پستی ۳۶۴ - ۱۷۸۴۵

تلفن و نمابر نشریه: ۳۳۲۳۹۶۷۳-۶

رایانامه هادی (ایمیل): E-mail: ssb\۱۰@chmail.ir

نشانی ما روی شبکه: www.hadinews.ir

سامانه پیامکی: ۶۶۰۰۰۰۰۸۰

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه

خوانندگان ارجمند:

- ✓ ماهنامه هدایت متعلق به هادیان سیاسی است، بنابراین بخشی از مقالات نشریه به مطالب ارسالی هادیان سیاسی اختصاص دارد. انتظار می رود هادیان، عزیز ما را یاری فرمایند.
- ✓ انتقادات و پیشنهادها برای نشریه، موجب غنای مطالب این نشریه خواهد شد.
- ✓ مقالات و مطالب ارسالی برای نشریه، مسترد نخواهد شد.
- ✓ نشریه هدایت در اصلاح، ویرایش، تلخیص و چاپ مطالب آزاد است.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، بلامانع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
------	-------

۱.....	سفن هدایت
--------	-----------

۵.....	کلام نور
--------	----------

بخش سیاسی

۱۱.....	* اهداف ترکیه از دست اندازی به خاک سوریه.
۲۴.....	* راستی آزمایی "برجام" با خطوط قرمز نظام
۴۵.....	* اهداف و دلایل طرح دوگانه منافع نظام و مردم (از سوی برخی جریانات داخلی و خارجی).
۵۹.....	* مقاومت رمز پایداری و پیروزی جمهوری اسلامی ایران در برابر نظام سلطه.
۷۳.....	* گفتمان اسلام رحمانی؛ مبانی، اهداف و پیامدها

بخش اقتصادی

مبنای محاسباتی پول‌های بلوکه‌شده و تأثیر آن بر اقتصاد ایران در شرایط پساتحریم... ۹۱

بخش پرسش و پاسخ ۱۰۷

استکبارستیزی در قاموس انقلاب اسلامی

استکبارستیزی در قاموس انقلاب اسلامی جنبه هویتی پیدا کرده است. انقلاب اسلامی به معنای ایجاد تحول و دگرگونی بنیادی در تمامی زیرساخت‌های جامعه و نظام اسلامی بر پایه اسلام، شاخصه‌های هویتی خود را از قرآن کریم و سنت معصومین^(ع) اخذ می‌کند.

دوقطبی استکبار و استضعاف ریشه قرآنی دارد و از نخستین مراحل زیست اجتماعی بشر همواره کانون منازعات و رقابت‌های گسترده بوده است.

امام خمینی^(ره) انقلاب اسلامی را با مبارزه توأمان با استکبار جهانی و استبداد داخلی آغاز کرده و ملت ایران بر پایه همین گفتمان به مجاهدت برخاسته و به پیروزی

سخن هدایت

رسید. اکنون نیز معیار و شاقول اصلی برای اثبات وفاداری احزاب، جریان‌ها و فعالان سیاسی به گفتمان امام و انقلاب اسلامی، پای‌بندی به استکبارستیزی است.

اینک پیچ تاریخی دیگری فرا رسیده، استکبار جهانی با محوریت ایالات متحده آمریکا با نمایشگاهی از شکست‌ها و تجارب متعدد از مداخلات، در حال پوست‌اندازی و بازسازی شگردهای سلطه‌گری است.

استکبار با محوریت آمریکا، علم و فناوری از جمله فناوری هسته‌ای را به انحصار خویش درآورده و آن را ابزار نوین سلطه می‌دانند و از ورود رقیبان به این حوزه جلوگیری می‌کنند (سلطه علمی).

نفوذ و حضور در ساختارها و دربار دولت‌های منطقه با شدت تمام‌تر دنبال می‌شود (سلطه ساختاری).

در مقابل حرکت‌های مردمی برای مشارکت در تعیین سرنوشت خود، با مشت پولادین برخورد می‌کنند (مردم‌ستیزی).

نفوذ و استفاده ابزاری از نهادها، سازمان‌ها و احزاب با استفاده از پیچیده‌ترین شیوه‌های حمایتی و هدایتی توسط شیطان بزرگ در حال انجام است (سلطه نهادی).

مدیریت ادراک نخبگان و ایجاد اشتباه محاسباتی به‌ویژه استفاده ابزاری از تحصیل‌کرده‌های خارج از کشور در متن حکومت‌ها در جهت مدیریت استکباری ارزیابی می‌شود (سلطه فکری و فرهنگی).

جاسوسی، فتنه‌گری و ایجاد نفاق سیاسی (سلطه سیاسی و امنیتی)، تلاش برای وابستگی همه‌جانبه در پوشش‌های مختلف ارتباطات و توافقات و تعاملات از سوی استکبار جهانی در حال انجام است (سلطه اقتصادی).

حمایت از رژیم صهیونیستی و تلاش برای تضعیف و تجزیه کشورهای اسلامی در دستور کار آنها قرار دارد (سلطه مستقیم).

اخيراً فرماندهان عالی نظامی آمریکا اعلام کردند که چون نابودی تکفیری‌ها در عراق غیرممکن است چاره‌ای جز تجزیه عراق نیست، این توطئه از تداوم روحیه استکباری و طراحی برای سلطه‌گری و استمرار مداخلات آمریکا حکایت می‌کند؛ بنابراین همچنان روحیه و رفتار استکباری و سلطه‌گری ادامه دارد و تغییری در هویت و ماهیت استکباری آمریکا رخ نداده است.

انقلاب اسلامی همچنان پیش‌رونده و پیش‌برنده، به راه خود ادامه می‌دهد و سیاست‌های کلان و راهبردی نظام توسط مقام معظم رهبری تعیین می‌شود. جمهوری اسلامی کماکان رهبری جبهه مقاومت را برعهده دارد و مدیریت اسلامی را بیش از پیش با ظرافت بیشتر انجام می‌دهد. استقلال، آزادی، پیشرفت درون‌زا، ساخت درونی قدرت و عدالت‌خواهی را به عنوان شعارهای اولیه انقلاب تئوری‌پردازی کرده و برای تحکیم موقعیت آنها در سطوح راهبردی و عملیاتی اقدام می‌کند. ضدیت با رژیم صهیونیستی را با صراحت پرچمداری کرده و رقابت راهبردی با آمریکا را در تحولات منطقه با قدرت دنبال می‌کند. شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر انگلیس هنوز هم مطالبه ملی و شعار عمومی است. ولایت مطلقه فقیه به عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب اسلامی به استکبارستیزی، حفظ هویت و ماهیت اسلامی و انقلابی نظام و حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان تأکید و تصریح دارد؛ بنابراین تغییر در هویت و جهت‌گیری نظام رخ نداده است و ارتباطات و توافقات مقطعی تنها در تراز خود معتبر خواهند بود.

با این توصیف در هویت و جهت‌گیری دو رقیب استراتژیک تغییری رخ نداده است و آمریکا و جمهوری اسلامی ایران همچنان دو دشمن اصلی باقی خواهند ماند. آنچه در عالم واقع و بر اساس سنت‌های الهی یقیناً به وقوع خواهد پیوست، حاکمیت مستضعفان به عنوان وارثان زمین است و اگر

مؤمنان به ایمان خود ثابت قدم بوده و در برابر مشکلات و موانع مقاومت و ایستادگی کنند، نصرت الهی به یاری آنها خواهد آمد و ستمگران نابود خواهند شد.

استکبار

از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

چیستی استکبار

استکبار یعنی چه؟ استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسان‌ها و ملت‌های دیگر را دارد، در همه کارهای آنها مداخله می‌کند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد می‌داند، حق تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل است، حق دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ‌کس نیست؛ این معنای مستکبر است^۱

علل ستیز با استکبار

مسئله ستیزه با استکبار یک مسئله اساسی است، یک مسئله برخاسته از تحلیل درست و حرف درست

^۱ - (۱۳۹۲/۸/۱۲) بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان).

است. و شما جوان‌های عزیز و میلیون‌ها جوانی که در سرتاسر کشور هستند، باید تحلیل درستی داشته باشید از این قضایا. جوان اول انقلاب احتیاج به تحلیل نداشت و تحلیل نمی‌خواست، همه چیز برایش روشن بود، چون همه چیز را خودش به چشم خود دیده بود؛ حضور آمریکایی‌ها را، قساوت آمریکایی‌ها را، ساواک دست‌آموز آمریکایی‌ها را، اما امروز شما باید فکر کنید، تحلیل کنید، دقت کنید؛ صرف [گفتن با] زبان نباشد؛ معلوم باشد چرا ملت ایران با استکبار مخالف است؛ چرا با رویکردهای ایالات متحده آمریکا مخالف است؛ این بی‌زاری ناشی از چیست؛ این را جوان امروز بایستی بدرستی و با تحقیق بفهمد.^۱ چون آمریکا یک دولت استکباری است، چون روش [آمریکا] استکباری است؛ ما با آمریکا به عنوان یک مجموعه جغرافیایی یا به عنوان یک ملت، به عنوان یک مجموعه انسانی هیچ مسأله‌ای نداریم، آن هم مثل بقیه کشورها؛ مسأله ما با آمریکا، مسأله استکبار آمریکایی است؛ مستکبرند، متکبرند، زورگویند، زیاده‌طلبند.^۲

چرایی تداوم استکبار ستیزی

نظام اسلامی با ملت‌ها طرف نیست، با مردم طرف نیست، با انسان‌ها طرف نیست، نظام اسلامی با استکبار طرف است. از زمان ابراهیم خلیل و نوح پیغمبر و پیغمبران بزرگ و پیغمبر اسلام تا امروز هم همین بوده: جبهه حق در مقابل استکبار قرار داشته است. چرا؟ مقابله امروز نظام اسلامی با استکبار از چه رو است؟ چون استکبار با این خصوصیتی که گفتیم، قادر نیست نظام اسلامی‌ای مثل نظام جمهوری اسلامی ایران را تحمل کند. چون نظام جمهوری اسلامی اساساً در اعتراض به استکبار پدید آمده است؛ انقلاب در

^۱ - همان.

^۲ - (۶۰/ ۱۳۹۳/۹، بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین).

اعتراض به استکبار و عوامل استکبار در ایران به وجود آمد و بر این اساس تشکیل شد، رشد پیدا کرد، قوی شد، منطق استکبار را به چالش کشید. امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد - همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمان‌های بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک چنین حرکتی مخالفند؛ [بنابراین] کارشکنی می‌کنند، اذیت می‌کنند، تهدید می‌کنند؛ در عین حال با همه زرق و برقی که آن جبهه مقابل دارد و جلال ظاهری و توانایی‌های مادی که دارد، این حرکت الهی و حرکت پیامبرانه راه خودش را دارد ادامه می‌دهد و پیش می‌رود، اثر می‌گذارد، روزه‌روز توسعه پیدا می‌کند، روزه‌روز عمق پیدا می‌کند.^۱

تاکتیک‌های استکبار

غرب در دهه‌های بیداری اسلامی و به‌ویژه سال‌های اخیر پس از شکست‌های پیاپی از ایران و افغانستان تا عراق و لبنان و فلسطین و مصر و تونس و ... کوشیده است پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و خشونت علنی، به تاکتیک بدل سازی و تولید نمونه‌های تقلبی دست بزند، تا عملیات تروریزم ضد مردمی را به جای «شهادت‌طلبی»، «تعصب و تحجر و خشونت» را به جای «اسلام‌گرایی و جهاد»، «قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی» را به جای «اسلام‌خواهی و امت‌گرایی»، «غربزدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی» را به جای «پیشرفت مستقل»، «سکولاریزم» را به جای «علم‌گرایی»، «سازشکاری» را به جای «عقلانیت»، «فساد و هرج و مرج» اخلاقی را به

^۱ - ۱۳۹۴/۴/۱۶، بیانات در دیدار مسئولان نظام.

جای «آزادی»، «دیکتاتوری» را به نام «نظم و امنیت»، «مصرف زدگی، دنیاگرایی و اشرافی‌گری» را به نام «توسعه و ترقی»، «فقر و عقب ماندگی» را به نام «معنویت‌گرایی و زهد» قلمداد کند.^۱

افول استکبار

همه واقعیت‌های منطقه ما نشان‌دهنده این است که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون این منطقه شکست خورده است. آمریکا در سوریه شکست خورد، آمریکا در عراق شکست خورد، آمریکا در لبنان شکست خورد، آمریکا در قضیه فلسطین شکست خورده است، آمریکا در غزه شکست خورده است، آمریکا در تسلط بر مسائل افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملت‌ها مغفور است؛ در خارج از این منطقه هم همین طور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سال‌های متمادی است شکست پشت سر شکست!^۲ امروز از همه دوران‌های گذشته این ۱۰۰ سال و ۱۵۰ سال ضعیف‌تر است.^۳ امروز وجهه [آمریکا] به طور کامل از بین رفته است؛ یعنی آمریکا به عنوان یک متهم در دنیا مطرح است. دولت آمریکا در هیچ کشوری، میان هیچ ملتی، یک وجهه عمومی ندارد. «مرگ بر آمریکا» دیگر جزو شعارهای اختصاصی ملت ایران نیست؛ در بسیاری از کشورها گفته می‌شود. یک دولت طرفدار ظلم، طرفدار جنگ، طرفدار انباشت تسلیحات، طرفدار سلطه بر ملت‌ها، طرفدار زورگویی، دخالت در همه جا، یک چنین عنوانی پیدا کرده؛ این هم یکی از

^۱ - ۱۳۹۰/۱۱/۱۴، خطبه‌های نماز جمعه تهران.

^۲ - ۱۳۹۳/۱۱/۱۹، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی.

^۳ - ۱۳۹۳/۹/۴، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره جهانی جریانهای افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام».

نشانه‌هاست.^۱

وظایف دنیای اسلام در مقابل استکبار

کسانی که امروز دنیای اسلام را از اتحاد و یکپارچگی دور می‌کنند - در حالی که احتیاج به یکپارچگی، امروز بیشتر از همیشه است - اینها به نفع شیاطین کار می‌کنند، به نفع ابلیس‌ها کار می‌کنند. امروز می‌بینید دنیای غرب، دستگاه استعمار، گردانندگان کمپانی‌های نفتی و تجاری بزرگ دنیا، این کارتل‌ها و تراست‌ها، همه دارند پول خرج می‌کنند، نقشه‌ریزی می‌کنند برای اسلام‌ستیزی. قرآن را آتش می‌زنند، نام مبارک پیغمبر را مورد اهانت قرار می‌دهند، کاریکاتور درست می‌کنند، کتاب می‌نویسند، در پایتخت‌های بزرگ اروپا علیه مسلمان‌ها هیجانات قومی درست می‌کنند - می‌بینید دیگر؛ اینها چیزهای روشن و واضحی است - اینها معنایش چیست؟ معنایش اسلام‌ستیزی است. تکلیف مسلمان‌ها چیست؟ مسلمان‌ها باید به عناصر قدرت خودشان برگردند؛ مسلمان‌ها باید در درون خودشان عوامل اقتدار و توانایی را روزه‌روز افزایش دهند. یکی از مهم‌ترین عوامل اقتدار، همین اتحاد و اتفاق است. این برای ما درس است، برای ملت‌های مسلمان درس است.^۲

^۱ - ۱۳۹۱/۵/۲۲.

^۲ - ۱۳۹۲/۳/۱۸ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم.

بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

- ✓ نقشه نظام سلطه در منطقه بر دو پایه ایجاد اختلاف و نفوذ استوار است که باید با نقشه‌های صحیح هجومی و دفاعی به مبارزه هوشیارانه و بی‌وقفه با آن پرداخت.
- ✓ امروز مصداق عینی مجاهدت در راه خدا شناخت نقشه‌های استکبار در منطقه اسلامی و به‌ویژه منطقه راهبردی و حساس غرب آسیا و برنامه‌ریزی برای مبارزه با آنها است که این مبارزه باید شامل مقابله دفاعی و مقابله هجومی باشد.
- ✓ آمریکا هیچ بهره‌ای از اخلاقیات انسانی ندارد و بدون هیچ ابایی و در پوشش الفاظ زیبا و لبخند، دست به خباثت و جنایت می‌زند.
- ✓ ایالات متحده درصدد نفوذ ده‌ها ساله در منطقه و بازسازی آبروی از دست‌رفته خویش است.
- ✓ آمریکایی‌ها می‌خواهند از توافقی که هنوز نه در ایران و نه در آمریکا تکلیفش و رد یا قبول شدنش معلوم نیست، وسیله‌ای برای نفوذ در ایران بسازند، اما ما این راه را قاطعانه بسته‌ایم و با همه توان بالای خود، اجازه نفوذ اقتصادی، سیاسی، فرهنگی یا حضور سیاسی در ایران را به آمریکایی‌ها نمی‌دهیم.

دیدار با مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اجلاس اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی
(۱۳۹۴/۰۵/۲۶)

اهداف ترکیه از دست‌اندازی به خاک سوریه

محمدرضا مرادی

مقدمه

ترکیه تحت زعامت اردوغان در سال‌های اخیر سیاست تهاجمی را علیه کشورهای منطقه برگزیده است. این کشور در بحران سوریه در ابتدا با سیاست صبر و انتظار وارد شد، اما به سرعت به حامی تروریست‌ها در سوریه تبدیل شد. در چهار سال گذشته ترکیه به معبری برای ورود سلاح و تروریست‌ها به سوریه تبدیل شده است و در این راه دولت اردوغان از هیچ کوششی فروگذاری نکرده است. ترکیه پس از گذشت چهار سال از بحران سوریه سرانجام به صورت مستقیم و رسمی بعضی مناطق این کشور و همچنین عراق را هدف قرار داد، هر چند مقامات ترکیه هدف حملات به سوریه را داعش اعلام کردند، اما تحلیل‌گران این اقدام ترکیه را واکنشی به پیشروی اخیر کردها در شمال سوریه می‌دانند که به پایان صلح اردوغان با حزب کارگران کردستان و شروع

فصل جدیدی از درگیری بین دو طرف منجر خواهد شد.

با پیشروی‌های اخیر کردها در شمال سوریه پیش‌بینی می‌شد دولت ترکیه با استفاده از شرایط داخلی پس از انتخابات دست به ماجراجویی نظامی در خاک همسایگان خود بزند. جنگنده‌های ترکیه مواضع حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) را در چندین نوبت در عراق و کوهستان‌های ترکیه بمباران کردند. بنا بر اعلام مسئولان پ.ک.ک اهداف حملات ارتش ترکیه مناطق زاب متینان، کوهستان‌های قنبدیل، منطقه خنیره و کوهستان‌های «زاگرس» در مرز ترکیه و داخل خاک عراق بوده است.

همزمان با هدف قرار دادن مواضع حزب کارگران کردستان، دولت ترکیه اعلام کرد مواضع داعش در شمال سوریه را بمباران کرده است. جنگنده‌های ارتش ترکیه اولین حملات خود را به مواضع داعش انجام دادند و این حملات توانسته تمامی نقاط تهدید در مرزهای ترکیه و سوریه را از بین ببرد. پیشروی و قدرت‌گیری نیروهای کرد یگان‌های مدافع خلق در جوار مرزهای ترکیه که از نظر آنکارا شاخه سوری پ.ک.ک محسوب می‌شود و ماهیت تروریستی دارد، یکی از خطرناک‌ترین دستاوردهای سیاست‌های اشتباه دولت رجب اردوغان در سوریه است. به همین دلیل در همان زمان مقامات ترک اعلام کردند در مقابل این تحولات واکنش نشان خواهند داد. از سوی دیگر این اقدام دولت اردوغان در حالی صورت می‌گیرد که حزب وی در انتخابات پارلمانی اخیر نتوانست اکثریت آرا به دست بیاورد و مجبور است برای تشکیل دولت جدید با احزاب رقیب ائتلاف کند. به همین دلیل بعضی تحلیل‌گران پیش‌بینی کرده بودند ممکن است آنکارا دست به ماجراجویی نظامی در کشورهای همسایه خود بزند. کارشناسان معتقدند، احتمال دارد حاکمیت ترکیه از این فرصت استفاده بکند و اقدامات رادیکال‌تری نسبت به گذشته در مورد سوریه اتخاذ کند؛ چراکه هم اکنون دولتی در ترکیه به صورت ثابت وجود ندارد؛ بنابراین هزینه این اقدامات متوجه دولت آتی نخواهد بود. این

مسأله خیلی مهمی است و بعضی تحرکاتی که الان در ترکیه و در سوریه انجام می‌دهد نقطه عطف آن کمک نیروهای اطلاعاتی ترکیه به جبهه النصره برای تصرف ادلب بود.

از سوی دیگر حمله انتحاری به شهر کردنشین سوروچ که به مرگ و جراحت ده ها تن منجر شد گویا فضایی برای تغییر رویکرد ترکیه در قبال جریان تروریستی داعش فراهم نموده است. جنگنده های ارتش ترکیه چندین بار مواضع گروه داعش را بمباران نموده و در اقدامی هماهنگ شمار کثیری از افرادی که ظن به همکاری با داعش را دارند در طول چند روز گذشته در سراسر ترکیه بازداشت شده‌اند. اما اهداف ترکیه از حمله به سوریه چیست؟

اهداف ترکیه از حمله به شمال سوریه

در رابطه با اهداف دولت اردوغان از چرخش مواضعش در قبال داعش دلایل متفاوتی می‌توان ذکر نمود که در ادامه به آن اشاره خواهیم نمود، اما باید بیان داشت صرف وقوع چنین حمله‌ای (واقعه سوروچ) به تنهایی نمی‌تواند عاملی برای این چرخش محسوب شود، اگرچه چنین دگرگونی نیز ممکن است پایدار نمانده و از عمق کافی برخوردار نبوده و با کمترین تحولی در موقعیت میدانی طرفین درگیر موجب چرخش مجدد سیاست خارجی اردوغان در قبال تروریسم گردد.

از زمان آغاز بحران در سوریه، علاوه بر خواست اردوغان مبنی بر کناره گیری بشار اسد از قدرت، نگرانی از آینده کردهای این کشور همواره در راس اولویت‌های دولت ترکیه قرار داشته است. تداوم بحران در سوریه و تکثر گروه‌های مختلف که هر یک بخشی از قدرت را در دست گرفته‌اند عملاً فضایی را برای کردهای سوریه مهیا ساخته که با وجود پراکندگی جمعیت کردهای این کشور به سوی تشکیل اقلیمی خودمختار نظیر آنچه در شمال عراق است حرکت نمایند. برخی از کردها نیز خواستار ایجاد سه کانون

متفاوت نظیر آنچه در سوئیس است از سوی کردها شده‌اند.

برتری حزب اتحاد دموکراتیک موسوم به Pyd به رهبری صالح مسلم که شاخه پ.ک.ک (حزب کارگران کردستان ترکیه) در سوریه می‌باشد در میان گروه‌های کرد سوریه زمینه نگرانی فزاینده ترکیه را فراهم نموده است؛ چراکه قدرت‌گیری کردها در سوریه و وفاداری آن‌ها به عبدالله اوجلان رهبر پ.ک.ک پیامدهای ویژه‌ای را بر امنیت ترکیه در بر خواهد داشت؛ بنابراین اردوغان و دولت تحت امرش از همان بدو آغاز بحران در سوریه و شکل‌گیری داعش، هر دو گروه فوق (داعش و Pyd) را به یک اندازه تروریستی خوانده و برای تضعیف Pyd از مقابله با داعش پرهیز کرده و گاهی نیز به حمایت از این گروه تروریستی پرداخته است. ممانعت از حمایت جامعه بین‌المللی از شهر کوبانی در برابر حملات داعش نمونه مناسبی از این مورد محسوب می‌شود. حال و با تغییر رویکرد دولت ترکیه در برابر داعش به نظر می‌آید که اردوغان در یک اقدام هماهنگ در پی سرکوب هر دو گروه در سوریه، ترکیه و عراق برآمده و در راستای نیل به اهداف بلندپروازانه خویش گام بر می‌دارد. رسانه‌های خبری اعلام نمودند که جنگنده‌های ترکیه مواضع حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) را در شمال عراق بمباران کردند. این حمله هوایی با حملات توپخانه‌ای ارتش ترکیه به مواضع این حزب کرد همراه بود. روزنامه ملیت در این باره نوشته است که پلیس ترکیه در عملیات گسترده در ۱۳ استان این کشور از جمله استانبول ۲۹۷ نفر را که مظنون به عضویت در گروه‌های تروریستی داعش، پ.ک.ک و جبهه انقلابی نجات خلق بودند، بازداشت کرد.

با این حال دولت ترکیه همچنان اقدامی نظامی علیه کردها در سوریه انجام نداده است؛ چراکه در این باره با آمریکایی‌ها دچار اختلاف نظر می‌باشد. کردها هم اکنون در سوریه به عنوان متحد آمریکا به مقابله با داعش برخاسته‌اند. حمایت از کردها و تجزیه احتمالی سوریه بر مبنای طرح

خاورمیانه جدید از اهداف عمده آمریکا در حمایت از کردهای سوریه است که در این باره با ترکیه دارای اختلاف نظر می‌باشد. رژیم ترکیه به جای برخورد مستقیم با کردهای سوریه، هم‌تباران آن‌ها در عراق و ترکیه را که نقش به سزایی در حمایت از حزب اتحاد دموکراتیک دارند هدف قرار داده است.

از سوی دیگر رسانه‌های ترکیه از موافقت دولت این کشور با در اختیار قرار دادن پایگاه هوایی اینجریلیک به نظامیان آمریکایی خبر داده‌اند. گفته می‌شود این مجوز بدون امتیاز متقابل نبوده و در برابر آن آمریکا با ایجاد منطقه پرواز ممنوع در شمال سوریه موافقت کرده است. مولود چاوش اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه در این باره در مصاحبه‌ای اختصاصی با خبرنگار شبکه تلویزیونی سی‌سی‌تی‌وی گفت: «ما از ابتدا تأکید کرده‌ایم در صورتی که درباره جنگ علیه گروه‌های افراطی به توافقی جامع دست بیابیم ترکیه هر آنچه در توان داشته باشد در این حوزه انجام خواهد داد». مواضع وزیر خارجه ترکیه در حالی است که علی‌رغم فشارهای آمریکا در طول ماه‌های اخیر، ترکیه از پیوستن به ائتلاف ضد داعش و قرار دادن این پایگاه راهبردی در اختیار آمریکایی‌ها امتناع ورزیده است، از رو این احتمال داده می‌شود که ورود نظامی به سوریه و ایجاد منطقه‌ای امن در این کشور و همچنین مقابله با نفوذ کردها از توافقاتی است که ترک‌ها از آمریکا در ازای قرار دادن پایگاه اینجریلیک دریافت نموده‌اند.

برای واشنگتن و متحدان آن در ائتلاف ضد داعش دریافت مجوز استفاده از اینجریلیک موفقیت بزرگی به شمار می‌رود؛ زیرا پایگاه هوایی اینجریلیک، واقع در نزدیکی شهر آدانا، فاصله چندانی با منطقه عملیات ائتلاف ضد داعش در سوریه و عراق ندارد. ۲۰ سال پیش این پایگاه مورد استفاده نیروی هوایی ارتش آمریکا در عملیات عراق بود. روزنامه حریت به نقل از مقام‌های دولت ترکیه نوشت، این منطقه امن حدود ۹۰ کیلومتر طول و بین ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر عمق خواهد داشت. بنابر این گزارش این منطقه امن، محدوده میان

شهر مرزی جرابلس واقع در کنار فرات در شمال شرق سوریه تا شهر کوچک مارع در شمال حلب در بر خواهد گرفت.

ورود نظامی به خاک سوریه توأمان منافع متعددی را از آن ترکیه خواهد نمود که از این قرار است:

-آموزش نظامی معارضان مسلح: دولت ترکیه در طول پنج سال گذشته همواره آمریکا و شماری از قدرت های غربی را به مداخلات در برابر بشار اسد متهم نموده و خواستار ساقط شدن وی قبل از مقابله با سایر جریان های سلفی هستند. حال و با ورود نظامی به خاک سوریه این فرصت بیش از گذشته برای ترکیه مهیا خواهد شد تا به آموزش نظامی مخالفان اسد بپردازند. تا کنون و در طول سال های گذشته کشورهای مخالف اسد نظیر ترکیه، عربستان سعودی، قطر، آمریکا، اردن و... هر یک بر مبنای منافع خویش و به گونه ای مجزا به حمایت از گروهی خاص ادامه می دادند، اما به نظر می آید که اکنون طرفین با اتخاذ رویه ای مشخص و با در اختیار داشتن بخشی از خاک سوریه بیش از هر زمانی به تسلیح و آموزش مخالفان بپردازند. وزیر امور خارجه ترکیه در این رابطه در کنفرانس خبری اظهار داشت که ما کمیته امنیتی به ریاست نخست وزیر تشکیل داده ایم. این کمیته در نشست خود مراحل اول و گام های بلند مبارزه با تروریسم را تعیین کرد. ما با آمریکا برای مبارزه با تروریسم به توافق رسیدیم. چاووش اوغلو گفت که نخست وزیر ترکیه با باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا تماس گرفت و دو طرف درباره برداشتن گام های مهمی توافق کردند. مولود چاووش اوغلو افزود: «ما در ترکیه از همان ابتدا تأکید کردیم مسئول اصلی آن چه امروز در سوریه رخ می دهد بشار اسد و نظام بشار اسد و اطرافیانش است».

-اعمال پرواز ممنوع و تضعیف اسد: بنابر آنچه رسانه های ترکیه عنوان کرده اند قرار است منطقه ای که ترکیه بدان ورود می نماید منطقه پرواز

ممنوع تلقی شود. اهمیت مسأله بالا بدان روی است که منطقه فوق از حملات احتمالی جنگنده ها و بالگردها حکومت سوریه در امان مانده و می تواند به اردوگاه هایی امن برای تروریست های سوری تبدیل شود. در صورت اعلام منطقه پرواز ممنوع، پدافند ارتش ترکیه و یا نیروهای دفاعی ایالات متحده مسئولیت این امر را بر عهده داشته و با توجه به جایگاه نظامی بارز دو طرف، شانس برای احتمال عملیات هوایی برای ارتش سوریه باقی نخواهد ماند و این امر ضربه مهلکی بر پیکره حکومت بشار اسد محسوب می شود.

-ورود آوارگان به این منطقه: جلوگیری از نفوذ برخی از افراد در قالب پناهجو به ترکیه و همچنین ناتوانی از اسکان و تأمین امکانات حیاتی و بهداشتی برای پناهجویان سوری یکی دیگر از دلایل دولت ترکیه و دلایل اصرار آن بر ایجاد منطقه حائل است. دولت ترکیه تاکنون میلیون ها دلار برای فراهم ساختن امکانات برای پناهجویان سوری صرف کرده است و از دولت های غربی و سازمان ملل متحد انتقاد می کند که کمک های نقدی شان برای رسیدگی به پناهجویان کافی نبوده است. دولت ترکیه می گوید قریب به دو میلیون پناهجو را در خاک خود اسکان داده و چنانچه منطقه حائل با تصویب سازمان ملل شکل عینی بیابد، خواهد توانست هم از زیر بار این هزینه و مسئولیت رهایی یابد و هم اینکه راه تجارت و صادرات مواد مورد نیاز برای ساکنان این منطقه نیز فراهم شود و سودی عاید خود کند. چاووش اوغلو در این باره می گوید: «ما خواهان ایجاد مناطق امنی هستیم که آوارگان سوری در آن با امنیت زندگی کنند. ما می خواهیم مناطقی خالی از داعش و امن در شمال سوریه ایجاد کنیم و به آوارگان اجازه بدهیم تا به کشورشان بازگردند». دولت ترکیه برای مشروعیت بخشیدن به این حمله در نامه ای به سازمان ملل تأکید کرده است که دمشق توانایی یا آمادگی مقابله با افراد مسلح گروه (تکفیری صهیونیستی) داعش را ندارد. معاون نماینده ترکیه در

سازمان ملل در این نامه افزود: «منشور ملل متحد به کشورها حق می‌دهد تا از خود در برابر حملات مسلحانه دفاع کنند».

- تحت کنترل داشتن اقدامات کردها: تحولات کردها در سوریه نشان داده که وقوع هرگونه رخدادی از سوی آن‌ها بلافاصله با واکنش کردهای ترکیه همراه بوده است. بدون تردید ارتقای مواضع کردها در سوریه خطری گسترده برای آنکارا خواهد بود. بنابراین ترکیه مبادرت به هر اقدامی برای تثبیت موقعیت کردها در شمال سوریه خواهد کرد. هم‌اینک ترکیه در مرز خود با سوریه شاهد نبردهای سنگین میان نیروهای کرد، داعش و مخالفان مسلح سوری است. تشدید درگیری میان کردها و داعش در هفته‌های اخیر و تسلط نیروهای کرد بر شهرهای کوبانی و تل ابیض و تلاش آنها برای باز پس‌گیری جرابلس و سایر مناطق نوار شمالی سوریه از دست داعش موجب نگرانی دولت ترکیه شده است. ترکیه بر این باور است که آمریکا می‌خواهد الگوی شمال عراق را در سوریه هم پیاده کند و از این رو، اقتدار کردها در نوار شمالی سوریه را به هیچ وجه تحمل نمی‌کند. بنابراین در پی آن است با حضور در محدوده شمالی ترکیه ضمن مهار کردها و عقب راندن آنها، موجب از هم‌گسیختگی‌شان را فراهم آورد. پراکندگی جغرافیایی کردها در سوریه فضایی مساعد برای ترکیه فراهم خواهد آورد تا با حضور مستقیم در شمال سوریه زمینه چندپارگی آن‌ها را مهیا ساخته و موجب قطع ارتباطشان با کرد های عراق و به ویژه ترکیه را فراهم آورند. دولت ترکیه اکنون از موفقیت ضمنی واشنگتن با حملات احتمالی خود به سوریه خبر داده است. اردوغان بلافاصله پس از گفتگوی تلفنی با اوباما در مصاحبه با خبرنگاران گفت: «ما در گفتگوی تلفنی با اوباما بار دیگر بر عزم خودمان برای مقابله با این سازمان جدایی طلب و داعش تأکید کردیم. ما نخستین گام را در این زمینه برداشتیم».

- بالا بردن ضریب امنیتی: فارغ از برخی گمانه‌زنی‌ها مبنی بر همکاری

پنهان ترکیه با داعش، برآیند تاریخی گروه‌های تروریستی نشان می‌دهد که این جریان‌ها در صورت قدرت‌گیری در منطقه به حامیان پیشین خود وفادار نمانده و برای ارتقای موقعیت‌شان مبادرت به هر امری خواهند کرد. ترکیه نیز از این امر مستثنی نبوده کما این که در روزهای اخیر شاهد آغاز برخی تنش‌های مرزی میان ترکیه و تروریست‌های داعش بوده‌ایم. در روزهای گذشته داعش در حمله‌ای از داخل خاک سوریه در منطقه مرزی کیلیس، یک سرباز ارتش ترکیه را کشته و دو نفر دیگر را زخمی کرده بود. یک مقام بلندپایه ترکیه به خبرگزاری رویترز گفته بود: «حملات هوایی و عملیات امنیتی علیه گروه‌های تروریستی در داخل، گام‌های پیشگیرانه‌ای هستند که برای جلوگیری از هرگونه حمله احتمالی در داخل ترکیه یا از خارج از آن، برداشته شده است. حرکتی به سمت دفاع فعال به جای دفاع منفی وجود دارد.» به باور ناظران منطقه، ترکیه احساس خطر بیشتری کرده و بر این باور است که اگر منطقه حائل ایجاد شود، به سهولت می‌توان با داعش جنگید و با بازپس‌گیری مناطق از دست داعش، قدرت به دست نیروهای دیگر مخالف بشار اسد خواهد افتاد. به واقع حضور در خاک سوریه موجب افزایش ضریب امنیتی برای ترکیه خواهد بود.

از سوی دیگر حمایت دولت رجب طیب اردوغان از گروه‌های تروریستی و به ویژه داعش در طول دو سال اخیر بر وجهه بین‌المللی ترکیه به شدت آسیب وارد کرده است، تا آنجا که علاوه بر مدافعان حقوق بشر، سازمان‌های بشردوستانه و رسانه‌ها، حتی حامیان ترکیه نیز به انتقاد شدید از دولت آنکارا پرداخته‌اند. جو بایدن، معاون رئیس جمهور آمریکا در اظهاراتی به صراحت ترکیه را به عنوان حامی داعش قلمداد کرده و از این کشور شدیداً انتقاد نموده بود. تضعیف موقعیت دولت اردوغان محدود به عرصه بین‌المللی نمانده و در درون ترکیه نیز به وضوح قابل مشاهده بود تا آنجا که حزب وی پس از ۱۳ سال قدرت مطلق شکست سختی را در انتخابات اخیر متحمل شد.

بنابراین قابل تصور است که دولت اردوغان در اقدامی برای ترمیم موقعیت سیاسی‌اش مبادرت به حمله به مواضع داعش نموده است. فارغ از ارتقای منزلت ترکیه در سطح منطقه و جامعه بین‌المللی، ایجاد رویکرد واحد میان برخی قدرت‌های منطقه‌ای به منظور نحوه مقابله با حکومت بشار اسد را می‌توان از دیگر عوامل اتخاذ رویکرد فوق دانست. نگرانی فزاینده از قدرت و نفوذ رو به رشد ایران در سطح خاورمیانه موجب اتحاد نظر آنکارا و ریاض در این رابطه شده است. چندی پیش و در دیدار ملک سلمان و رجب طیب اردوغان طرفین با در پیش گرفتن موضعی واحد در برابر اسد اذعان نمودند، امری که آن را در پیشروی چشمگیر جریان موسوم به جیش الفتح در تحولات میدانی سوریه می‌توان مشاهده نمود. مناسبات دولت ترکیه با عربستان سعودی و مصر به دلیل حمایت از جریان اخوان المسلمین در طول ماه‌های اخیر به تیرگی گراییده بود. به نظر می‌آید که ریاض و آنکارا جدای از اختلاف نظر خود بر حفظ موضعی واحد در برابر سوریه تأکید نموده‌اند.

انتخابات اخیر ترکیه و شکست حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان زمینه بهت ناظران بین‌المللی را فراهم آورد. با توجه به مواضع سفت و سخت حزب جمهوری خلق (حزبی سکولار و وفادار به آرمان‌های آتاتورک)، حزب حرکت ملی (حزبی رادیکال و پان‌ترک) و همچنین حزب صلح و دموکراسی (نماینده کردها) در برابر حزب عدالت و توسعه و عدم ائتلاف هر یک از احزاب یادشده با حزب اردوغان، احتمالاً کشور ترکیه در دستیابی به توافقی برای تعیین کابینه ناکام مانده و ناگزیر به برگزاری انتخابات زودهنگام خواهد بود. ورود احتمالی ترکیه به خاک سوریه و تشدید تنش‌ها میان دو کشور اگرچه ممکن است با نارضایتی و مخالفت برخی جریان‌های کشور مواجه گردد اما در عمل کشور را به ورطه حساسی کشانده و ممکن است زمینه ارتقای اردوغان در سطح داخل را در خلال انتخابات آتی و یا اعمال فشار بر سایر گروه‌ها برای ائتلاف با حزب عدالت و توسعه ترغیب

نماید.

بدون تردید مقابله با پ.ک.ک موجب حمایت جریان‌های ملی‌گرای ترک از اردوغان خواهد شد. آن‌ها اردوغان را به مسامحه در برابر کردها متهم می‌نمایند. احمد داووداوغلو، نخست‌وزیر ترکیه به صراحت اعلام کرد موج جدید حملات هوایی و زمینی ارتش این کشور علیه گروه تکفیری تروریستی داعش و شورشیان حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) در شمال عراق در حال اجرا است. حمله به سوریه اما روی دیگری نیز دارد. اردوغان از ایجاد صلحی شکننده با کردها به عنوان بزرگ‌ترین برگ برنده و افتخار دوران حکومت حزبش یاد می‌کند. مقابله با کردها و تشدید درگیری‌ها موجب برهم خوردن صلح شده و ترکیه را وارد دور جدیدی از تنش‌ها میان کردها و ترک‌ها خواهد کرد. زاگرس هیوا، سخنگوی گروه پ.ک.ک که در عراق مستقر است بلافاصله پس از حملات جنگنده‌های ترکیه به مواضع این گروه در شمال عراق گفته است حملات ارتش ترکیه به معنای پایان آتش بس میان طرفین است. هواپیماهای ترکیه به مناطق کوهستانی قنبدیل نیز حمله کرده‌اند که طبق گزارش‌ها، کادر رهبری پ.ک.ک در این منطقه مستقر است. دولت ترکیه، حزب کارگران کردستان را یک گروه تروریستی می‌داند. دفتر نخست‌وزیری ترکیه گفته است که هواپیماهای این کشور، انبار تسلیحاتی و پناهگاه‌های این گروه در کوهستان‌های شمال عراق را هدف قرار داده‌اند.

گویا دولت ترکیه نیز خود را آماده چنین رویارویی کرده است و ظاهراً برای دستیابی به مقاصد بالاتر در پی برهم زدن روابط میان دولت و کردها به خصوص حزب صلح و دموکراسی (شاخه اصلی سیاسی کردها در ترکیه) است. احمد داووداوغلو در سخنان خود گفت: «حزب خلق‌های دموکراتیک (صلح و دموکراسی) از امنیت و آتش بس سخن می‌گوید، اما آن‌ها با تروریست‌هایی که در تلاشند به شهرهای ترکیه هرج و مرج صادر کنند

تعامل می‌کنند من به حزب خلق‌های دموکراتیک گفتم شما ۱۳ درصد از آرا را به دست آورید ما یک کشور دموکراتیک هستیم و به آرایی که به دست آورده‌اید احترام می‌گذاریم، اما این که در جشن کسب ۱۳ درصد آرا از سلاح کلاشیکف در جنوب شرقی استفاده و تیراندازی کنید، چنین اجازه‌ای را نمی‌دهیم».

نتیجه

با وجود آغاز حملات ترکیه علیه مواضع داعش و پ.ک.ک و دستیابی احتمالی واشنگتن و آنکارا به طرحی واحد در قبال سوریه می‌توان تصور نمود که تغییر تحولات در سوریه، عدم تعهد احتمالی آمریکا به خواست‌های ترکیه و یا به سرانجام نرسیدن منافع ترک‌ها در سوریه می‌تواند مجدداً زمینه دگرگونی مواضع آنکارا را فراهم آورد؛ موضعی که می‌تواند زمینه نزدیکی و همکاری دوباره میان اردوغان و تروریست‌های داعش را تسهیل کند. گذشت زمان و تحولات میدانی حاکم بر سوریه و عراق و همچنین نقش کلیدی کردها و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در این زمینه عواملی هستند که می‌توانند جهت‌گیری‌های جریان‌های دخیل در این بحران‌ها را دگرگون نمایند. هدف ترکیه از ورود به صف مبارزان داعش، تلاش برای پایان بخشیدن به داستان داعش در منطقه نیست، بلکه این کشور با اتخاذ سیاستی مبهم و چندوجهی در پی تضعیف نیروهای رقیب خود به ویژه ایران و حکومت بشار اسد در خاورمیانه است. اکثریت قاطع تحلیل‌ها بر حمایت نسبی ترکیه از داعش تأکید دارند. نه تنها هیچ نوع ضدیت و دشمنی قابل توجهی میان ترکیه و داعش مشاهده نشده، بلکه اسنادی هم مبنی بر همکاری این کشور با داعش در زمینه خرید و فروش نفت، تسلیحات و نیز ارائه تسهیلات پزشکی منتشر شده است. حتی افزایش و تقویت نیروهای نظامی ترکیه در نواحی هم‌مرز با داعش (به ویژه مرزهای سوریه) طی چند

ماه اخیر، احتمال برخورد نظامی میان آنان را تداعی نمی‌کرد. بیشتر گمانه‌زنی‌ها بر آن بود که روانه کردن و استقرار این گستره از نیروی نظامی به علت واهمه مقامات ترک از روند تحولات سوریه و نیز کنترل تحرکات کردهای سوری است که اکنون دیگر همسایه‌های ناخوانده ترکیه شده‌اند. با وجود این طی هفته‌های اخیر شاهد آغاز منازعه‌ای تأمل‌برانگیز میان نیروهای داعش با ارتش ترکیه در نواحی مرزی سوریه بوده ایم. با شروع منازعه، حملات هوایی و زمینی ترکیه به مواضع داعش شروع شد و نیروهای ارتش ترکیه وارد نواحی مرزی سوریه شدند. این واقعه واکنش مثبت و خوش‌بینانه مقامات آمریکایی را در پی داشت؛ به گونه‌ای که جی کارنی، سخنگوی کاخ سفید با تمجید از رویکرد آنکارا و رجب طیب اردوغان از گسترش همکاری‌های واشنگتن با ترکیه سخن به میان آورد و موافقت مقامات ترک را برای استفاده از خاک این کشور برای حمله هوایی نیروهای ائتلاف علیه داعش ستایش کرد. تجاوز اخیر ترکیه به خاک سوریه بی‌شک پیامدهای متعددی برای این کشور می‌تواند داشته باشد؛ چراکه این امر نقض حاکمیت سوریه است و از لحاظ حقوقی قابل پیگرد است.

راستی آزمایی "برجام" با خطوط قرمز نظام

عباس حاجی نجاری

مقدمه

موضوع پرونده هسته‌ای ایران، بخشی از بحران ساختگی قدرت‌های غربی برای غلبه راهبردی بر اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران است که در برخی مواقع، آمریکایی‌ها تا مرز اتخاذ گزینه نظامی برای مقابله با مردم ایران به بهانه آن پیش رفته‌اند. به عبارت دیگر، غرب و آمریکا بر پایه ایجاد این بحران در صدد دستیابی به اهداف مهمی از جمله تغییر رفتار و در نهایت تغییر ساختار ایران (تغییر رژیم) هستند.

در مقابل، جمهوری اسلامی ایران تاکنون بر پایه راهبرد قدرت‌سازی (سخت و نرم) موفق به خنثی نمودن سیاست‌ها و راهبردهای غرب شده که در نهایت امروزه به رغم اعمال فشارها و تهدیدات امنیتی، اطلاعاتی، تروریستی و اقتصادی که از سوی غرب علیه ایران اعمال شده است، ایران توانسته است به اهداف خود در زمینه دستیابی به فناوری‌های نوین صلح‌آمیز هسته‌ای و همچنین تثبیت اقتدار منطقه‌ای خود دست یابد. ورود طرفین به الگوی جدیدی در روابط منطقه‌ای موسوم به مذاکرات و توافق هسته‌ای، خود می‌تواند نشان از تحول جدید در این عرصه باشد. بر اساس این الگو، ایران و آمریکا به عنوان طرف اصلی گروه ۵+۱ طی ۳ سال گذشته راهکار مذاکره سیاسی را انتخاب نمودند که در نهایت به توافقات و تفاهمات عمده‌ای از جمله توافق موقت ژنو در آذر ۱۳۹۲، بیانیه لوزان در اسفند ۱۳۹۴ و جمع‌بندی هسته‌ای موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ و پس از آن صدور قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل منجر شده است.

در طول ۲۳ ماه گذشته و پس از آغاز دور جدید مذاکرات در دولت یازدهم که به توافق ژنو و پس از آن به انتشار بیانیه لوزان انجامید، سخنان مقام معظم رهبری در جمع مسئولان در دوم تیرماه سال ۱۳۹۴، مذاکرات هسته‌ای را وارد مسیر جدیدی کرد که سرانجام به توافق وین و انتشار سند برجام منجر انجامید. از نگاه بسیاری از صاحب‌نظران برجام اگرچه توافق خوبی نیست، اما در صورت تأیید آن توسط مراجع ذی‌ربط، با توجه به تجربه رفتار مقامات آمریکا و کشورهای غربی نسبت به جمهوری اسلامی ایران، باید هوشیاری بیشتری درباره طرح‌ها و اهداف این کشورها در دوران پساتوافق و به ویژه برنامه‌های آمریکا برای اثرگذاری بر محیط داخلی، برنامه هسته‌ای، امنیت ملی و سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به خرج داد. برخی از بندهای متن برجام و مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ حساسیت و اهمیت این موضوع را دوچندان می‌نماید؛ موضوعی که در بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در روز عید قطر (خطبه‌های نماز و سخنرانی پس از نماز عید در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی) به آن اشاره شد و معظم‌له تدابیر و رهنمودهایی را برای مردم، نخبگان و مسئولان نظام در داخل و برخی خطوط و سیاست‌های تغییرناپذیر ایران را برای آمریکا و شرکای آن ترسیم نمودند.

روند بررسی‌ها

از زمان انتشار متن برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ در شورای امنیت سازمان ملل، بررسی متن برجام در حال حاضر در ایران، آمریکا و سایر کشورهای عضو نشست وین، مسیر خود را برای بررسی اقدامات بعدی طی می‌کند. در آمریکا پس از ارائه متن به مجلسین این کشور تاکنون در نشست‌های متعدد کمیسیون‌های مجلس سنا و نمایندگان این متن با حضور وزیر امور خارجه، وزیر خزانه‌داری و انرژی این کشور مورد بررسی قرار گرفته است. کشاکش جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در سنا و مجلس نمایندگان

آمریکا با کاخ سفید بر سر متن پیشنهادی توافق هسته ای «برجام» روند مذاکرات نشست‌های تخصصی در این کشور را به جایی رسانده که دوقطبی سنتی دموکرات - جمهوریخواه در آمریکا در حال تبدیل شدن به صف‌بندی کنگره و کاخ سفید بر سر آن است که بخشی از دموکرات‌ها در این مواجهه جانب جمهوریخواهان را گرفته‌اند. اگرچه بسیاری از فعالان سیاسی این صف بندی و مواضع مطرح‌شده را نوعی دعوای زرگری برای گرفتن امتیازات بیشتر از ایران می‌دانند اما پاره‌ای از اوقات مذاکرات به عامل رودرویی نزدیک حامیان و مخالفان توافق نامه انجامیده است. مدافعان توافق نامه که عمدتاً دولتی‌ها هستند، توافق نامه را عاملی برای جلوگیری از تولید بمب هسته‌ای ایران، رفع تهدید نظامی ایران علیه رژیم صهیونیستی، نظارت مستمر و مادام‌العمر بر روند فعالیت‌های هسته‌ای ایران، مهار قدرت دفاعی ایران، امکان بازگشت تحریم‌ها، عقب راندن تلاش‌های منطقه‌ای ایران، فرصتی برای ایجاد تغییر در درون ایران و به قدرت رسانیدن جریان طرفدار غرب و... می‌دانند و بر این تأکید می‌کنند که ادامه وضعیت تحریم‌ها مانند گذشته امکانپذیر نبوده و روندی که ایران در غنی‌سازی و پیشرفت‌های هسته‌ای در پیش گرفته بود، این کشور را به سطح غیرقابل کنترلی می‌رساند و آمریکا در صورت عدم توافق، در جهان تنها می‌ماند. مخالفان توافق اما بر این نکته تأکید دارند که ایران هرچه خواسته در این توافق نامه به آن رسیده و سازوکار بازرسی‌ها برای کنترل ایران کارآمد نیست و این توافق نامه نمی‌تواند ایران را از رسیدن به بمب اتمی باز دارد. نکته مهم آن است که در گفتمان هر دو طیف "عنصر تهدید نظامی و جنگ" به عنوان جایگزین توافق از برجستگی خاصی برخوردار است.

در ایران اما در روز سه‌شنبه ۳۰ تیرماه بعد از حضور آقای ظریف، وزیر امور خارجه و صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی در صحن مجلس و ارائه توضیح روند مذاکرات به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجلس به تشکیل کمیسیون ویژه رسیدگی به موضوع توافق نامه هسته‌ای ایران با کشورهای

۵+۱ رأی دادند. پیش از این و در اول تیرماه مجلس شورای اسلامی طرحی را برای مذاکرات هسته‌ای به تصویب رساند که متن کامل طرح هسته‌ای به شرح زیر است:

«در راستای صیانت از منافع ملی و رعایت مقررات پادمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای هرگونه نتایج مذاکرات هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ در صورتی معتبر است که الزامات زیر به صورت شفاف رعایت شود: ۱- لغو تحریم‌ها به‌طور یکجا و کامل باید در متن توافق‌نامه درج شده و در روز اجرای تعهدات ایران انجام شود. ۲- آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چارچوب توافق‌نامه پادمان مجاز به انجام نظارت‌های متعارف از سایت‌های هسته‌ای است و دسترسی به اماکن نظامی، امنیتی و حساس غیرهسته‌ای، اسناد و دانشمندان ممنوع است؛ باید مصوبات شورای عالی امنیت ملی رعایت شود. ۳- هیچ محدودیتی برای کسب دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و تحقیق و توسعه پذیرفته نیست و باید مصوبات شورای عالی امنیت ملی رعایت شود. این طرح دو تبصره نیز داشت: تبصره ۱- براساس اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی نتیجه مذاکرات باید به مجلس شورای اسلامی ارائه شود. تبصره ۲- وزیر خارجه موظف است روند اجرای توافق‌نامه را هر ۶ ماه یک‌بار به مجلس شورای اسلامی گزارش کند؛ کمیسیون امنیت ملی مجلس هر ۶ ماه یک‌بار گزارش روند حسن اجرای توافق‌نامه را به نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه می‌نماید».

گفتنی است که ترجمه اولیه متن برجام که توسط تیم مذاکره‌کننده به مجلس تقدیم شده بود اشکالاتی داشت که با اعتراض نمایندگان مواجه شد، اما بعد از مدتی ترجمه رسمی وزارت امور خارجه از متن برجام در اختیار مجلس قرار گرفت. در زمینه مرجع تصویب نهایی برجام در کشور نیز اختلاف نظری بین دولتی‌ها و نمایندگان مجلس و حقوقدانان وجود دارد که برخی تصویب آن را از اختیارات مجلس می‌دانند و برخی دیگر از اختیار شورای عالی امنیت ملی.

مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه رئیس جمهور و همچنین در خطبه نماز عید سعید فطر، با عبارات زیر بر این امر تأکید فرمودند:

«لازم است متنی که فراهم آمده با دقت ملاحظه و در مسیر قانونی پیش‌بینی شده قرار گیرد» و «برای تصویب این متن، یک مسیر قانونی پیش‌بینی‌شده‌ای وجود دارد که باید این مسیر را طی کند».

برخی از حقوقدانان نظرشان بر این است که: شورای عالی امنیت ملی می‌تواند معاهدات را بررسی کرده و نظر خود را به مجلس اعلام دارد، اما این نظر الزامی را در خصوص تصویب یا عدم تصویب یک توافق نامه برای مجلس ایجاد نمی‌کند. آنها معتقدند بر اساس قانون اساسی مجلس صلاحیت تصویب توافقات بین‌المللی را دارد و موظف به آن است که بر اساس اصل ۷۷ قانون اساسی عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. این گروه معتقدند که دولت باید برجام را در قالب یک لایحه به مجلس ارسال کند و اجرای آن منوط به رأی موافق مجلس است.

گروهی دیگر از جمله دولتمردان تأیید شورای عالی امنیت ملی را بر برجام کافی می‌دانند و معتقدند اگر شورای عالی امنیت ملی توافق هسته‌ای را بررسی کند دیگر ضرورتی برای بررسی این موضوع در مجلس نیست.

مطالبات و خطوط قرمز نظام

مذاکرات هسته‌ای ایران و کشورهای غربی اگرچه بیش از ۱۲ سال است که در جریان است، اما با توجه به نامه‌نگاری‌های اوباما و وعده او در حل موضوع پرونده هسته‌ای ایران در اواخر سال ۱۳۹۱ روند مذاکرات در دولت یازدهم وارد دور جدیدی شد که به متن "برجام" منتهی شد. مقام معظم رهبری از آغاز این دور جدید مذاکرات ضمن تأکید مکرر بر بی‌اعتمادی ایران به آمریکا و تشریح اینکه آمریکایی‌ها در بحث تحریم‌ها اهدافی فراتر از هسته‌ای را دنبال می‌کنند، اما بنا بر ملاحظات اجتماعی و زمینه‌سازی برای

خروج از فضای ایران‌هراسی و همچنین کاهش پیامدهای تحریم اقتصادی بر مردم و اقتصاد کشور با آغاز دور جدید مذاکرات در دولت یازدهم موافقت کرده و با طرح تاکتیک نرمش قهرمانانه بستر را برای پیش‌برد مذاکرات فراهم نمودند و در طی دوران مذاکره نیز متناسب با روند پیشرفت مذاکرات دیدگاه‌های خود را مطرح می‌نمودند، اما همانگونه که بارها تأکید فرمودند مسئولیت این امر را برعهده مسئولان اجرایی کشور و نهادهای تصمیم‌ساز نظیر شورای عالی امنیت ملی محول کرده بودند.

نگارنده را نظر بر این است که اگر دولتمردان و اعضای تیم مذاکره‌کننده در فرایند مذاکرات در طی ۲۳ ماه گذشته به درستی تدابیر رهبری را اجرا کرده و با باور به توانمندی‌های علمی و صنعتی و دفاعی کشور از حقوق هسته‌ای و قانونی مردم ایران دفاع می‌کردند، نتیجه مذاکرات بهتر از این بود. در فرآیند مذاکرات تدابیر مقام معظم رهبری در چندین مرحله به بیان دیدگاه‌های خود و هدایت تیم در مسیر صحیح مذاکرات پرداختند که دو مرحله اخیر آن با بیان خطوط قرمز نظام از صراحت بیشتری برخوردار بود.

الف: بعد انتشار بیانیه لوزان ایشان در روز بیستم فروردین‌ماه ۱۳۹۴، مطالبات خود را از تیم در پنج موضوع اساسی که باید به عنوان خط قرمز مذاکره‌کنندگان مورد توجه واقع شود به شرح زیر برشمردند:

۱- لغو یکجای تحریم‌ها:

رهبر معظم انقلاب لغو یکجای تحریم‌ها را یکی از مطالبات اصلی برشمرده یادآور می‌شوند: «این موضوع بسیار مهم است و تحریم‌ها باید در همان روز توافق به طور کامل لغو شوند». ایشان خاطرنشان کردند: «اگر قرار باشد لغو تحریم‌ها به یک فرآیند جدید مرتبط شود، اساس مذاکرات بی‌معنا خواهد بود؛ زیرا هدف از مذاکرات برداشته شدن تحریم‌هاست».

۲- نباید بیگانگان به بهانه نظارت، به حریم‌های امنیتی وارد شوند:

حضرت آیت الله خامنه‌ای در بیان این مطالبه بعدی به بحث بازرسی‌ها اشاره و تأکید کردند: «مطلقاً نباید اجازه داده شود که به بهانه نظارت، به حریم امنیتی و دفاعی کشور نفوذ کنند و مسئولین نظامی کشور نیز به هیچ وجه اجازه ندارند که به بهانه نظارت و بازرسی، بیگانگان را به این حریم راه دهند، و یا توسعه دفاعی کشور را متوقف کنند».

۳- نباید در روند توسعه دفاعی کشور خللی وارد شود:

«لازم است توانایی دفاعی کشور و مشت محکم ملت در عرصه نظامی همچنان محکم بماند و روز به روز نیز محکم تر شود. همچنین به هیچ وجه نباید در مذاکرات، حمایت از برادران مقاوم‌مان در نقاط مختلف مورد خدشه قرار گیرد».

۴- ایران شیوه‌های غیر متعارف نظارتی را نمی‌پذیرد:

رهبر انقلاب اسلامی در خصوص شیوه نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران نیز تأکید کردند: «هیچ‌گونه شیوه نظارت غیر متعارف که ایران را به یک کشور اختصاصی از لحاظ نظارت‌ها تبدیل کند، مورد قبول نیست و نظارت‌ها باید تنها در محدوده همان نظارت‌های متعارفی که در همه دنیا انجام می‌شود اعمال شود، نه بیشتر».

۵- ضرورت ادامه تحقیق و توسعه فنی هسته‌ای در ایران:

«توسعه علمی و فنی در ابعاد گوناگون باید ادامه یابد؛ البته تیم مذاکره‌کننده ممکن است لازم بداند که برخی محدودیت‌ها را قبول کند که در این زمینه حرفی نداریم، اما توسعه فنی باید حتماً ادامه یابد و با قدرت پیش رود». حضرت آیت الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: «تأمین این خواسته‌ها برعهده مذاکره‌کنندگان است و باید با بهره‌گیری از نظرات افراد مطلع و امین و همچنین نظرات منتقدان، شیوه‌های درست مذاکراتی را پیدا و دنبال کنند».

ب: در آستانه نشست وین نیز ایشان در دیدار با مسئولان نظام (۱۳۹۴/۰۴/۰۲) بار دیگر ضمن حمایت از تیم مذاکره کننده هسته‌ای، ابعاد دیگری از خطوط قرمز ایران در عرصه مذاکرات را به شرح زیر ترسیم نمودند:

۱- عدم پذیرش محدودیت‌های بلندمدت:

«ما برخلاف اصرار آمریکایی‌ها محدودیت‌های بلندمدت ۱۰، ۱۲ ساله را قبول نداریم و مقدار سال‌های مورد قبول محدودیت را به هیأت مذاکره کننده گفته‌ایم».

۲- ادامه کار تحقیق و توسعه و ساخت و ساز در زمان محدودیت:

«در طول سال‌های محدودیت هم باید تحقیق و توسعه ادامه داشته باشد. آنها می‌گویند در مدت ۱۲ سال هیچ کاری نکنید اما این، یک حرف زور مضاعف و غلط مضاعف است».

۳- لغو فوری تحریم‌های اقتصادی، مالی و بانکی هنگام امضای موافقت‌نامه و سایر تحریم‌ها در فواصل معقول:

«تحریم‌های اقتصادی، مالی و بانکی چه مربوط به شورای امنیت، چه کنگره آمریکا و چه دولت آمریکا باید فوراً هنگام امضای موافقت‌نامه لغو و بقیه تحریم‌ها هم در فواصل معقول برداشته شود».

۴- منوط نشدن لغو تحریم‌ها به اجرای تعهدات ایران:

«لغو تحریم‌ها نباید به اجرای تعهدات ایران منوط شود، نگویند شما تعهدات را انجام دهید بعد آژانس گواهی دهد تا تحریم‌ها لغو شود، ما این مسئله را مطلقاً قبول نداریم. اجرائیات لغو تحریم‌ها باید با اجرائیات تعهدات ایران متناظر باشد».

۵- مخالفت با موکول کردن هر اقدامی به گزارش آژانس:

«ما با موکول کردن اجرای تعهدات طرف مقابل به گزارش آژانس مخالفیم. چون آژانس بارها و بارها ثابت کرده مستقل و عادل نیست، بنابراین

ما به آن بدبین هستیم. می گویند «آژانس باید اطمینان پیدا کند» این چه حرف نامعقولی است؟ چگونه اطمینان پیدا کند مگر اینکه وجب به وجب این سرزمین را بازرسی کند».

۶- مخالفت با بازرسی های غیرمتعارف، پرس وجو از شخصیت های ایران و بازرسی از مراکز نظامی:

«با بازرسی های غیرمتعارف و پرس وجو از شخصیت ها را هم به هیچ وجه بنده موافق نیستم. بازرسی از مراکز نظامی را هم نمی پذیریم همچنان که قبلاً هم گفتیم».

۷- مخالفت با زمان های ۱۵ و ۲۵ سال برای اتمام برخی موضوعات:

«زمان های ۱۵ سال و ۲۵ سال که دائماً می گویند برای فلان چیز را هم ما قبول نداریم. این زمان مشخص است و تمام خواهد شد».

ایشان در این زمینه تصریح می فرمایند: «هر آنچه رهبری در جلسات عمومی می گوید عیناً همان مسائلی است که در جلسات خصوصی به رئیس جمهور و دیگر مسئولان ذی ربط می گوید؛ بنابراین این خط تبلیغی غیرصحیح که از برخی خطوط قرمز رسمی در جلسات خصوصی صرف نظر شده است، خلاف واقع و دروغ است».

ملاحظات راهبردی

پس از اعلام جمع بندی مذاکرات هسته ای ۲۳ ماهه جمهوری اسلامی ایران با گروه ۵+۱ درباره پرونده ۱۳ ساله هسته ای ایران، رهبر انقلاب در پاسخ به نامه رئیس جمهور محترم و نیز خطبه ها و همچنین دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در عید فطر ضمن اعلام سیاست های کلی نظام در خصوص ادامه مبارزه با استکبار و سیاست های جمهوری اسلامی در منطقه به بیان نظرات تکمیلی خود درباره این موضوع پرداختند که در این بین چند نکته قابل تأمل است:

۱- تشکر از تیم مذاکره کننده: رهبر انقلاب پس از پایان مذاکرات، تشکر خود را از تیم مذاکره کننده بیان داشتند و گفتند: «چه این متنی که تهیه شده است، در مجاری قانونی پیش‌بینی شده خود تصویب بشود و چه نشود، اجر آنها محفوظ است». تشکر و قدردانی رهبر معظم انقلاب از آن جهت حائز اهمیت است که با انتشار متن جمع‌بندی و ضامم آن، برخی از انتقاد سالم تجاوز کرده و به فضای تخریب و اختلاف و دودستگی دامن زدند.

۲- تأکید بر طی کردن مسیر قانونی: پس از اعلام جمع‌بندی مذاکرات در وین، برخی توقع داشتند رهبر انقلاب موضع حمایتی و یا انتقادی آشکاری اتخاذ کنند، در حالی که هنوز مسیر قانونی و سازوکار مشخص شده برای این توافق به انتها نرسیده است. تأکید رهبر انقلاب بر طی شدن مسیر قانونی از دو جهت قابل تأمل است:

الف: به دلیل بدعهدی و نقض عهدهای فراوان از طرف مقابل و به خصوص آمریکا، این جمع‌بندی باید کاملاً ارزیابی و به اصطلاح، «چکش‌کاری» شود تا راه سوءاستفاده را برای طرف مقابل ببندد.

ب: نگاهی به گذشته و حال در تاریخ جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که سبک رهبری و سیاست‌گذاری کلان حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، همچون بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی، برای تصمیم‌گیری درباره مهم‌ترین مسائل کشور، طی شدن فرایندهای قانونی و استفاده از ظرفیت عقل جمعی بوده است. از سال ۱۳۸۳ که پرونده‌ی هسته‌ای ایران به جریان افتاد، تاکنون سه دولت مسئولیت رسیدگی به این پرونده را برعهده داشته‌اند. سه دولت با رویکردها و تاکتیک‌های متفاوت و بعضاً متضاد که هرکدام روش‌های خود را در چارچوب خطوط قرمز برای ورود به این پرونده لحاظ کرده‌اند. در طول همین مدت هم، مسائل آن در مقاطع مختلف با عنایت به خطوط اصلی، ملاحظات، رویکردها و روش‌های دولت‌های برآمده از رأی مردم پس از طی شدن فرایند قانونی به جمع‌بندی و تصمیم‌گیری رسیده

است. سیره رفتاری رهبر انقلاب در این زمینه نشان می دهد که نه مثل برخی باید ذوق زده بود و نه مانند برخی دیگر برای اصول انقلاب فاتحه خواند، بلکه باید تا پایان یافتن و قوام پیدا کردن مسأله پیچیده مذاکرات هسته ای، در تحلیل ها و نقدهای مان نیز این ملاحظه را رعایت کرد.

۳- پرهیز از دودستگی: رهبر انقلاب در دیدار با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در روز عید فطر فرمودند: «ملت ایران نیز باید متحد باشد و قضایای هسته ای نباید زمینه ساز دودستگی در کشور شود». در این زمینه باید گفت که یکی از مهم ترین حربه های دشمنان انقلاب اسلامی، تبدیل فرصت های جمهوری اسلامی ایران به تهدید علیه خودش است. نمونه بارز آن را می توان پس از انتخابات سال ۸۸ مشاهده نمود که چطور مشارکت بالای ۸۵ درصدی مردم در انتخابات که باید سکوی پرتاب جمهوری اسلامی در معادلات بین المللی و منطقه ای می شد، موجب مخدوش کردن چهره نظام اسلامی شد. باید از پس این رخدادها و فتنه ها درس بگیریم که چگونه از فرصت های مان در جهت پیش برد اهداف انقلاب اسلامی گام برداریم. باید مراقب بود که مسأله ما در مذاکرات، حل پرونده ی هسته ای است نه یارکشی انتخاباتی و نه دعوای سیاسی و حزبی.

۴- توجه به نقاط قوت مذاکرات: نگاه کلان و روندنگر یکی از نقاط مهم در سخنان رهبر انقلاب بوده است؛ چنانچه ایشان در خطبه های عید فطر فرمودند: «ده سال، دوازده سال است که شش دولت بزرگ جهانی -که از لحاظ ثروت اقتصادی و غیره، جزو کشورهای مقتدر دنیا محسوب می شوند- اینها نشسته اند در مقابل ایران، با هدف اینکه ایران را از پیگیری صنعت هسته ای خودش باز بدارند... نتیجه [اش] این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتریفیوژ را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه این صنعت را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه تحقیقات و توسعه این صنعت را تحمل کنند».

۵- توجه به ظرفیت‌های تیم مذاکره‌کننده و دستگاه دیپلماسی کشور: شرایط نامتقارن دوسوی میز مذاکره، نشان‌دهنده این است که به رغم حضور ۶ قدرت مطرح جهان و پشتوانه حمایت سازمان‌های بین‌المللی نظیر شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپایی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و... که از حمایت صدها حقوق‌دان و کارشناس و... برخوردار بودند، تیم ایران در حد ظرفیت خود توانست اهداف نظام را پیگیری کند. اگرچه بدیهی است که با استفاده بهتر از نگاه کارشناسان و حتی منتقدان، ضعف‌ها و کاستی‌های برجام و قطعنامه کمتر می‌شد.

۶- انعطاف‌ها منوط به رعایت مصالح کشور بود: متن "برجام" به دلیل پیچیدگی‌های متأثر از درهم تنیدگی قطعنامه‌های شورای امنیت و برداشت‌های متفاوت از آنها دارای ابهاماتی است که شاید تنها اولویت‌های ناشی از ضرورت‌های خاتمه دادن به این روند طولانی و جلوگیری از شکست مذاکرات، رسیدن به اجماع آن را از منظر دستگاه دیپلماسی و تیم مذاکره‌کننده توجیه‌پذیر می‌نماید و به همین دلیل، در بررسی برجام به نکات متعددی می‌توان رسید که خطوط قرمز طراحی‌شده نظام با سایش مواجه شده است.

ارزیابی اجمالی از برجام

پایان یافتن مذاکرات ۱۲ ساله ایران و ۱+۵ و امضای سند برجام به عنوان سندی بین‌المللی و قابل اعتنا درباره مذاکرات هسته‌ای، و صدور قطعنامه ۲۲۳۱ با واکنش‌های متعددی و حتی متعارضی در فضای جامعه مواجه بوده است. در یک نگاه اجمالی ستانده‌ها و داده‌های برجام و محورهای چالشی آن را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

ستانده‌ها:

اول: رسمی شدن غنی‌سازی ایران و پذیرش ایران هسته‌ای: در حوزه دستاوردها، اولین دستاورد مهم، رسمی شدن غنی‌سازی ایران است. این

موضوعی است که نباید به سادگی از کنار آن گذشت. در طول ۱۲ سال مذاکره تمام تلاش و جنگ دیپلماتیک ما برای همین موضوع بود که حق غنی سازی ایران به رسمیت شناخته شود. شروع مذاکرات هم به همین دلیل بود که ما می خواستیم غنی سازی داشته باشیم و آن ها چنین چیزی را نمی پذیرفتند آن ها اصرار بر این داشتند که ایران غنی سازی نداشته باشد. حتی در توافق ژنو هم کلمه «غنی سازی» استفاده نشده بود و از آن به عنوان «برنامه هسته ای صلح آمیز ایران» نام برده شد.

دوم: غنی سازی صنعتی همراه با تحقیق و توسعه: غنی سازی صنعتی بدون تحقیق و توسعه بی مفهوم است؛ بنابراین باید تحقیق و توسعه را ذیل غنی سازی صنعتی تعریف کرد، اگرچه برای تحقیق و توسعه و غنی سازی صنعتی محدودیت هایی را پذیرفته ایم. ممکن است گفته شود، با این محدودیت ها لحاظ کردن حق تحقیق و توسعه به عنوان یک ستانده توجیهی ندارد، اما می توان روشن کرد که این محدودیت ها متناسب با برنامه کلان توسعه صنعت هسته ای ایران که بر روی سانتریفیوژهای IR-۶ و IR-۸ بنا گذاشته شده است و تحقیق و توسعه آن ها چند سال طول می کشد، می باشد و منافات چشمگیری با آن ندارد و بدون آن نیز روند فعالیت ما فرق چندانی نمی کرد.

سوم: رفع تحریم ها سومین دستاورد ما در مذاکرات هسته ای است و مهم برای رفع تحریم های اقتصادی و بانکی در ابتدای توافق بود در این باره از کلمه «رفع» تحریم ها استفاده می کنیم؛ چرا که در حال حاضر و بر اساس برجام، درباره تحریم ها اتفاقات متعددی رخ داده است و در برخی موارد «لغو»، مواردی «توقف» می شود. اما به طور کلی رفع تحریم ها و در دوره ابتدایی کنونی، رفع تحریم های پولی و بانکی را خواهیم داشت و به مرور از سال هشتم به بعد، کل تحریم های باقی مانده رفع خواهد شد که این نیز دستاورد مهمی است. این موضوع مهم ترین دلیل ما برای مذاکره با طرف مقابل بود و اگر قرار بود تحریم ها رفع نشود، اصلاً دلیلی برای این همه

مذاکره نبود.

چهارم: عادی شدن پرونده ایران: این دستاورد مهم نیز از مسائلی است که طی ۱۲ سال مذاکره یکی از موارد حساس مورد بحث طرفین بود. احتمالاً در حال حاضر، مسأله PMD و موضع‌گیری نسبت به فعالیت‌های گذشته ایران خاتمه می‌یابد که حتی اگر آژانس پرونده ایران را خاتمه ندهد به برجام لطمه ای نخواهد خورد. موضوع دیگر عادی شدن پرونده ایران در شورای امنیت و آژانس است که به صراحت در برجام آمده است. نکته مهم این که در هیچ جای این معادله نظر آژانس ملاک تصمیم‌گیری نیست و بعد از پایان ۸ سال، چه آژانس برنامه ایران را تأیید کند و چه نکند، مرحله انتقال برجام آغاز می‌شود. همچنین سر ۱۰ سال، چه آژانس تأیید کند و چه نکند، به طور خودکار قطعنامه تصویب‌شده لغو و پرونده ایران عادی می‌شود، بدون اینکه نظر آژانس ملاک باشد.

دستاورد پنجم: شکست نظام سلطه در برابر ایران با پذیرش ایران هسته‌ای و تقویت جایگاه نظام در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی (مشروط به حفظ رویکرد استکبارستیزی): شکست نظام سلطه از ایران و در نتیجه آن، تغییر هنجارهای نظام بین‌الملل و سهم جدید ایران و کشورهای شبیه ایران در نظم آینده جهانی نیز دستاورد مهم دیگر این مذاکرات برای ماست. البته این دستاورد مشروط به دو نکته است: نکته اول حفظ روحیه استکبارستیزی و نکته دوم تفوق ملی و پرهیز از نشان دادن تصویری شکست‌خورده از مذاکرات.

تأثیرات این دستاورد:

- تغییر هنجارهای بین‌المللی در جهت عادلانه‌تر شدن نظام بین‌الملل؛
 - گرفتن سهمی در شأن ایران در نظم نوین جهانی؛
 - تقویت گفتمان استکبارستیزی در جهان اسلام و آزاده خواهان دنیا؛
 - بیشتر شدن قدرت منطقه‌ای ایران و تقویت جبهه مقاومت.
- در مورد شرط دوم؛ ضرورت حفظ وحدت و انسجام داخلی پیرامون این

موضوع از اولویت‌های اساسی داخلی است که مقام معظم رهبری بارها بر آن و به ویژه در روز عید فطر تأکید نموده‌اند. نوع نقدها در داخل باید مبتنی بر ملاحظات باشد که پیش از این بر آن تأکید شد.

دست‌آورد ششم: تقویت و تثبیت نظام جمهوری اسلامی در داخل است، دستیابی به این توافق سبب پیوند عمیق‌تر طیف خاکستری جامعه با نظام و سازوکارهای آن شده و آن‌ها به رویکردها و اقدامات نظام اعتماد بیشتری پیدا کرده‌اند. از سوی دیگر اعتبار رهبری انقلاب نیز در بین این گروه تقویت شده است. این بدان معنی است که رهبری امروز در جایگاه آن‌ها، به عنوان مثال نسبت به اوایل سال ۹۲ جایگاه خیلی بالاتری دارد. از نظر آن‌ها در این مدت و با روند طی شده در مذاکرات هسته‌ای، فرآیندی معقول با مدیریتی حساب‌شده دنبال شده که به اعتبار جایگاه رهبری در نظر آن‌ها منجر شده است. در این شرایط سازوکارهای نظام جمهوری اسلامی برای این گروه پذیرفته شده است که این دست‌آورد به تثبیت و تقویت نظام منجر می‌شود. البته در این مجال تنها به مهم‌ترین دستاوردها اشاره شد و نکات دیگری نیز وجود دارد که می‌توان از آن به عنوان دست‌آورد یاد کرد، همچون «تفاوت‌های موجود بین قطعنامه جدید با قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت» و همچنین «وعده‌های داده‌شده برای استانداردسازی سوخت و توسعه صنعت هسته‌ای ما» که هر یک در جای خود دارای اهمیت ویژه‌ای است.

دست‌آورد به دست‌آمده نتیجه ۱۲ سال پیشرفت و استقامت با حفظ مواضع اصولی است. اگر ما توانایی‌ها و امکانات هسته‌ای امروز را نداشتیم، آیا دلیلی وجود داشت که آن‌ها با ما پای میز مذاکره بنشینند؟ همین تیم هسته‌ای فعلی در سال ۸۳ نتوانستند امتیاز ۲۰ سانتریفیوژ را برای ما بگیرند، به این دلیل که ما داده‌ای برای گذاشتن روی میز نداشتیم. مدیریت حکیمانه رهبر معظم انقلاب، که حتی به اعتراف خود طرفین مذاکره بسیار هوشمندانه است. وقتی ایشان خطوط قرمز را علنی می‌کنند، سبب می‌شود که تیم هسته‌ای این خطوط قرمز را به کلیدواژه‌های مذاکرات تبدیل می‌کند و روی

میز مذاکره می‌گذارد. از طرف دیگر وقتی می‌گویند نرمش قهرمانانه، برگرفته از تدبیر دقیقی است که حالا ما را به نقطه امروزی رسانده است. قدرت روزافزون منطقه را هم نباید فراموش کرد. در مذاکرات قبلی وین، مذاکرات خوب پیش رفته بود. در آن شرایط هنوز جمهوری خواهان کنگره را در اختیار نداشتند و آمریکایی‌ها ساده‌تر می‌توانستند مصوبه کنگره را بگیرند، اما چرا موافقت نکردند؟ یکی از دلایل این بود که پس از وین، ماجرای یمن اتفاق افتاد و قدرت منطقه‌ای ایران را چند برابر کرد. از سوی دیگر مردم هم واقعاً در برابر تحریم‌ها ایستادگی کردند و نظرسنجی‌ها هم همین موضوع را ثابت می‌کند و البته بی‌تردید، دیپلماسی هوشمندانه و خلاقانه تیم هسته‌ای در این توافق مؤثر بوده است.

داده‌ها:

به طور طبیعی این سؤال مطرح می‌شود که در مقابل این ستانده‌ها ما چه داده‌هایی را به طرف مقابل داده‌ایم و آن‌ها در قبال آن چه امتیازاتی از ما گرفته‌اند. اولین نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که داده‌های ما در این مذاکرات از نظر طرف مقابل خیلی مهم است و خوشحال هستند که چنین امتیازاتی از ما گرفته‌اند، هرچند که نگرانی‌هایی در برخی از موارد وجود دارد. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که آن‌ها دوست نداشتند همین میزان ستانده را هم به ما بدهند و در مقابل آن داده‌هایی بگیرند؛ چرا که به گفته خود اوپاما، اگر می‌توانستند حتی پیچ و مهره‌های تأسیسات هسته‌ای ما را هم باز می‌کردند.

۱- محدودیت‌های غنی‌سازی: اولین داده ما در این مذاکرات اعمال محدودیت‌ها در غنی‌سازی است. هم محدودیت در سطح غنی‌سازی و هم محدودیت در ظرفیت غنی‌سازی. بر اساس توافق انجام‌شده ما برای مدت ۱۵ سال سطح غنی‌سازی مان را محدود کرده‌ایم و به میزان ۳،۶۷ نگاه خواهیم داشت. از طرف دیگر ظرفیت غنی‌سازی مان را هم بر اساس تعداد

سانتریفیوژهای توافق شده محدود کرده‌ایم که از ۱۸ هزار و ۵۰۰ سانتریفیوژ به ۵۰۶۰ عدد برسانیم و تا ۱۰ سال این محدودیت را بپذیریم. همچنین تا ۱۵ سال در رآکتورهای آب سنگین محدودیت‌هایی پذیرفته‌ایم و به جز رآکتور فعالی که می‌توانیم آن را احیا کنیم، قرار نیست رآکتور دیگری بسازیم. از طرف دیگر در فردو نمی‌توانیم غنی‌سازی داشته باشیم.

۲- کاهش ذخایر اورانیوم به ۳۰۰ کیلو تا سقف ۱۰ سال

۳- پذیرش نوعی از نظارت‌ها و بازرسی‌ها، نظارت‌های فراتر از پروتکل الحاقی: سومین داده ما در جمع‌بندی مذاکرات، پذیرش نوعی از بازرسی‌هاست. بعضی از این بازرسی‌ها که در حدود پروتکل الحاقی است، اما برخی پروتکل‌ها فراتر از پروتکل الحاقی است. ما نظارت ۲۰ ساله بر ساخت روتورها و ۲۵ ساله بر معادن را پذیرفته‌ایم.

۴- تصور تغییر رویکرد استکبارستیزی ایران اسلامی: داده دیگری که در حال حاضر مصداق عینی پیدا کرده است، اما مشروط به اقدامات آتی می‌تواند تغییر یابد، تصور ایجادشده در برخی درباره تغییر رویکرد استکبارستیزی ایران اسلامی است. این موضوع از نظر ما بسیار مهم است به اندازه‌ای که اگر بعداً نتوانیم این توهم را برطرف کنیم، هر آنچه در این مذاکرات ستانده‌ایم کم‌ارزش خواهد شد و ارزش آنچه از دست داده‌ایم بیشتر از ستانده‌هایمان است. در حال حاضر در برخی از فعالان سیاسی در جهان اسلام و کسانی که چه در اروپا، چه در آمریکای لاتین و چه در هر جای دنیا، مخالف صهیونیسم، آمریکا و استکبار هستند، این تصور ایجاد شده که ایران تغییر رویکرد داده است. این داده ما در مذاکرات، در صورت تبدیل شدن به یک باور هزینه سنگینی است. شاید و البته مطمئناً، اگر به گونه دیگری رفتار می‌شد و به عنوان مثال لبخند کمتری می‌زدیم، پیاده‌روی نمی‌کردیم و از این نوع رفتارها نداشتیم، شرایط و جایگاه ما در نگاه و باور دیگران بهتر بود. با این وجود این داده، منوط به حفظ رویکرد استکبارستیزی ما خواهد بود. رویکرد استکبارستیزی برای ما هم آرمانی ایدئولوژیک و هم منفعتی راهبردی است

که همه داشته‌های امروز مان را از پافشاری بر این رویکرد داریم.

۵-تداوم «تعليق فعاليت هسته‌ای»: ايران تنها کشوريست که در قضيه پرونده هسته‌ای خود برای اولین بار واژه «تعليق فعاليت‌های هسته‌ای» شامل غنی‌سازی و راستی‌آزمایی تعليق توسط آژانس را در ادبیات آژانس وارد کرده است. در نتیجه این اشتباه تاریخی، آژانس بر خود این حق جدید و فراتر از مقررات را قائل شد که برای بازرسی‌های مربوط به راستی‌آزمایی «تعليق غنی‌سازی» معیارهایی تعیین و تحمیل کند. این مسأله شامل «تعليق ساخت قطعات» نیز می‌شود. به نظر می‌رسد اشتباه مزبور در فرایندهای بعدی موجب شد تا پای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به سایت‌های نظامی و بخش‌های خصوصی کشور باز شود و قبح ورود به حریم امنیتی کشور شکسته شد؛ بنابراین اکنون که بر اساس برجام و قطعنامه اجازه مجدد به آژانس داده می‌شود تا تعليق غنی‌سازی و توقف کامل بازفرآوری را برای بیش از یک دهه راستی‌آزمایی نماید، به معنی تکرار اشتباه گذشته است.

۶-اجازه‌های فراپروتکلی به آژانس: بر اساس برجام و قطعنامه ایران برای اولین بار به آژانس اختیار داده تا حتی فراتر از پروتکل الحاقی، اورانیوم همه معادن ایران را حسابرسي نماید؛ در حالیکه بر اساس پروتکل الحاقی تنها کشورهای عضو موظف هستند آدرس و ظرفیت معادن را اعلام نمایند.

۷-عدم تضمین آژانس برای بستن PMD پس از همکاری: پس از ۲ سال مذاکره طاقت‌فرسا و فضای مثبت سیاسی، آژانس نه تنها کوچک‌ترین مسامحه‌ای در مورد ادعاهای ابعاد احتمالی نظامی PMD نکرد، بلکه بر خواسته‌های غیر مستند خود اصرار ورزید و ایران را مجبور کرد تا ۶ ماه دیگر فراتر از تعهدات قانونی همکاری کند. بر اساس موافقت‌نامه امضاشده توسط مدیر کل و رئیس سازمان انرژی اتمی (نقشه راه جدید)، آژانس تضمینی هم برای بستن PMD نداد و صرفاً قرار است ارزیابی خود را به شورای حکام بدهد و اگر ایران اعتراض داشت به شورای حکام منعکس کند.

۸-پذیرش رژیم کنترل صادرات کشورهای تأمین‌کننده (NSG) : برای

اولین بار در تاریخ آژانس، یک کشور با رضایت خود زیر چتر کنترل و بازرسی لیست طویل اqlام دومنظوره رژیم کنترل صادرات کشورهای تأمین کننده سند/INFCIRC/۲۵۴ قرار گرفت. در برجام و قطعنامه چندین بار از این لیست به عنوان مرجع یاد شده است. ایران موظف است از این به بعد برای واردات همه اqlام دومنظوره مندرج در این سند و الحاقیات آن، برای اهداف فعالیت های صلح آمیز هسته ای و غیر هسته ای، تمامی مراحل شامل کمیسیون مشترک، کسب مجوز شورای امنیت و بازرسی های بعدی را طی کند.

۹-همزمان ایران تحت کنترل شورای امنیت و آژانس در مورد این لیست که به مراتب فراتر و مداخله جویانه تر از پروتکل الحاقی است به طور مداوم قرار گرفت. این اqlام شامل مواد، تجهیزات و فناوری دومنظوره است که در صنایع و مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی کشور مورد استفاده قرار می گیرند. در صورتی که آژانس مثل گذشته از اهرم «اطلاعات منابع آزاد (OPEN)» (SOURCE) استفاده کند، در آینده درخواست بازرسی از اماکن نظامی و صنعتی که از این اqlام دومنظوره استفاده می کنند خواهد کرد. علاوه بر این، ایران مجبور است طبق قطعنامه ۲۲۳۱ برای خرید اqlام دومنظوره به کمیسیون مشترک و شورای امنیت اطلاعات کامل مقصد و استفاده کننده شامل نام، ادرس، تلفن، ایمیل را هم بدهد.

۱۰-پذیرش محرومیت بلندمدت حق بازفراوری: بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ ایران اولین کشوری است که با تأیید قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل خود را برای ۲۰ سال از حق بازفراوری محروم می کند.

۱۱-پذیرش محرومیت دائمی از ساخت راکتور نوع آب سنگین: بر اساس برجام و قطعنامه، ایران تنها کشوری است که برای همیشه از ساخت احداث راکتور تحقیقاتی و یا نیروگاه اتمی نوع آب سنگین در آینده حتی تحت نظارت و کنترل آژانس خود را محروم ساخت.

۱۲-پذیرش دائم صدور سوخت مصرفی راکتور و هر نیروگاه اتمی به

خارج: ایران تنها کشوری است که با رضایت خود بر اساس قطعنامه ملزم شد برای همیشه سوخت مصرفی راکتور اراک در عمر کامل آن و نیز سوخت مصرفی هر راکتور و نیروگاه اتمی دیگر در آینده را به خارج از کشور صادر کند.

۱۳- محدودیت‌های قطعنامه شورای امنیت:

الف: محدودیت خرید و فروش تجهیزات نظامی متعارف زیر نظر شورای امنیت؛

ب: عدم طراحی و تست موشک‌های بالستیک (البته در این زمینه میان تفسیر فرماندهان نظامی با دستگاه سیستم خارجی در مورد مفهوم "بالستیک" اختلاف است). تیم مذاکره‌کننده این محدودیت را ناظر بر موشک‌ها با کلاهک هسته‌ای می‌داند که این تعریف با تعاریف نظامی در مورد موشک‌های بالستیک مغایر است؛

ج: امکان بازگشت به تحریم‌های گذشته با سیستم ماشه.

ملاحظات چند در ارزیابی ابعاد برجام

در این زمینه اگرچه انتظار این است که شورای عالی امنیت ملی و مجلس شورای اسلامی در روند بررسی و قانونی کردن این توافق با اتخاذ تمهیدات لازم در زمینه رفع ضعف‌های آن گام‌های مقتضی را بردارند، اما در این عرصه باید به واقعیاتی چند توجه داشت:

الف: "برجام" نهایت ظرفیت تیم مذاکره‌کننده و دستگاه دیپلماسی کشور بود.

ب: در روند بررسی اگرچه سایش و یا حتی عبور از برخی خطوط قرمز ترسیم‌شده در بعضی از موضوعات غیر قابل انکار است، اما گروهی را عقیده بر این است که ضرورت حفظ مصالح نظام، سایش برخی خطوط قرمز را توجیه‌پذیر می‌کند.

ج: دستاوردها در عرصه تقویت اقتدار منطقه‌ای ایران، فرصتی برای

جبران کاستی‌های برجام ایجاد خواهد کرد.

د- مجلس شورای اسلامی می‌تواند در زمان تأیید هر سند از جمله پروتکل الحاقی و یا تعهدات مبتنی بر برجام، انتظارات و ملاحظات امنیتی کشور را ضمیمه تأییدیه خود به نهاد مربوط بین‌المللی ارائه دهد. هرچند اسنادی نظیر پروتکل الحاقی تحفظ‌پذیر نیستند، اما ارائه ملاحظات امنیتی کشور و ثبت آن در مراجع بین‌المللی می‌تواند در آینده مورد استناد قرار گیرد. این امر در گذشته مسبوق به سابقه بوده و جمهوری اسلامی در مورد کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی (CWC) علی‌رغم عدم امکان در نظر گرفتن حق شرط، شروطی تعیین و به مقام مربوط ارائه نمود تا از این طریق سیاست‌های کلان کشور در این حوزه را بیان نموده باشد.

ه- مجلس شورای اسلامی در زمان بررسی خود برای دولت، شرایطی را تعیین نماید تا دولت جمهوری اسلامی ایران، در راستای آن شرایط، تعهدات بین‌المللی خود را به انجام رساند. این مسأله حتی در مواردی نظیر اجرای داوطلبانه و مقدماتی پروتکل الحاقی مطابق ماده (۱۷ B) پروتکل و نظایر آن باید صورت پذیرد. در این راستا دولت موظف شود به شکل دوره‌ای به مجلس در مورد اقدامات خود گزارش داده و این گزارش در مجلس به لحاظ ماهوی بررسی شود.

اهداف و دلایل طرح دوگانه منافع نظام و مردم «از سوی برخی جریان‌های داخلی و خارجی»

بهزاد کاظمی

چکیده

بررسی روند خبری تحلیلی برخی رسانه‌های داخلی و خارجی در چند ماه اخیر نشان‌دهنده این موضوع است که برنامه‌ریزی گسترده‌ای برای دوقطبی‌سازی و ایجاد تقابل بین نظام اسلامی و مردم، صورت گرفته است. این خط رسانه‌ای، بیشتر از طریق وانمود کردن تعارض میان منافع نظام و مردم دنبال می‌شود. ادعایی که اگرچه بی‌سابقه نیست، اما در شرایط کنونی که نیاز به وحدت و همگرایی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، نمایانگر نیت پلید و زشت دشمنان انقلاب اسلامی است. تحلیل و بررسی اهداف و دلایل طرح دوگانه منافع نظام و مردم، موضوعی است که در این نوشتار به آن می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: دوگانه، منافع نظام، منافع مردم

مقدمه

پدیده اختلاف‌افکنی و دوگانه‌سازی در جوامع از سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشر برخوردار است و ریشه در انگیزه سلطه‌گری و حس خودبرتربینی مستکبران دارد که پس از گسترش تفکر انقلاب اسلامی بر گستره و عمق آن افزوده شد. امواج جدید اختلاف‌افکنی و دوگانه‌سازی برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی، پروژه‌ای کاملاً هدفمند و طراحی‌شده می‌باشد که با

بهره‌گیری از ابزارهای متنوع و تاکتیک‌های پیچیده به صورت پردامنه‌ای در حال اجرا است.

در دهه ۱۳۸۰ نخستین بار آمریکایی‌ها در شانتاژ تبلیغی خود، از حاکمیت دوگانه در ایران سخن گفتند و پس از آن افراد و گروه‌های افراطی و دلبسته به غرب سعی درت تئوریزه کردن آن داشتند تا از این طریق بتوانند پشتیبانی‌های بیرونی برای ادامه پروژه جریان افراطی در درون را فراهم آورند. تفرقه سبب شکسته شدن قدرت و از بین رفتن توان نیروهای بالقوه و بالفعل جامعه می‌شود. همچنان که امام علی علیه‌السلام راز تداوم یک حکومت را دوری از تفرقه و تحکیم ارکان مودت و محبت و ترغیب و توصیه نسبت به آن معرفی می‌کند. مهم‌ترین عامل تهدیدکننده بالندگی یک ملت از دیدگاه آن حضرت عبارت است از: کاشتن بذر نفاق و کینه در سینه، پشت کردن به یکدیگر، ترک یاری همنوعان و تبدیل الفت و محبت به پراکندگی و تفرقه (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲).

امروز خط دو قطبی کردن جامعه و قرار دادن مردم روبه‌روی یکدیگر و مقابل نظام مساله‌ای است که در دستور کار بدخواهان اسلام و ایران قرار دارد. برنامه ریزی دشمن برای ایجاد اختلاف و نزاع، امروزه برای کمتر کسی پوشیده است. بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری بر همین اساس پیوسته بر دوری از تفرقه و لزوم وحدت تأکید داشته‌اند.

پیوند منافع عمومی با وحدت ملی و حاکمیت یگانه

منافع ملی با اتکا به قدرت وحدت ملی ایجاد می‌شود و وحدت ملی نیز مقوله‌ای است که با توجه به هویت ایرانی و اسلامی به نام هویت ملی معنا پیدا کرده است. به دلیل فراگیر بودن و تعیین‌کنندگی مفهوم هویت ملی در حوزه‌های فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد، مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان و علمای عام سیاست و فرهنگ و اجتماع و اقتصاد به مطالعه درباره آن همت

گمارده اند. در این میان آنچه مورد تأکید بیشتر واقع شده است، خاستگاه سیاسی هویت ملی و نقش نظام‌های سیاسی در هویت‌سازی است؛ اگرچه از سایر اجزای فرهنگی و تاریخی آن غفلت نشده است.

برای تمام ملت‌های جهان، به ویژه ملت مسلمان و ولایتمدار ایران هویت ملی از اهمیت خاصی برخوردار است. در واقع، هویت ملی برای یک ملت، به منزله روح برای بدن است که فقدان آن به منزله مرگ خواهد بود. هویت ملی، هم عامل همبستگی و شکل‌گیری روح جمعی در ملت و هم وجه مشخصه و معرفه آن در میان ملل دیگر است. در واقع، قوام و دوام زندگی توأم با عزت و آزادی ملت ایران، به هویت ملی آن در معنای عام و گسترده بستگی دارد. سیر تحول و ضرورت هویت ملی جامعه ایران بیانگر این واقعیت است که همه گروه‌های فرهنگی و دینی برای شکل‌دهی و سامان بخشیدن به هویت ملی مشارکت داشته‌اند. بنابراین از بایسته‌های تحکیم و همین‌طور پویایی هویت ملی، مطابق با نیازها، واقعیت‌ها و شرایط جامعه است و این هویت ملی جامع و پویا است که می‌تواند ضامن "وحدت ملی" باشد.

در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز هویت ملی در مقابل هویت دینی نیست، بلکه مجموعه باورها، خواست‌ها و رفتارهای یک ملت می‌باشد و طبیعی است که اعتقادات و باورهای یک ملت مؤمن و مؤحد نیز جزء عناصر تشکیل‌دهنده هویت ملی او قرار می‌گیرد. هر قدر منافع ملی برای کشور روشن و شفاف باشد و در چارچوب اصول و ارزش‌های اسلامی و ایدئولوژیک و ملی شکل گرفته باشد و جلب رضایت مردم و حمایت‌های آنها را به دنبال داشته باشد، باعث می‌شود که عزت و اقتدار و قدرت نظام در معاملات و معادلات سیاسی و اقتصادی در داخل و خارج از کشور بیشتر شود و نظام اسلامی را برای دستیابی و رسیدن به اهداف توسعه و محقق ساختن مطالعات ملی موفق‌تر سازد.

وجوه مشترک بین اقوام، همیشه در جوامع انسانی و حتی در عالم

موجودات و مخلوقات نظام هستی، منشأ وحدت، اتحاد و یکپارچگی خواهد بود. از این روی تقویت نکات مشترک و تأکید بر یکپارچگی و حفظ اتحاد از رموز اصلی پایداری جوامع انسانی است، در میان مبانی و اصول مشترکی که می‌تواند موجب وحدت و تقویت همگرایی و یکپارچگی ملی تلقی شود می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: «دین و مذهب واحد، سرزمین مشترک، زبان مشترک، اصول مشترک انسانی، نیازهای انسانی و ملی، وجود دشمن مشترک، فرهنگ و آداب و سنن مشترک، نژاد واحد، هویت ملی...» که پیوست این اشتراکات، زمینه تحقق وحدت ملی را محقق می‌سازد.

«وحدت ملی» با منافع عمومی و مصالح کشور گره خورده است و هویت منسجمی را ایجاد می‌کند که نظام را در دستیابی به اهداف و عبور از بحران‌ها و رسیدن به توسعه یاری می‌دهد و دارای اهمیت بسیاری است. در یک تعریف کلی می‌توان گفت «وحدت ملی عبارت است از چگونگی واکنش مردم در باب دفاع از منافع عمومی و مصالح کشور».

اگر وحدت ملی در جامعه دچار خدشه شود و عوامل وحدت‌آفرین ملی موجود کمرنگ شوند، می‌تواند ثبات سیاسی و اقتدار نظام را ضربه‌پذیر سازد و فعالیت‌های قومی و گروهی، مداخلات داخلی و خارجی را به عنوان عوامل تهدیدکننده یک نظام به دنبال خود داشته باشد که این امر می‌تواند در جامعه تشتت و پراکندگی به وجود آورد که هر قوم و گروهی به جای توجه به مصالح و منافع ملی و ثبات کشور تنها به فکر منافع قومی، سیاسی و نژادی خود خواهند بود؛ همان اتفاقی که متأسفانه بعد از انتخابات توسط قلیلی اتفاق افتاد که جامعه را با بحران‌های داخلی مواجه می‌سازد که این امر می‌تواند زمینه و بسترساز نفوذ بیگانه در داخل کشور و در نهایت وابستگی را به دنبال خواهد داشت.

اهداف طرح دوگانه منافع نظام و مردم

تفرقه‌افکنی و دوقطبی‌سازی در واقع ناظر بر یک طراحی تقابلی از سوی

نظام سلطه در برابر نظام اسلامی است. بدین معنا که احساس مسئولیت و حمایت مردم مسلمان ایران را پشتوانه مستحکمی برای نظام اسلامی می‌بینند و با القای تضاد و تعارض میان منافع نظام و مردم، به تضعیف وحدت و انسجام ملی می‌پردازند.

بخشی از اهداف دوگانه منافع نظام و مردم را می‌توان اینگونه برشمرد:

۱- القای تضاد بین نظام اسلامی و آزادی انسان

دشمنان چنین القا می‌کنند که عصر جدید، عصرِ رهایی و آزادی انسان و حاکمیت اراده اوست نه عصر حاکمیت خدا و دین و قوانین دست و پاگیر آن! و انسان‌محوری و خدامحوری قابل جمع نیستند.

در فرهنگ اسلامی پذیرش نظام ولایی حیات طیبه انسانی را به دنبال دارد و هیچ‌گاه خدامحوری با کرامت و ارزش‌های ولای انسان و اختیارات او در تضاد نیست، بلکه انسان خود انتخاب‌کننده نظام اعتقادی حقوقی و سیاسی اسلام است و این همان انقیاد و پذیرش دین است و رسولان و پیام‌آوران الهی ابلاغ‌کننده دستورهای الهی و راهنمای راه سعادت او هستند. از سوی دیگر مبنای دین و فلسفه حاکمیت و اجرای قوانین الهی تأمین سعادت و کمال انسانی است که به تعبیر قرآن جز از طریق اجابت دعوت انبیای الهی نمی‌توان به حیات طیبه و حقیقت انسانیت دست یافت.

۲- غیر دمکراتیک خواندن نظام ولایت فقیه

یکی از اساسی‌ترین محورهایی که دشمنان برای آسیب رساندن به ولایت فقیه و نظام اسلامی تعقیب می‌کنند، القای تضاد میان ولایت فقیه و دمکراسی به قرائت غربی که به عنوان اوج اندیشه سیاسی امروز و بهترین الگوی حکومتی مطرح می‌شود.

زمینه اصلی پیدایش این امر، تغافل از نظام مردم‌سالاری دینی و نادیده انگاشتن این واقعیت است که در فرهنگ اسلامی، اراده هیچ کس برتر از اراده

دیگران قرار نگرفته، هیچ فردی حکمفرمایی و سلطه شخصی ندارد و تنها قانون الهی است که بر جامعه حکومت می‌کند. امام خمینی در نقد این شبهه می‌فرماید:

حکومت اسلام، حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خداست. قانون اسلام، یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد و همه افراد، از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد، تا ابد تابع قانون هستند.

۳- تضعیف رهبری و القای جدایی مردم از ایشان

انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، تجّی وحدت و یگانگی امت و امامت است و اگر این رابطه و پیوند گسسته شود و مردم در اطاعت و پیروی از رهبری سستی کنند، نظام اسلامی و جامعه دچار انحراف جبران‌ناپذیری خواهد شد. همان چیزی که دشمنان تابلودار نظام و ایادی آنها در پی آن هستند.

بدیهی است که هیچ رهبری بدون برخورداری از پشتیبانی و حمایت‌های مردمی قادر به ادامه‌ی وظایف خود نخواهد بود، حتی اگر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، یا امام معصوم علیه‌السلام باشد. بنابراین اطاعت از رهبری که مجتهد آگاه به زمان، عادل و باتقواست از لحاظ شرعی، قانونی و اخلاقی واجب قطعی می‌باشد.

امام علی علیه‌السلام درباره جایگاه و نقش رهبری در جامعه می‌فرماید:

«جایگاه رهبر همانند بند تسبیح نسبت به دانه‌هاست که آن‌ها را گرد آورده و به هم پیوند می‌دهد پس هنگامی که بند تسبیح بگسلد دانه‌ها از هم جدا شده و هر سویی پراکنده می‌شوند و دیگر هرگز نمی‌توان آن‌ها را جمع‌آوری نمود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۶).

همچنین حضرت در بیان علل صعود و سقوط حکومت‌ها اطاعت از

رهبری را از عوامل صعود و پیروزی و سرپیچی از فرامین رهبری را عامل سقوط و شکست جامعه می‌داند (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۵).

۴- تخریب اعتماد متقابل مردم و مسئولان

شکل‌گیری جو اعتماد در جامعه از جمله ضروریات پیشرفت و موفقیت است. اعتماد متقابل میان دولت و ملت از مهم‌ترین مولفه‌های اقتدار و صلابت حکومت‌ها محسوب می‌شود. اعتماد متقابل را باید یکی از مهم‌ترین صفات لازم در رابطه میان حاکمان و مردم به حساب آورد که ریشه عمیقی در فرهنگ اسلامی و سیره سیاسی معصومین (ع) دارد.

اعتماد، فضایی است که زندگی انسانی در آن جریان می‌یابد. وقتی اعتماد صدمه می‌بیند جامعه به عنوان یک کل آسیب می‌پذیرد و وقتی از میان می‌رود، اجتماع تزلزل پیدا می‌کند و فرو می‌ریزد. اعتماد در همه ابعاد زندگی انسان نقش داشته و جزء جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان‌ها است. اعتماد اجتماعی از عناصر مؤثر در پذیرش و همدلی اجتماعی محسوب می‌گردد که این خود زمینه سازگاری و همنوایی هر چه بیشتر اعضای جامعه را فراهم می‌سازد.

بنابراین اعتماد از ابعاد و ارکان نظم اجتماعی است و بدون آن نظم اجتماعی برقرار نخواهد شد. جامعه‌ای از حیث اجتماعی غنی است که اعتماد بالایی در آن جامعه، در سطوح مختلفش وجود داشته باشد. هم اعتماد بین اشخاص و در سطح خرد و فردی و هم اعتماد بین اشخاص و نهادها و هم اعتماد بین ارکان و واحدهای تشکیل‌دهنده جامعه.

تضعیف اعتماد مردم به مسئولان آن هم در شرایط کنونی که ایران مانند جزیره‌ای امن در میان کشورهای نا امن منطقه، با صلابت و ثبات به پیشرفت خود ادامه می‌دهد و در مقابل قدرت‌های بزرگ پای میز مذاکره نشسته است؛ این اتحاد مسئولان و مردم و انسجام درونی می‌تواند پارادایم قدرتی برای ایران در مذاکرات باشد.

۵- تضعیف سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از منابع و ذخایر ارزشمندی است که به صورت ذاتی و نهفته در روابط اجتماعی گروه‌های نخستین، ثانوی و در سازمان اجتماعی جامعه (نهادهای رسمی و غیررسمی) وجود دارد. برخی از این ذخایر ارزشمند که گاه از آن به عنوان ارزش‌های اجتماعی نیز یاد می‌شود، عبارتند از: صداقت، حسن تفاهم، سلامت نفس، همدردی، دوستی، دلسوزی، همبستگی، فداکاری و... سرمایه اجتماعی از طریق این منابع، کنش‌های کنشگران را در سطوح مختلف خرد، میانی و کلان جامعه، آسان، سریع، کم‌هزینه و مطمئن می‌سازد و بدین وسیله آنان را در رسیدن به اهداف مشترک اجتماعی کمک می‌کند.

از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر هر جامعه، موضوع سرمایه اجتماعی و نرخ بهره‌مندی آن در کشورها است. سرمایه اجتماعی اولاً بسیار کم‌هزینه است و ثانیاً پایان‌ناپذیر است که می‌تواند امنیت و اطمینان را برای جامعه به ارمغان بیاورد.

منازعات سیاسی و دوگانه‌سازی در جامعه نه تنها مجال اینکه در زمینه پیشرفت اجتماعی گام قابل توجهی برداشته شود، از بین می‌برد بلکه موجبات تضعیف سرمایه اجتماعی را نیز فراهم آورد و به یقین این امر از عمده‌ترین دلایل نارضایتی عمومی به شمار می‌رود.

۶- ناهماهنگی و افزایش معضلات کشور

دوقطبی‌سازی و ایجاد فضای تقابل سبب ایجاد تفرقه و جدایی ظاهری و نهانی می‌شود. فضایی که مشکلاتی از جمله عدم هماهنگی و افزایش معضلات را در کشور به دنبال دارد؛ زیرا ابتدایی‌ترین اصلی که در اجرای شعارها و سیاست‌ها و برنامه‌هایی که دولت و سایر دستگاه‌های اجرایی و قانون‌ساز در کشور در جهت رفع معضلات فرهنگی و اقتصادی نیازمند آن هستند، حمایت ملت در مراحل مختلف اجرایی و برنامه‌ریزی است.

۷- جلوگیری از حرکت روبه جلو کشور

دشمن تلاش می‌کند تا ضمن اختلاف و تفرقه بین نخبگان و مسئولان نظام فرصت رشد و شکوفایی را از این ملت بگیرد. اختلاف باعث توقف حرکت روبه جلو کشور و یا جدا شدن افراد از مسیر حرکت صحیح می‌شود. مسائلی چون تأمین اهداف سند چشم انداز بیست ساله، به کارگیری صحیح ظرفیت‌های مادی و معنوی کشور و اجرای برنامه‌های مهم ملی نقش یکپارچگی و هماهنگی قوا را با یکدیگر و همه دستگاه‌ها را با متن ملت در شرایط فعلی تبیین می‌کند. دشمنان نیز با درک این امر در پی ایجاد مانع در برابر حرکت روبه جلو کشورند. دشمنان می‌خواهند با ایجاد شکاف بین مردم و مسئولان جلوی پیشرفت نظام را گرفته و به اهداف خود برسند.

۸- مهار جمهوری اسلامی ایران

از دیگر اهداف مورد نظر، مهار جمهوری اسلامی ایران در ابعاد گوناگون است. طرح دوگانه نظام و مردم در واقع ناظر بر تلاش برای مهار همه‌جانبه ایران از طریق انزوای جمهوری اسلامی در مناسبات بین‌المللی، به بهانه دروغین تقابل نظام و مردم و ایجاد محدودیت‌هایی علیه ایران است.

۹- تحمیل خواسته‌های افزون‌طلبانه

دشمنان و بدخواهان کشور، فشارهای گوناگونی برای تحمیل خواسته‌های افزون‌طلبانه خود اعمال می‌کنند و از سوی دیگر از همین موضوع استفاده می‌کنند تا کشور را از داخل تضعیف کنند و به دودستگی و چنددستگی بکشانند.

از سایر اهداف دوگانه‌سازی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- ۱- تبدیل دوقطبی سیاسی و اجتماعی به یک صورت بندی و آرایش سیاسی و اجتماعی در صحنه انتخابات مجلس دهم؛
- ۲- مدیریت ادراکات و احساسات مردم به منظور زمینه‌سازی برای ایجاد تنش‌های سیاسی و فضا سازی علیه نهادهای نظام اسلامی؛

- ۳- هدایت گری صحنه برای نهادینه سازی تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران در حوزه های خارجی و داخلی و عقب نشینی در برابر استکبار جهانی؛
- ۴- ایجاد دسته بندی و نزاع در کشور؛
- ۵- ایجاد بدبینی و شکاف در بدنه اجتماعی.

مقابله با دوگانه سازی توسط رهبری نظام

دوگانه سازی و ایجاد فضای تقابل صدمات جبران ناپذیری را متوجه اتحاد جامعه می کند و جرقه ای برای تفرقه و چنددستگی اجتماعی می شود که بستر نقش آفرینی سیاسی را برای تمام گروه ها از بین می برد و به زیان تمام نخبگان و جامعه خواهد بود؛ زیرا زمینه ساز ناامنی و درگیری های تلخ می شود.

در حالی که برخی بازیگران سیاسی که حیات، دوام و قوام خود را در ایجاد فضای دو قطبی می بینند «شعار همدلی و همزبانی دولت و ملت» از سوی رهبر فرزانه انقلاب مطرح شد.

نامگذاری سال با عنوان «همدلی و همزبانی» نشان دهنده حساسیت انسجام و اتحاد در بین مردم و مسئولان بود؛ چراکه همدلی و همزبانی مردم و مسئولان در این مقطع حساس تاریخی که دشمنان از هر سوی به دنبال ضربه زدن به نظام ما هستند، می تواند گره گشا باشد.

«پرهیز از دوقطبی کردن جامعه» یکی از توصیه های ۱۵ گانه رهبر معظم انقلاب به دولتمردان در دیدار ۵ شهریورماه ۹۳ بود که تأکید فرمودند:

«دولتمردان از دوقطبی کردن جامعه با شعارها و دعوای سیاسی پرهیز کنند؛ جناح بندی های سیاسی اشکالی ندارد، اما نباید جامعه را به دو قطب تبدیل کرد؛ زیرا این کار موجب دلزدگی و خستگی مردم و شکننده شدن محیط جامعه می شود».

قطب بندی، تنها به معنای اختلاف دیدگاه و انتقاد داشتن گروهی به گروه

دیگر نیست. قطب بندی هنگامی رخ می دهد که این اختلاف به نزاع، درگیری و تقابل بینجامد و با تحریک احساسات طرفداران و حامیان آن ها را علیه گروه دیگر تحریک کنند.

رهبر معظم انقلاب، عملاً دوگانه «موافق مذاکرات» و «مخالف مذاکرات» را رد کردند و فرمودند: «در ایران هیچ کس نیست که نخواهد مسأله هسته ای حل بشود» یا در دیدار کارگزاران و مسئولان نظام فرمودند: «ما دنبال توافقیم. اگر کسی بگوید که در مسئولین جمهوری اسلامی کسی هست که توافق را نمی خواهد، خلاف گفته. این را همه بدانند. مسئولین جمهوری اسلامی (بنده، دولت، مجلس، قوه قضائیه، دستگاه های گوناگون امنیتی، نظامی، غیره) همه در این جهت متفقیم و موافقیم که توافق باید انجام بگیرد. در این جهت هم باز همه متفق اند که این توافق باید عزتمندانه باشد، مصالح جمهوری اسلامی به دقت و با وسواس باید در آن رعایت بشود. در این هم هیچ اختلافی نیست».

مشی رهبری در هدایت مسیر مذاکرات نیز دوگانه «حامی مذاکرات» و «منتقد مذاکرات» را عملاً نفی کرده است. ایشان در بیانات خود، همراه با حمایت از تیم مذاکره کننده، انتقادات خود را نیز طرح کرده اند که می تواند الگویی برای سایر منتقدان باشد. از همین جا می توان علت تأکید رهبر فرزانه انقلاب بر مقوله «اعتماد متقابل مردم و نظام» در پیام نوروزی سال ۹۴ را دریافت که همکاری های صمیمانه و همدلی بیشتر میان ملت و دولت را شرط عملیاتی شدن ظرفیت ها و تحقق آرزوها دانسته و لازمه شکل گیری این همکاری و همدلی را «اعتماد متقابل» معرفی کردند:

«اگر این همکاری صمیمانه [میان ملت و دولت] از دو سو شکل بگیرد، یقیناً همه آنچه را که جزو آرزوهای ما است دست یافتنی است و آثار آن را مردم عزیزمان به چشم خواهند دید... هرچه بین ملت و دولت صمیمیت بیشتر و همکاری بیشتر و همدلی بیشتری باشد، کارها بهتر پیش خواهد

رفت. باید به یکدیگر اعتماد کنند؛ هم دولت، ملت را به معنای واقعی کلمه قبول داشته باشد و ارزش و اهمیت و توانایی‌های ملت را به درستی بپذیرد، هم ملت به دولت که کارگزار کارهای او است به معنای حقیقی کلمه اعتماد کند».

از منظر امام خامنه‌ای اعتماد مردم به نظام زمینه‌ساز پشتیبانی آنها از حکومت را فراهم آورده و دستیابی به اهداف اسلامی را تضمین می‌کند:

«در حقیقت اعتماد مردم است که پشتیبانی آنها را به وجود می‌آورد؛ و پشتیبانی و اتصال مردم به دست‌اندرکاران نظام است که توفیق این حرکت اسلامی را با اهداف اسلامی تضمین می‌کند... مردم هستند که پشتیبان واقعی نظامند؛ این پشتیبانی، متوقف به اعتماد است و این اعتماد هم باید باقی بماند» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۷۰/۱۲/۱۲).

در این نگاه «رمز موفقیت حاکمیت و قوای سه‌گانه کشور» در همین پشتیبانی ملت از آنها نهفته است و هیچ عاملی نباید به اعتماد به عنوان زمینه‌ساز این پشتیبانی ضربه بزند:

«رمز موفقیت دولت و قوه قضاییه و مقننه، در پشتیبانی قاطبه ملت از آنهاست. هر حرکت و گفتاری که روح اعتماد مردم به این قوا و کارگزاران آن را متزلزل و در این پشتیبانی، اندک خللی وارد سازد، حرام شرعی و خیانت ملی است» (پیام به نمایندگان مجلس و مردم ایران ۱۳۶۸/۱۰/۱۸).

سیاست دوقطبی‌سازی در رسانه روباه پیر

بی‌بی‌سی در ۲۳ تیرماه روز اعلام جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای یکسره منتقدان داخلی را در کنار کسانی که به ادعای این رسانه مانع زودتر تمام شدن جنگ تحمیلی می‌شوند، عاملان بدبختی مردم ایران معرفی می‌کند.

در همین راستا سعی وافر دارد که توافق در شرایط کنونی را از زبان عده‌ای از کارشناسان و شخصیت‌ها -عموماً فراریان از کشور- بستاید و آنگاه

از زبان برخی دیگر آن را دیرهنگام توصیف کند تا با تیری که به دو نشان پرتاب می‌کند، هم از طرفداران توافق با غرب حمایت کند و هم کسانی را که به زعم او مانع توافق در ۱۰ سال گذشته شدند، عاملان بدبختی! و عقب‌افتادگی مردم و دولت ایران معرفی کند.

در مطلب دیگری با عنوان «نارسایی اقتصادی و محدودیت سیاسی ناشی از تحریم‌ها نیست» ابتدا می‌خوانیم: «تردیدی نیست که توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی به دلیل کاستن فشار مضاعف از روی شانه‌های بخش‌هایی از جامعه ایران و جلوگیری از خسارت‌های فزاینده اقتصادی و اجتماعی قابل مقایسه با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران است» و پس از این عبارت‌های حمایت‌آمیز، بخش‌های غیردولتی را مسئول عمده نابسامانی‌های اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی در ایران می‌داند که ربطی هم به تحریم ندارد: «تقلای جمهوری اسلامی برای حفظ امکان غنی‌سازی و تداوم برنامه‌های موشکی در حقیقت تلاش برای تضمین بقای قدرت الیگارشی حاکم در عین اجرای الگوی اقتصادی نئولیبرالی و ادغام در سرمایه‌داری جهانی است».

گزارش‌های بی‌بی‌سی علاوه بر موضوعات فوق دوقطبی‌سازی بین مردم و حکومت و مسئولان دولتی و رهبری نظام را نیز از دست نمی‌دهد.

همچنین در گزارش مفصل دیگری خبرگزاری انگلیسی بی‌بی‌سی با دستاویز قرار دادن همزمانی صدور قطعنامه ۵۹۸ و ۲۲۳۱ برای صدور دیرهنگام قطعنامه ۲۲۳۱ خسارت‌هایی شبیه پذیرش دیرهنگام قطعنامه ۵۹۸ بر می‌شمارد و می‌نویسد: «هزینه پافشاری بر هر دو پروژه (جنگ و هسته‌ای) به میزانی سنگین بوده که حتی برخی از ناظران برای توضیح آن به انواعی از نظریه‌های توطئه متوسل شده‌اند» (!) و سپس به همان کینه خود از مقاومت ملت در جنگ تحمیلی و تحمیل‌های هسته‌ای می‌پردازد و می‌نویسد: «شاید تفاوت اصلی توافق هسته‌ای با مقطع پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در این

باشد که در مورد اخیر قبل از آنکه خیلی دیر شده باشد، جمهوری اسلامی ایران راه حل حقوقی برای پایان بحران را قبول کرده است. در مقام مقایسه گویی این بار ایران این قطعنامه ۵۹۸ را نه در تیرماه ۶۷- و به دنبال شکست نظامی در حفظ متصرفاتی چون فاو، مجنون، حلبچه، خرمال، موسیان، دهلران و زمین های شرق بصره- که بعد از صدور آن در تیرماه ۶۶ پذیرفته است».

نتیجه گیری

در این مجال به بررسی اهداف طرح دوگانه منافع نظام و مردم پرداختیم که از طریق ایجاد تقابل بین نظام اسلامی و مردم با وانمود کردن تعارض میان منافع نظام و مردم دنبال می شود. تعارض نظام سلطه و عوامل مزدور در منطقه با ملت و دولت و نظام اسلامی از سابقه دیرینی برخوردار و قطعاً با توجه به روحیه استکباری و جنایت پیشگی، پایان ناپذیر است. بر این اساس دوقطبی سازی فضای داخلی ایران از اهداف شوم استکبار و خیانت به اقتدار ملی است.

بنابراین ترجیح منافع ملی به ویژه رعایت اصل انسجام و وحدت ملی در سال همدلی و همزبانی، باید مورد توجه تمامی آحاد مردم و دولتمردان و خواص با هر گرایشی قرار داشته باشد.

نجات کشور از برخی معضلات و صیانت از آرمان ها و ارزش های انقلابی و ملی و سرعت بخشیدن به رشد و بالندگی کشور، قطعاً مبتنی است بر همگرایی داخلی و تقویت انسجام و وحدت ملی، حول محور ولایت و رهبری و با مبنا قرار دادن اندیشه ها و منویات و مواضع حکیمانه رهبری فرزانه انقلاب، می توان دولت و خدمتگزاران به نظام اسلامی را در ارائه خدمات خالصانه و بی منت یاری نمود.

مقاومت رمز پایداری و پیروزی جمهوری اسلامی ایران در برابر نظام سلطه

علی آزرمی^۱

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ^۱ به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «نترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است» (سوره مبارکه فصلت آیه ۳۰).

مقدمه:

بی‌تردید اسلام دیدگاه خاصی به روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در عرصه عمل و دانش و علم روابط بین‌الملل، و از جمله نظریه‌های روابط بین‌الملل دارد. افزون بر این، اسلام و مسلمین نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری روابط بین‌الملل ایفا کرده‌اند. به عبارت دیگر، اسلام، به فراخور ماهیت سیاسی- اجتماعی‌اش، دارای قواعد و مقررات مشخص و معینی در مورد چگونگی تعامل و رابطه امت اسلامی با سایر امت‌ها و ملت‌هاست. از طرفی دیگر، احیای اسلام سیاسی در دوران معاصر به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی^(ه)، و در حال حاضر با رهبری شجاعانه و حکیمانه مقام عظمای ولایت آیت‌الله خامنه‌ای، اسلام را به صورت یک نیروی سیاسی تأثیرگذار در روابط بین‌الملل درآورده است. متأسفانه مسلمین در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی توسط نظام‌های سیاسی مرتجع عرب و غیر عرب منطقه در محدودیت قرار داشتند. آنان علی‌رغم

^۱ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

اینکه در کشورهای چون عراق، لبنان و بحرین اکثریت اجتماعی را تشکیل می‌دادند، اما سرنوشتی جز محدودیت، سرکوب و حاشیه‌ای شدن پیدا نکردند. حتی در ایران نیز حکومت طاغوت پهلوی، به تأمین منافع دشمنان اسلام یعنی رژیم صهیونیستی و آمریکای جهانخوار می‌پرداخت. اما انقلاب اسلامی ایران، معادله قدرت سیاسی و اجتماعی را در خاورمیانه (به عبارت درست‌تر غرب آسیا) تغییر داد. این تحول، به هویت‌یابی مسلمانان در سایر کشورهای منطقه نیز منجر گردید. اما چگونه انقلاب اسلامی ایران توانست چنین تأثیرگذاری داشته باشد و موازنه قدرت در نظام بین‌الملل را به نفع جریان اسلامی تغییر دهد؟ جواب در یک چیز خلاصه می‌شود و آن تاسی به قیام امام حسین^(ع) و تأثیر از پارادایم کربلاست که مقاومت یکی از بزرگترین آموزه‌های آن می‌باشد. همچنان که رهبر معظم انقلاب، در اجتماع یکصد هزار نفری بسیجیان در مصلی تهران در پاسخ به تهدیدهای غرب فرمودند: ما همانند امام حسین^(ع) در این انقلاب وارد شده‌ایم و همانند او خارج خواهیم شد. بدون شک شکل‌گیری چنین مقاومتی در انقلاب اسلامی ایران - یعنی مقاومت پویای برخاسته از پارادایم کربلا و نه مقاومت منفعلانه - برگرفته از متن قرآن و سنت رسول الله^(ص) و ائمه معصومین^(ع) است. با توجه به مطالب ذکرشده در نوشتار پیش رو می‌خواهیم ضمن تبیین بیشتر مطالب گفته‌شده به بررسی تأثیر مقاومت‌گرایی در سیاست خارجی بر پیروزی و موفقیت نظام جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و در برابر نظام سلطه پردازیم.

تبیین نظام سلطه از دیدگاه مقام معظم رهبری:

مقام معظم رهبری می‌فرمایند که معنای استکبار جهانی یا همان نظام سلطه‌گری در این است که دولت‌ها و قدرت‌هایی در دنیا هستند که نسبت به ملت‌های دیگر، با برخورد استکباری مواجه می‌شوند؛ ثروت آن‌ها را می‌برند، در حکومت‌های آنها دخالت می‌کنند، در سیاست‌های آن‌ها اعمال نظر

می‌کنند و آن‌ها را به این سمت و آن سمت می‌کشانند. این استکبار بین‌المللی است. همان چیزی که در قرن هجدهم و نوزدهم، با استعمار شروع شد و بعد در قرن بیستم به استعمار نوین مبدل شد و امروز، یا در دوران اوج قدرت‌های استکباری، به شکل استکبار جهانی در آمد؛ که دنیا را بین دو قطب و دو قدرت تقسیم کرده بودند. هر کدام یک جور ملتی را می‌دوشیدند و در پنجه خود می‌فشردند. امروز چیزی که اضافه شده است - که استبداد بین‌المللی مناسب آن است - عبارت است از این که قدرت‌های مستکبر جهانی و در رأس آن‌ها قدرت ایالات متحده آمریکا برای ملت‌های دیگر، حق حرف زدن و اظهار نظر کردن هم قائل نیستند؛ هر کاری که برای سیاست خودشان مفید و لازم بدانند ولو به ضرر ملتی یا ملت‌هایی باشد انجام می‌دهند... یعنی یک طرف، فشار یک عده قدرتمند است که اگر درصد مسأله هم با هم اختلاف دارند، در تقسیم دنیا به مناطق نفوذ و فشار آوردن بر اکثریت مردم عالم، یک دست هستند و با هم اختلافی ندارند. اگر در تقسیم منابع غارت زده ی جهان سوم یا کشورهای فقیر، با هم درگیری دارند که دارند، اما در اصل غارت منابع و فشار بر روی دولت‌هایی که مقاومت کنند، با هم هیچ اختلافی ندارند! استکبار، یعنی روح تکبر و بی‌اعتنایی به ارزش‌های ملت‌های دیگر و دخالت در امور ملت‌ها و به خود حق دادن؛ همین چیزی که الان در کلمات رؤسای آمریکا ملاحظه می‌کنید. راجع به دخالت خودشان در عراق یا هر جای دیگر طوری حرف می‌زنند، مثل این که این‌ها صاحبان دنیایند! واقعاً انسان کمتر دولتی را می‌تواند پیدا کند که با لحنی حرف بزند که این‌ها راجع به کشورهای خاورمیانه حرف می‌زنند! این کشورها را مال خودشان می‌دانند. استکبار یعنی این.

رهیافت مقاومت در روابط بین‌الملل:

امروزه مقاومت نه تنها به عنوان الگوی کنش سیاست خارجی کشورهایی

همانند ایران محسوب می‌شود، بلکه باید چنین فرآیندی را به عنوان بخشی از فضای نظریه‌پردازی در نظام جهانی دانست. به این ترتیب، نظریه‌پردازان مختلفی تلاش دارند تا از طریق نقد الگوهای سیاست خارجی آمریکا، زمینه‌های لازم برای تغییر در سازوکارهای سیاست جهانی را به وجود آورند. رهیافت مقاومت در طیف گسترده‌ای از نظریات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و راهبردی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. هر یک از نظریه‌پردازان تلاش دارند تا مقاومت را به عنوان بخشی از ضرورت سیاست امنیتی بازیگران مختلف در برابر سلطه‌گری آمریکا و نظام سرمایه‌داری تبیین نمایند.

عناصر و ویژگی‌های اصلی گفتمان مقاومت:

اسلام‌خواهی: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان مقاومت تأکید بر آموزه‌های اسلامی است. این گفتمان بیشترین تمرکزش بر اسلام‌گرایی و اسلام‌خواهی است. در واقع محور مرکزی این گفتمان اسلام‌خواهی می‌باشد و به تبعیت از آموزه‌های اسلام شکل گرفته است.

صلح‌طلبی: گفتمان مقاومت ضمن تأکید بر ایستادگی در برابر استکبار و نظام سلطه همواره خود را به عنوان گفتمانی صلح‌طلب معرفی کرده است. معنای این سخن این است که بیشترین تمرکز این گفتمان در برابر پدیده‌های بین‌المللی تأکید بر صلح‌طلبی و دوری از جنگ و خشونت است.

استقلال‌طلبی: گفتمان مقاومت همواره با رد هرگونه وابستگی به بیگانگان بر استقلال‌طلبی تأکید داشته است. در واقع عنصر استقلال‌طلبی به این گفتمان در بین جنبش‌ها و مکتب‌های سیاسی جایگاه ویژه‌ای بخشیده است.

مبارزه با استکبار و استبداد و سلطه‌ستیزی: شاید بتوان فلسفه وجودی گفتمان مقاومت را مقابله با گفتمان سلطه تعریف کرد. در واقع این گفتمان زمانی قوام یافت که در مقابل خود نظام و گفتمانی به نام سلطه را

یافت که فارغ از هرگونه چارچوب اخلاقی علیه ملت‌ها ظلم می‌کند. گفتمان مقاومت پاسخی به این ظلم و جور بود. از طرف دیگر از آنجاکه این گفتمان بر اسلام‌خواهی، آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی و... تأکید می‌کند کاملاً مشخص است که با هرگونه استکبار و استبدادی مخالف است.

مبارزه با فتنه مذهبی و طایفه‌ای: ایجاد درگیری‌های مذهبی و طایفه‌ای در کشورهای منطقه بعد از ۱۱ سپتامبر به صورت جدی در اولویت آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت. افغانستان، پاکستان، عراق و لبنان نقاط بحرانی بودند که پتانسیل‌های این فتنه را داشته و هدف اصلی هم ضربه به منافع جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت بوده است. در این چارچوب برای خنثی‌سازی این فتنه، دیپلماسی نظام جمهوری اسلامی ایران منطبق بر بیانات مقام معظم رهبری «اصل همدلی امت اسلامی» به صورت فعال در آمد و تلاش‌های زیادی نیز در این راستا صورت گرفت که دستاوردهای خوبی، هم برای مقاومت و هم برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشت.

تشکیل جبهه ضد امپریالیستی: پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و حرکت به سمت مرکززدایی از غرب با محوریت ایران، نگاه دیگری نسبت به تعامل با دیگر کشورهای جهان صورت گرفت.

با توجه به این اصل و وجود دولت‌های استقلال‌خواه و مردم‌گرا در دیگر مناطق جهان که در امر مبارزه با امپریالیسم ایالات متحده کاملاً با ایران همسو بودند، فرصتی تاریخی برای تشکیل یک جبهه ضد امپریالیستی فراهم شده است. این وضعیت برای جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت بسیار مهم است؛ چرا که به این وسیله به مقابله با آمریکا و جلوگیری از استمرار هژمونی آن پرداخته است.

تلاش برای اتحاد جهان اسلام: اتحاد به عنوان مهم‌ترین راهبرد برای جامعه‌پذیری و امت‌سازی در آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی^(ص) و ائمه معصومین^(ع) همیشه مورد اهتمام و توجه بوده است. برای ساخت و ایجاد

امتی یگانه و واحد، با ویژگی‌های جامعه نمونه و برتر نیاز به تغییر در بینش و نگرش در کل جهان اسلام است. جهان اسلام در حال حاضر در حساس‌ترین مراحل تاریخ زندگانی خود قرار گرفته و در شرایط کنونی همبستگی کامل دشمنان اسلام برای مقابله با اسلام و مسلمانان در هر سوی جهان مشاهده می‌شود. جهان اسلام با توجه به اهرم‌های قوی اقتصادی و موقعیت خاص جغرافیایی و سابقه غنی فرهنگی، به خوبی قادر به ایفا نقش مهم در جهان آینده خواهد بود. و در صورتی که آنان متحد شوند، کشورهای مسلمان به عنوان یک محور قوی و مؤثر در شرایط نوین بین‌المللی مطرح خواهند شد. جمهوری اسلامی ایران با قدرت فرهنگی و پرستیژی که در جامعه جهانی و جهان اسلام دارد، راهبرد وحدت را به عنوان یکی از اصول خود در سیاست خارجی مطرح نمود. جمهوری اسلامی این امکان را دارد که مرکزیت این اتحاد را داشته باشد و با مطرح کردن آن با دیگر کشورها قدم مؤثری برداشته است. لازم به ذکر است که پیوستگی و اتحاد دولت‌ها و ملت‌های اسلامی باعث ایجاد یک قدرت بزرگ خواهد شد و این قدرت بزرگ در جهت حفظ صلح جهانی و کرامت انسان‌ها خواهد بود. همچنین به تقویت روابط اقتصادی بین کشورهای مسلمان، مبارزه با رژیم غاصب صهیونیستی و رفع تهدیدات نظام سلطه علیه کشورهای مسلمان منجر خواهد شد.

دلایل مقاومت‌گرایی در جهت‌گیری سیاست خارجی ایران:

مقاومت در سیاست خارجی ایران واکنشی به الگوی تهاجمی آمریکا در نظام جهانی محسوب می‌شود. در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، غرب و نظام سلطه یا به عبارت دیگر ایالات متحده تلاش می‌کند تا از طریق تهدید، ابزار نظامی یا مهندسی امنیتی، محدودیت‌های فراگیرتری را علیه کشورهای انقلابی ایجاد نماید. به همین دلیل است که سیاست تهدید و دیپلماسی اجبار بخشی از رویکرد امنیتی آمریکا در برخورد با جبهه مقاومت

محسوب می‌شود. این تلاش‌های غرب به افزایش اراده معطوف به مقاومت در سیاست خارجی ایران منجر شده است که در ادامه خواهیم دید که چگونه همین سیاست مقاومت رمز پیروزی و پایداری جمهوری اسلامی ایران نیز بوده است.

آمریکا مصداق اصلی استکبار است؛ چه توافق بشود، چه نشود:

این روزها و در کوران تحولات مربوط به مذاکرات هسته‌ای، نگاه‌های تحلیل‌گران به آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و غرب و به‌طور مشخص ایالات متحده آمریکا دوخته شده است؛ به ویژه آن که گاه شنیده می‌شود مسیر مذاکرات هسته‌ای، آغازی است برای تنش‌زدایی و کاهش تخاصم با آمریکا. این موضوع به چند دلیل قطعاً رد می‌شود و سیاست جمهوری اسلامی مبارزه با استکبار و ایادی آن است.

قواعد دیپلماسی برای حفظ موازنه قوا در جهانی صورت گرفته است که ایالات متحده آمریکا و چند قدرت غربی سعی دارند بر آن سیطره داشته باشند. این سیطره بعد از فروپاشی شوروی سابق که از باورهای کمونیستی حمایت می‌کرد، این تفکر را به وجود آورده است که تنها ابرقدرت جهان آمریکاست. بنابراین کشورهای دیگر جهان در مناسبات خود باید اصل را بر پذیرفتن هژمونی آمریکا قرار دهند. انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن (جمهوری اسلامی ایران)، معتقد است نه شرق کمونیستی و نه غرب لیبرال دموکرات، توانایی پاسخ به نیازهای جهان امروز را ندارند. نظام جمهوری اسلامی ایران و نفی‌ها و اثبات‌های آن، مکاتب فکری و اندیشه‌ای در غرب و مناسبات حاکم بر سیاست و روابط بین‌الملل را با تأکید بر اصل هستی‌شناختی «نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» (چه از نوع غربی و یا شرقی آن) به چالش کشانده است. از این منظر انقلاب اسلامی که به دنبال بازنگری جدی و شالوده‌شکنی بنیادین در ساختار و قواعد بازی حاکم بر نظام

بین‌الملل است، هرگز نمی‌تواند و نباید با نظام سلطه که همواره به دنبال استعمار، استثمار، استضعاف، استکبار، استحمار، استبداد، استخفاف و تحقیر سایر ملت‌ها است، همزیستی مسالمت‌آمیز راهبردی دائمی داشته باشد؛ در غیر این صورت هویت و امنیت هستی‌شناختی آن مورد خدشه و تهدید جدی قرار خواهد گرفت.

رهبری معظم انقلاب اسلامی نیز، اساس این رویکرد ادراکی غربی و آمریکایی را نشانه رفته و هرگونه تصور تسلیم در برابر دشمن را در هر حوزه‌ای از جمله حوزه هسته‌ای امری نادرست شمرده است. بر این اساس، تسلیم‌ناپذیری به عنوان اساس راهبرد کلان نظام در همه ابعاد است و البته دولت یا هر نهاد و مجمعی که باشد، موظف است بر اساس این سیاست کلان و راهبرد تغییرناپذیر عمل نماید. به تعبیر معظم‌له، «دشمنان ما - که البته همیشه ملت ایران را بد شناختند و شناختند، همیشه دچار این اشتباه بودند، الان هم همین اشتباه را دارند می‌کنند؛ ملت ما را نمی‌شناسند، کشور ما را نمی‌شناسند - خیال می‌کنند که به‌خاطر فشار تحریم و محاصره اقتصادی، ملت دست‌هایش را در مقابل آنها بالا برده و تسلیم شده؛ نه آقا، اشتباه می‌کنید. این ملت، ملتی که دست‌هایش را به علامت تسلیم بالا ببرد نیست. در شرایطی سخت‌تر از این [هم]، این ملت تسلیم نشده است».

به واقع، مقام معظم رهبری با احیای گفتمان مقاومت بر حق ملی، به تشریح نکته‌ای پرداخته‌اند که در پاسخ به نامه رئیس‌جمهور در مورد توافق ژنو نیز پایه آن را مستقر فرموده بودند: «اینکه اگر دستاوردی از آن نوع که رئیس‌جمهور در نامه مذکور بیان داشته، محقق شده باشد، چیزی نیست جز دستاورد مقاومت ملت ایران در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب». در این رابطه، مقام معظم رهبری به صراحت تمام هرگونه تصور دشمن در زمینه تسلیم شدن ملت ایران در برابر آمریکا و فشارهای غرب را رد می‌کند و بدین ترتیب، به برخی از داخلی‌ها هم تذکر می‌دهد که دست از این تحلیل‌های بی‌پایه و به

زیان منافع ملی بردارند: «اینکه خیال می‌کنند، می‌گویند ما تحریم کردیم، ایران مجبور شد بیاید پای میز مذاکره، نه، [این‌طور نیست]. ما قبلاً هم اعلان کردیم، قبل از این حرف‌ها هم ما گفتیم [که] نظام جمهوری اسلامی درباره موضوعات خاصی که مصلحت بداند، با این شیطان برای رفع شرّ او و برای حل مشکل، مذاکره می‌کند؛ معنای این آن نیست که این ملت مستأصل شده است، ابداً».

مقاومت رمز پیروزی و پایداری جمهوری اسلامی ایران:

الگوی سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی متأثر از دو بلوک شرق و غرب بود. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) شعار "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" را سر دادند و مقام معظم رهبری نیز شعار "عزت، حکمت و مصلحت" را همراه با راهبرد تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه مطرح نمودند. بر این اساس جنبش‌های اسلامی پویای منطقه تحت تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته یا بازتعریف شدند. در حقیقت، انقلاب اسلامی ایران مولد اسلام سیاسی فقهاتی در نظام بین‌الملل و منطقه است. در این نوع اسلام‌گرایی پویا و نوین، قاعده نفی سیل به عنوان اصلی بدیهی جاری بوده و سرسپردگی به قدرت‌های سلطه‌گر محلی از اعراب ندارد.

ظهور انقلاب اسلامی ایران و پایداری آن طی بیش از سه دهه اخیر اثبات نموده است که هر گاه پویایی ذاتی اسلامی با مدیریتی هدفمند و اراده‌ای جمعی توأم شود، بزرگ‌ترین قدرت‌های جهانی نیز توان مقابله با آن را ندارند. این همان مسأله‌ای است که در جنگ ۳۳ روزه و مقاومت ۲۲ روزه به اثبات رسیده است. انقلاب اسلامی ایران ریشه در آرمان‌های دینی، سیاسی و فرهنگی ملت‌های مسلمان و بلکه سایر ملت‌های جهان دارد. پیام اصلی انقلاب اسلامی ایران آزادی‌خواهی و ایستادگی در برابر ظلم و سلطه است.

پیامی که دقیقاً منطبق بر خواسته و فطرت انسان‌هاست. به اعتقاد صاحب‌نظران سیاسی، انقلاب اسلامی دگرگونی بزرگی در عرصه مفاهیم سیاسی و مباحث نظری ایجاد کرد و سبب شد ظرفیت‌های جدیدی در نظام بین‌الملل با الهام از آموزه‌های دینی ایجاد شود. این دگردیسی مقدس نقطه گذار "خاورمیانه ایستا" به "خاورمیانه پویا" بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خاورمیانه به منطقه‌ای تبدیل شد که در آن "مقاومت" و "پایداری" از یک آرمان به یک اصل ملموس تبدیل گردید.

این تأثیرگذاری در وقایع سیاسی دهه هشتاد و نود در منطقه و جهان حاکی از شکل‌گیری خیزش رو به تکامل در جهت بیداری اسلامی و رشد حرکت‌های آزادی‌خواهانه نزد بسیاری از ملل جهان است، کاملاً نمود دارد و حاکی از تمایل به بازگشت به سیاست‌های عدالت‌خواهانه و نفی نظام‌های سیطره‌جویانه و سلطه‌طلب است. این نظام‌های سلطه‌طلب همواره در طول تاریخ سعی داشته‌اند از رخوت ایجادشده در میان مسلمانان در راستای گسترده نمودن دامنه نفوذ مهلک خود به درون ممالک اسلامی استفاده نمایند. اما ظهور انقلاب اسلامی عملاً روزه این نفوذ را بر دشمنان دیرینه اسلام بست و به مسلمانان خاورمیانه و جنبش‌های منطقه‌ای آموخت که چگونه باید با اتکا بر آخرین و کامل‌ترین دین الهی پیروزی خود بر کفار را تضمین نمایند. پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) به گسترش موج بیداری اسلامی و تقویت نهضت‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان اسلام منجر شد. یکی از دلایل اولیه تفکر و ایدئولوژی تأسیس حزب‌الله، ناشی از ایدئولوژی جهانشمول حضرت امام^(۵) بوده است که در میان شیعیان لبنان به بار نشست. پس از تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به لبنان در خردادماه ۱۳۶۱ و بطلان تمامی طرح‌های آمریکایی-صهیونیستی، اصل تأییدشده توسط انقلاب اسلامی ایران-یعنی مقاومت و ایستادگی در برابر ظالم- در لبنان "مقبولیت عام" یافت. در نتیجه زمینه برای ادغام

مجموعه‌های کوچک اسلام‌گرای شیعه و تأسیس یک تشکیلات واحد به نام حزب‌الله لبنان فراهم آمد. این تشکیلات اسلام‌گرای جدید، بیشترین آمادگی را برای پذیرش آموزه‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی از خود نشان داد.

این مقبولیت عام به سرتاسر ممالک اسلامی نیز تعمیم پیدا نمود؛ یعنی در خصوص پذیرش مقاومت اسلامی در میان ملت‌های منطقه نوعی آگاهی و اقناع شکل گرفت. این آگاهی و اقناع روزه‌روز در منطقه بیشتر می‌شود. رمز اصلی پیروزی حزب‌الله لبنان بر دشمن صهیونیستی و رقم خوردن شکست‌های مکرر تل آویو و غرب در برابر این جنبش مقتدر، پیروی آن از اصل مترقی ولایت فقیه است. حزب‌الله لبنان با پذیرش این اصل اساسی شیعه، عملاً خود را در برابر حوادث و خطرات موجود بیمه ساخته است. تا آنجاکه سرسخت‌ترین دشمنان حزب‌الله نیز در خصوص آسیب‌ناپذیری این جنبش متفق‌القول هستند. سیدحسن نصرالله نیز در خصوص پیروی حزب‌الله از رهبری امام خمینی^(ره) می‌گوید: «از نظر ما امام خمینی، مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه است، همان گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این گونه است، اما امام برای ما بیش از این است، ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت‌ها و مستکبران و نظام‌های استبدادی می‌باشد. به طوری که موفق شد روح امید را در جان‌های مستضعفان بدمد. ایشان، نظریه اراده ملت‌ها در مقابل اراده مستکبران را احیا کرد. بدین ترتیب، امام برای ما بیش از یک سمبل دینی مطرح است، نه تنها برای ما، بلکه برای همه مستضعفان جهان این رابطه روحی و معنوی بین ما و امام، حتی قبل از تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ نیز وجود داشت».

در هر صورت اندیشه امام خمینی به عنوان یگانه اندیشه تعیین‌کننده در حزب‌الله لبنان پذیرفته شد. امروزه نیز حزب‌الله لبنان با تبعیت از مقام معظم رهبری جایگاه خود را در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی تقویت نموده است. از سوی دیگر، مقاومت اسلامی به طور کلی نگرش و اندیشه‌ای برخاسته از

ذات اسلام است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران تجلی این اندیشه نهفته در ذات اسلام بود. به عبارت بهتر، پیروزی انقلاب اسلامی مترادف با احیای مفهوم مقاومت اسلامی در منطقه و تبدیل شدن آن به یک اصل در مبارزات علیه جریان‌های کفر شد. جنبش حماس و جهاد اسلامی نیز با استناد به این اصل مقدس بارها در برابر دشمن صهیونیستی خودایستادگی نموده و رژیم صهیونیستی و حامیانش را به ذلتی سخت واداشتند.

در این راستا به صراحت می‌توان ادعا نمود که پدیده حزب‌الله، حماس و مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی از نتایج انقلاب اسلامی است که مردم ما توانسته‌اند بر اساس همین ایده آن را منتقل کنند. حتی حرکت‌های آزادیخواهانه دیگری که در دنیا به وجود می‌آید، یقیناً ریشه در انقلاب اسلامی ایران دارند.

در هر حال، انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری مستقیم خود بر جنبش‌های اسلامی منطقه توانسته است معادلات ترسیم‌شده از سوی جریان سلطه را به گونه‌ای آشکار با چالش مواجه نماید. هم اکنون ملت‌های منطقه با تأثیرپذیری از اصولی که با پیروزی انقلاب اسلامی بازتعریف و در عمل احیا گردید، آگاهی خود را نسبت به دنیای امروز افزایش داده و تلاش مذبوحانه و وقیحانه دشمنان اسلام در راستای تحدید قدرت اسلام را رصد می‌نمایند. لازم به ذکر است که دامنه و بازه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی خاورمیانه بسی فراتر از پایداری در برابر نظام سلطه است و این تأثیرگذاری وارد عرصه‌های مدیریتی، خلاقیت، نوآوری و دوراندیشی شده است.

انقلاب اسلامی ایران “برنامه مقابله با کفر” را به مسلمانان و جنبش‌های اسلامی منطقه آموخته و این بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب برای مردم خاورمیانه بوده است. شبکه‌های استکباری صهیونیسم و سازمان‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس همواره در جهان اسلام به دنبال فتنه‌انگیزی

بوده‌اند و تلاش کرده‌اند تا با تخریب وجهه انقلاب اسلامی مانع از تأثیرات الهام‌بخش آن به ویژه نزد ملت‌های مسلمان شوند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها در بیاناتشان درباره توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی و القائنات آنان در این زمینه هشدار داده‌اند و در این باره در یکی از بیاناتشان با اشاره به قضیه فلسطین، شکست‌های نظامی و سیاسی پی‌درپی صهیونیست‌ها در لبنان و فلسطین در سال‌های اخیر را ناشی از اقتدار روزافزون نسل به پا خواسته فلسطین می‌دانند و بر این نکته تأکید دارند که این جهاد عظیم بخش برجسته‌ای از جهاد گسترده دنیای بیدار شده اسلام با مستکبران و متجاوزان است.

بنابراین مقاومت‌گرایی می‌تواند رمز پایداری و پیروزی جمهوری اسلامی ایران و ملت‌های منطقه در برابر غرب و نظام سلطه باشد. همین مقاومت‌گرایی در سیاست خارجی ما بوده که باعث شده است تا غرب نتواند به اهداف شوم خود در نابود کردن فناوری هسته‌ای در ایران به موفقیت برسد. در همین راستا مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ده سال، دوازده سال کشمکش با جمهوری اسلامی، نتیجه [اش] این شد که این شش قدرت، امروز ناچار شدند که گردش چند هزار سانتریفیوژ را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه این صنعت را در کشور تحمل کنند؛ ناچار شدند ادامه تحقیقات و توسعه این صنعت را تحمل کنند. تحقیق و توسعه صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ گردش صنعت هسته‌ای ادامه خواهد یافت؛ این چیزی است که آنها سال‌ها تلاش کردند، [ولی] امروز روی کاغذ آوردند و امضا دارند می‌کنند که حرفی ندارند. این معنایش چیست جز اقتدار مت ایران؟ این بر اثر ایستادگی ملت، مقاومت ملت، و بر اثر شهامت و ابتکار دانشمندان عزیز ما است. رحمت خدا بر شہریاری‌ها و رضایی نژادها و احمدی روشن‌ها و علی‌محمدی‌ها؛ رحمت خدا بر شہدای هسته‌ای، رحمت خدا بر خانواده‌های اینها، رحمت خدا بر ملتی که پای حرف خود و احقاق حق خود

می‌ایستد». بنابراین باید گفت که رمز موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی ایران و رمز پیروزی و موفقیت این نظام مقدس در برابر نظام سلطه، مرهون مقاومت و ایستادگی ملت ایران در هشت سال جنگ تحمیلی، رشادت‌های شهدا و جانبازان و ایثارگران، ایستادگی و مقاومت در دیپلماسی و سیاست خارجی، مبارزه با دشمن در جنگ نرم و در نهایت باید گفت که بی‌شک این موفقیت‌ها مرهون رهبری حکیمانه، هوشمندانه و شجاعانه امام خمینی(ره) و مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله خامنه‌ای و گوش به فرمان ولی فقیه بودن این ملت صبور و مقاوم است.

گفتمان اسلام رحمانی مبانی، اهداف و پیامدها

علی مرادزاده

رقابت و نزاع گفتمانی از جمله مهم‌ترین صحنه‌های رویارویی در عرصه جنگ نرم است. دشمن مکار و کینه‌توز غربی که در میدان تقابل سخت‌افزاری با انقلاب کبیر اسلامی ایران دچار سلسله شکست‌های زنجیره‌ای گردید، جنگی تمام‌عیار در حوزه نرم‌افزاری را در پیش گرفت تا هر آنچه در میدان سخت‌افزاری بدان دست نیافته از این طریق محقق سازد. در جنگ نرم بیش از هر چیز سست شدن ایمان و اراده و انگیزه مسلمانان هدف گرفته می‌شود، اتحاد و انسجام و همدلی مسلمین نشانه گرفته می‌شود، تحریف و انحراف در مقدسات و اهانت به ارزش‌ها و آرمان‌ها با شیوه‌ها و ابزارهای مختلف دنبال می‌شود. یکی از مصادیق جنگ نرم اینک در ابداع گفتمانی به نام اسلام رحمانی ظهور و بروز پیدا کرده است. اسلام رحمانی مورد حمایت گسترده دشمن و رسانه‌های غربی قرار گرفت و روشنفکران و جریان‌های اپوزیسیون به سرعت و با نوعی ذوق‌زدگی به انعکاس و ترویج آن می‌پردازند. از این رو بررسی و نقد چنین گفتمانی دارای اولویت است. امام علی (ع) خبر از روزگاری می‌دهند که در آن اسلام را همچون پوستین وارونه پوشیده باشند (نهج‌البلاغه - خطبه ۱۰۸).

نقد و بررسی دیدگاه نظریه‌پردازان گفتمان اسلام رحمانی
نظریه‌پردازان قرائت انحرافی اسلام رحمانی تلاش می‌کنند عناصر

متعصب و وفادار به دیانت و معنویت را به الفاظی چون افراطی، تندرو، اسلام فاشیستی، اسلام طالبانی، اسلام خشونت طلب و اسلام متحجرانه متهم ساخته و بدین وسیله آنها را منزوی و منفعل سازند. به عقیده این نظریه پردازان، چیزی از تعالیم اسلام حذف نمی شود، بلکه برخی از احکام و شعائر اسلامی که موجب روح جهادی و خشونت طلبی می گردند، را باید تصحیح کرد.

این جماعت برای عاری کردن اسلام از هرگونه خشونت و شدادت، مؤلفه استکبارستیزی و مبارزه علیه زورگویان را از شعائر اسلامی حذف می کنند. اسلام رحمانی به استقلال نهاد دین از سیاست و حکومت، قائل شده است (اصول ده گانه اسلام رحمانی - محسن کدیور). قرائت رحمانی از اسلام، اسلام را صرفاً یک دین اخلاقی می داند و معتقد است که حوزه سیاست از دین مجزا است و اسلام تنها برحسب اخلاقی بودنش مجاز به نصیحت و توصیه به نهادهای سیاسی برای منش اخلاقی است. آنها رابطه دین با دولت را به یک رابطه موعظه آمیز محدود می کنند و وجه آمرانه دین بر سیاست را تا حد زیادی کمرنگ می سازند. حجت الاسلام رهدار، رئیس مؤسسه فتوح اندیشه معتقدند: «مفهوم اسلام رحمانی عبارتی غلط و متناقض ناماست و روشنفکران غربی با ابداع آن تلاش دارند ساحت سخت افزاری دین از جمله جهاد و امر به معروف و نهی از منکر را از اعتبار ساقط کنند».

سال ها پیش میزبان پروفسور ساشادینا از اساتید دانشگاه ویرجینیا از مسلمانان اثنی عشری بودم، ایشان برای برنامه ای به قم آمده بودند و برای ما خاطره ای نقل کردند که یک زمانی دانشگاه هاروارد به ایشان تألیف کتابی را درباره جهاد پیشنهاد داده بود. ایشان هم در این باره

طرح‌نامه‌ای می‌نویسند و برای بستن قرارداد به دانشگاه می‌روند. مسئولان این پروژه به ایشان می‌گویند که می‌خواهند مبحث مربوط به تبیین جهاد اکبر باشد نه جهاد اصغر!

خلاصه تحلیل ساشادینا این بود که آنها می‌خواستند با پررنگ کردن بحث‌های جهاد اکبر و مبارزه با نفس بر بحث جهاد اصغر و مبارزه آشکار و علنی با استکبار دینی و شیطان بیرونی سایه بیندازند. از سال‌ها پیش عده‌ای در دنیای اسلام پروژه‌ای را رقم زدند تا اسلام را به وجه باطنی آن تقلیل دهند و منحصر کنند. به عنوان مثال پروفیسور سیدحسین نصر حدود دوازده سال پیش کتابی با عنوان "قلب اسلام" منتشر کرد که در مقدمه و مؤخره آن تصریح کرده؛ از نظر من قلب اسلام، اسلام قلبی است یعنی همان اسلام باطنی! از سال‌ها پیش عده‌ای در دنیای اسلام پروژه‌ای را رقم زدند تا اسلام را به وجه باطنی آن تقلیل دهند و منحصر کنند

این نوع نشانه‌ها به دفعات در دنیا وجود دارد و نشان می‌دهد که دنیای غرب و آمریکا پروژه‌های زیادی را از دهه‌ها پیش در این زمینه راه انداخته‌اند و این فعالیت‌ها در ایران هم به زبان‌های مختلف توسط روشنفکران در جهان اسلام پیاده شده است و چتر عام و کلانی که می‌تواند همه این مباحث را پوشش دهد، همین واژه اسلام رحمانی است که مقام معظم رهبری نیز درباره آن مباحثی را مطرح کرده‌اند و در کشور با آن آشنا هستیم. همین پروژه معنویت دکتر ملکیان که داعیه چنین عنوانی را نیز دارد رسماً، آشکارا و آگاهانه از دین فاصله می‌گیرد و تصریح می‌کند که دین متافیزیک سنگین و مناسک زیادی دارد و معمولاً به خشونت ختم می‌شود ما به جای دین و پروژه

دین‌ورزی می‌خواهیم از پروژه معنویت‌ورزی حمایت کنیم. اوایل دهه هفتاد میزگردی در لندن پیرامون مباحث معناگرایی و معنویت در ایران تشکیل شد. یکی از شرکت‌کنندگان آن میزگرد، مطرح کرده بود که ما باید در ایران پروژه حافظ پژوهی راه بیندازیم و آن را مدیریت کنیم. سپس تحلیلی هم ارائه داده بود که ما به بهانه حافظ‌پژوهی می‌توانیم حرف‌هایی از جنس می‌وساقي و خال‌وا برو بزنیم و درست است که اینها در ادبیات عرفانی ایرانی - اسلامی معنای خاص خود را دارد، اما اگر بتوانیم این ادبیات را بدین سطح تنزل دهیم و آن را عمومی کنیم، یعنی ژورنالیسم بسازیم و یک لایه وسیع از افرادی را که متخصص نیستند هم با معنی مبتذلی از این واژه مواجه کنیم و آنها را در دام بیندازیم، موفق شده‌ایم؛ یعنی به نام معنویت و عرفان از همین خُم، خُم و می‌وساقي کار را آغاز کنند و بعد تحلیل‌های خود را ارائه دهند.

دکتر عبدالکریم سروش در دهه هفتاد سلسله جلسات حافظ‌شناختی را در تهران راه انداخت، بعد از آن هم به مولوی‌پژوهی روی آورد و مقالات و مباحثش در قالب کتاب هم منتشر شد. درست است که دین عین رحمت است، اما زمانی که چنین واژه‌ای در باره دین اسلام مطرح می‌شود معنایش این است که این دین تنها رحمت است و در برابرش یک دین غیر رحمانی هم موجود است پس این واژه متناقض‌نما و واژه غلطی است حال که دین صورت ظاهری، باطنی، مناسکی و ضمانت اجرایی دارد و بخشی از آن بخش سخت و مدل جهادی است در نهایت پروژه اسلام رحمانی غیر منضبط و رهزن است.

یکی از توجیهات حامیان اسلام رحمانی در باره رحمانیت مطلق اسلام این است که ۱۱۳ سوره از قرآن کریم با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز شده است. در پاسخ باید گفت در متون قرآن، هر جا که مخاطب آیات الهی مشرکان، منافقان و یا کافرانی که نیت اصلاح نداشته و در پی نابودی اسلام ناب، وارونه‌سازی حقایق اسلام و دشمنی با رسول خدا بوده‌اند، همان خداوند رحمان و رحیم، به آن‌ها وعده عذاب سخت و مهلکی در این دنیا و در جهان آخرت داده است و به مؤمنان دستور مقابله و مبارزه و جهاد با آنان داده است و پاداش مجاهدان را آمرزش همه گناهان و رسیدن به بهشت قرار داده است.

حجت‌الاسلام ذوعلم، رئیس پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی در تحلیل بیانات مقام معظم رهبری مبنی بر نقد اسلام رحمانی معتقدند: اشاعه «اسلام رحمانی» به خلع سلاح مسلمانان در برابر تکفیری‌ها می‌انجامد. ایشان بر این باور هستند که «اسلام رحمانی» زمینه‌ساز تحریف معنایی در جهت‌گیری اسلامی است. این دیدگاه بی‌پایه تقلیدی از مسیحیت غرب امروز است که هیچ توجهی به جنبه‌های دفاعی و جهادی برای استقرار حق و مقابله با باطل ندارد.

اساس نگاه تکفیری که امروز یک شاخه‌ای از اسلام آمریکایی با پشتیبانی مالی، اطلاعاتی، آموزشی و سیاسی به گونه خیلی واضح از طرف دست‌نشانندگان منطقه‌ای آمریکا صورت می‌گیرد یک نسخه جعلی و بدل انحرافی از اسلام جهادی و اسلام مقاومت‌ساز و بیدارگر است. توطئه‌ای که پشت سر تبلیغ و اشاعه اسلام رحمانی قرار دارد در صدد این است که از سویی ابزارهای خباثت‌آلود سلطه‌گران را که با عنوان و ظاهر اسلامی در خدمت آنها قرار گرفته مجال بدهد و برای تحقق

اهداف شومشان تقویت کند و از سویی نیز با اشاعه اسلام رحمانی به معنای تحریف‌شده، نیروی مقاومت را در بین مسلمانان و کسانی که در مقابل توطئه‌های استکباری می‌ایستند، بگیرد و آنها را در مقابل جریان‌های تکفیری خلع سلاح کند.

حجت‌الاسلام محمد مهدی محمدیان، رئیس نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها گفت: مشکل اساسی عده‌ای اسلام سیاسی است و امروز عده‌ای با نام اسلام رحمانی می‌خواهند مبارزه با استکبار و طاغوت را از اسلام بگیرند. پیش از انقلاب نیز مساجد و حوزه‌ها و این مباحث وجود داشت و مشکل اساسی عده‌ای با اسلام سیاسی است و این اسلام رحمانی که آنان مطرح می‌کنند در واقع با روح اسلام واقعی در تضاد است. وی خاطر نشان کرد: امروز مرزبانی دین از کسانی که با نام اسلام رحمانی می‌خواهند مبارزه با طاغوت و استکبار را از اسلام بگیرند بسیار اهمیت دارد.

جریان سیاسی اصلاح‌طلب و ترویج ایده اسلام رحمانی

برخی از گروه‌ها و چهره‌های شاخص جریان اصلاحات هر از چند گاه به مفهوم اسلام رحمانی اشاره کرده و عناصر رسانه‌ای آنها در سایت‌ها و مطبوعات همواره بدان می‌پردازند و از سوی دیگر در همایش‌ها و سخنرانی‌های خود به مناسبت‌های مختلف آن را مورد بحث قرار می‌دهند و تکرار آن را با هدف عادی‌سازی و حساسیت‌زدایی از این مدل از اسلام انجام می‌دهند. معصومه ابتکار، فعال اصلاح‌طلب و رئیس سازمان محیط زیست، در لابه‌لای سخنرانی چندی پیش خود در جشن سیاسی انجمن اسلامی دانشگاه شریف از مفهومی به نام اسلام فراشیعی! سخن گفته است.

ایشان تأکید می‌کند همزمان با تأسیس انجمن اسلامی در آمریکا و اروپا، در ایران نیز این انجمن شکل گرفت و فراتر از اعتقادات دینی شیعی با نگرش اسلام رحمانی فعالیت می‌کرد؛ اسلامی که تنوع دیدگاه‌ها را بیان می‌کند. بنابراین دقیق‌ترین جمله‌ای که جریان سیاسی تجدیدنظرطلب و روشنفکرنا تاکنون برای تعریف مفهوم انحرافی «اسلام رحمانی»! ارائه کرده همین جمله معصومه ابتکار یعنی اسلامی فراتر از تشیع است.

تا کنون چند سالی از رواج عبارت «اسلام رحمانی» به جای «اسلام ناب محمدی(ص)» در میان چهره‌های جریان تجدیدنظرطلب می‌گذرد؛ واژه‌ای که در ظاهر امر و شاید تا قبل از توضیح خانم ابتکار بار معنایی خاصی را با خود حمل نمی‌کرد و تنها نکته قابل تأمل در آن این بود که توسط تمامی چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب و اعتدالی به صورت مکرر مورد اشاره قرار گرفته است.

آقای هاشمی رفسنجانی می‌گوید: روحانی چهره اسلام رحمانی را به دنیا نشان داد.

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور می‌گوید: نگذاریم چهره رحمانی اسلام به نام دین، قربانی افراطی‌گری شود. جلایی‌پور، فعال اصلاح‌طلب تأکید می‌کند: دغدغه و هدف دوم فعالان دانشجویی ترویج و غنا بخشیدن به گفتمان مردم‌سالاری و اسلام رحمانی است.

محسن کدیور، نظریه‌پرداز جریان غربگرا و تجدیدنظرطلب معتقد است: اصطلاح اسلام رحمانی مدتی است از اقبال برخوردار شده است. نگارنده، این اصطلاح را سال‌ها قبل برای تمایز قرائات مختلف اسلامی به کار برده است. در یک سال اخیر این ترکیب در میان حامیان و

رهبران و همراهان جنبش سبز به وفور به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد تحلیل مفهومی اسلام رحمانی لازم باشد. محمد خاتمی می‌گوید: مدارس ایران معرف چهره رحمانی اسلام باشند.

حجت‌الاسلام حسن روحانی رئیس جمهور در چندین سخنرانی خویش بر گفتمان اسلام رحمانی تأکید کرده‌اند. اگر تأکید ایشان بر اسلام رحمانی در مجامع ملی و جهانی دارای پشتوانه درست فکری و نظری نباشد ممکن است وفاداری وی به اصل ۱۲۱ قانون اساسی مبنی بر سوگند ریاست جمهوری در خصوص پاسداری از مذهب رسمی و ترویج دین زیر سؤال برود.

سخنان رئیس جمهور در بیست و هشتمین کنفرانس وحدت اسلامی در تاریخ ۹۳/۱۰/۱۷، و نیز بیانات رئیس جمهور در اختتامیه چهارمین جشنواره ملی ارتباطات و فناوری اطلاعات در تاریخ ۹۳/۲/۲۷، و پیام رئیس جمهور به دولت‌ها و ملت‌ها به مناسبت میلاد پیامبر اسلام(ص) در تاریخ ۹۳/۱۰/۱۸ از این جمله است.

طرح اسلام رحمانی در واقع روی دیگر سکه تساهل و تسامح و اباحه‌گری است که در دوره اصلاحات بر طبل آن کوبیده می‌شد و با اغراض تجدیدنظرطلبانه و استحاله پیروان اسلام ناب و تضعیف آرمان‌های انقلاب اسلامی مطرح می‌شد.

این قضیه که عده‌ای بخشی از اسلام که مصادیق و شاخصه‌های رحمانیت باشد را قبول کنند و بخشی دیگر را که شاخصه‌ها و مصادیق جهاد و امر به معروف و عقاب و قصاص و مجازات و حدود الهی را کنار بگذارند از صدر اسلام مطرح بوده است. در سوره کافرون هم خداوند

می‌فرمایند که عده‌ای نزد پیامبر^(ص) آمدند و بخشی از دین را قبول کردند و در مقابل نیز از پیامبر^(ص) خواستند تا بخشی از خواسته‌های آنها را قبول کنند، در واقع آنها می‌خواستند به یک توافق اعتقادی یا به قول امروزی‌ها، توافق بُرد - بُرد دست یابند، درحالی‌که چنین چیزی در اسلام وجود ندارد.

بعد دیگر گفتمان اسلام رحمانی در تفسیر به رأی عده‌ای از روشنفکران نهفته است. در روایات رسیده از معصوم (ع) است که هر کس قرآن را به رأی خویش تفسیر کند جایگاهش را از آتش جهنم پر کرده است. غلبه دادن تفسیر رحمانیت و نادیده انگاشتن دیگر ابعاد اسلام و قرآن تفسیر به رأی قلمداد می‌شود و چنین مقوله‌ای در گفتمان اسلام ناب مردود است.

مکتب لیبرالیسم بر اساس آموزه‌های اومانیزم الحادی پدید آمد که مکتب اصالت آزادی انسان است. آزادی از هر قید؛ حتی قیود مذهبی و اخلاقی. لیبرالیسم طغیان انسان خودمحور در برابر خداوند است و هدف آن جدا کردن انسان از ارزش‌های الهی به ویژه در زندگی عمومی است.

اسلام رحمانی و هم‌جهتی با لیبرالیسم

لیبرالیسم غرب همواره تمامی مکاتب و ایدئولوژی‌های دیگر را رقیب خود دانسته و به آنها با چشم دشمن نگاه می‌کند. در لیبرالیسم فقط خواست و میل انسان مبنای ارزش‌گذاری است و هیچ یک از ارزش‌های الهی و معنوی به رسمیت شناخته نمی‌شود و رسماً دین و اخلاق از حوزه سیاست حذف می‌شود. اگرچه لیبرالیسم در آغاز پیدایش خود رویکردی افراطی و دین‌ستیزانه داشت و دوران پرستش خداوند را

پایان یافته معرفی می‌کرد، ولی چیزی نگذشت که در اثر خلأ معنویت در جوامع غربی و بازگشت مردم به سوی دین، این راهبرد تعدیل شد و به ویژه پس از پیروزی انقلاب دینی و الهی مردم ایران و جلب شدن توجه و تمایل ملت‌ها به آن، راهبرد جدیدی در دستور کار قرار گرفت. آنها برای تغییر دادن گرایش ملت‌ها به ادیان الهی و به ویژه به اسلام امام خمینی(ره) که نظام سرمایه‌داری و نظام سلطه جهانی را به چالش می‌کشید، سه پروژه بزرگ را به طور همزمان کلید زدند:

۱- دین‌سازی جدید برای تأمین نیاز معنوی ملت‌ها؛

۲- اسلام‌هراسی و نفرت‌پراکنی و زمینه‌سازی لازم حتی برای جنگ؛

۳- تبدیل اسلام به اسلام بی‌خطر و بی‌اثر.

پروژه تبدیل کردن اسلام انقلابی به اسلام بی‌خطر با هدف گرفتن عناصر قدرت از فرهنگ اسلامی دنبال می‌شود. جرج بوش که یکی از جنگ‌طلب‌ترین رؤسای جمهور آمریکا بود و حتی دم از جنگ صلیبی می‌زد صریحاً از عربستان خواست آیات جهاد و شهادت را از قرآن‌ها و کتاب‌های درسی حذف کنند و آیات مربوط به صلح را پررنگ‌تر کنند تا اسلام رحمانی یا همان اسلام بی‌خطر حاصل شود.

همزمان با ابلاغ این راهبرد، ناگهان در ایران در سطحی گسترده نهضت عدم خشونت به میدان می‌آید تا هر چه در اسلام رنگ و بوی قدرت و قدرتمندی دارد را حذف کند. در یک برنامه هماهنگ نهضت عدم خشونت در سطح جهانی به وسیله رسانه‌های نظام سلطه مورد حمایت قرار می‌گیرد. منظور از عدم خشونت در حوزه فرهنگ؛ حذف جهاد و شهادت و مقاومت از مجموعه معارف دینی و نیز حذف قصاص و

حدود و تعزیرات از قوانین اسلام و ترویج فرهنگ تسامح و تساهل و مدارا با دشمنان اسلام است.

مطابق آموزه‌های اسلام رحمانی هر حرکت، برنامه و آیینی که فرهنگ جهاد و شهادت را تقویت می‌کند باید حذف شود؛ حتی تشییع شهدای غواص با آن عظمت باید مورد بی‌مهری قرار گیرد، تفتحص شهدا باید متوقف شود، دفن شهدا در مراکز مهم شهری باید تعطیل شود، فیلم‌های ضد جنگ باید گسترش یابد و ... آنها به این حد نیز اکتفا نکرده برای از اعتبار انداختن قرآن، آن را الهام‌های شاعرانه و متناسب با عصر خود معرفی و خواستار روزآمد کردن آن می‌شوند، جنگ‌های پیامبر^(ص) را خشونت‌طلبی معرفی می‌کنند، مراسم محرم و عاشورا را مروج خشونت‌طلبی و فراتر از آن مذهب شیعه را مذهب خشونت معرفی نموده و خواستار حذف آن می‌شوند. در مقابل حذف عناصر قدرت خواستار جایگزین کردن حقوق بشر لیبرال و آزادی لیبرال و گسترش مفاهیم اومانیستی تحت لوای اسلام هستند. اسلام جدید که با این تغییرات حاصل می‌شود همان اسلام رحمانی است که کاملاً با مکتب لیبرالیسم و منافع نظام استکباری و دین فراگیر دهکده جهانی سازگار و هماهنگ است.

اهداف اصلی طرح اسلام رحمانی

عبارت اسلام رحمانی محصول مشترک اتاق‌های فکر غربی به ویژه آمریکایی و مدعیان روشنفکری ایرانی است. بنابر این فصل مشترک این دو طیف در اهداف مشترک آنها نهفته است. برخی از مهم‌ترین اهداف این پروژه عبارتند از:

- ۱- تنزل دادن ادبیات عرفانی ایرانی - اسلامی به می‌وساقي؛
- ۲- کم‌رنگ کردن بخشی از مناسک دین چون جهاد و امر به معروف و نهی از منکر؛
- ۳- سکولاریزه کردن فضای فرهنگی و سیاسی کشور (می‌گویند دینداری به سجده و مهر نیست، کافی است که دلت پاک باشد، اینان مناسک دین مانند جهاد و امر به معروف را می‌خواهند از اعتبار بیندازند و دین را صرفاً یک امر باطنی غیر متدین، غیر منضبط و غیر قابل سنجش به شمار بیاورند به گونه‌ای که دیگر نتوان ارزیابی کرد چه کسی دیندار و چه کسی غیر دیندار است.)؛
- ۴- تشدید ابعاد جنگ نرم و ایجاد تردید در ماهیت گزاره‌های دینی؛
- ۵- تحریف اسلام و قلب ماهیت و ارائه تعبیر و تفسیر وارونه از اسلام؛
- ۶- ایجاد تقابل و جنگ داخلی، جنگ مذهب علیه مذهب، سرگرم‌سازی و مشغول‌سازی در درون جوامع اسلام و غافل ساختن آنها از سلطه‌گری ابرقدرت‌ها؛
- ۷- ایجاد تردید و تشکیک در مفاهیم اصلی (وقتی ترکیب اسلام رحمانی مطرح می‌گردد این مفهوم به ذهن متبادر می‌شود که آیا مگر «اسلام ظلمانی» یا «اسلام غیر رحمانی» هم وجود دارد؟)؛
- ۸- حذف دین به معنای واقعی از صحنه زیست اجتماعی بشر و حذف ولایت فقیه در سیستم سیاسی جامعه اسلامی؛
- ۹- در نهایت دشمن از طرح گفتمان اسلام رحمانی اغراض زیادی را در نظر دارد که یکی از آنها سرخورده کردن جوامع اسلامی و دیگری قبضه کردن سرمایه‌های فکری و مادی دنیا است، با طرح این مباحث

که آرمان‌ها با واقعیت‌ها منافات دارد یا آرمان‌ها باعث خلأ برنامه‌ریزی صحیح در جامعه می‌شود. ما هم باید در نظر داشته باشیم که براساس آرمان‌ها با واقعیات پل بزنیم و به اهدافمان برسیم. کسانی که امروز در جامعه طبل گفتمان اسلام رحمانی را می‌زنند دلباخته غرب شده و از مقاومت و انقلاب خسته‌اند. اینها می‌خواهند تابع غرب باشند حال یک نمازی هم بخوانند اما کدخدایی آمریکا را قبول کنند؛ البته همه اینها را هم نمی‌توان در یک طیف قرار داد اینها طیف‌های مختلف دارند و همه لیبرال نیستند.

دوگانه‌های مفهومی و گفتمانی

در ابعاد مختلف معارف دینی همواره دوقطبی‌سازی‌هایی از سوی دشمنان آگاه و یا دوستان نادان و غافل صورت گرفته است. تاریخ اسلام و ایران در هر مقطع گویای صف آراییی موافقان و مخالفان در خصوص مفهوم و یا مصداق خاصی از آموزه‌های دینی بوده است. این که بحث اسلام رحمانی مطرح شده، همین دوقطبی‌ها به شکل تازه‌ای ظهور و بروز یافته است، مهم‌ترین مصادیق دوقطبی‌ها در این زمینه را در امور ذیل می‌توان دسته‌بندی نمود:

- ۱- اسلام رحمانی - اسلام و حیانی: اسلام رحمانی برخواسته از تمایلات نفسانی بشر و منافع قدرت‌های بزرگ و تراوش ذهن روشنفکران وابسته و مسلمان نما است و خاستگاه اسلام و حیانی را در کلام الهی و وحی آسمانی بر پیامبر اعظم و محمد امین^(ص) می‌باشد.
- ۲- اسلام رحمانی - اسلام فقهاتی: دین فقهاتی دینی است که مبانی، ابزار، روش‌ها و قاعده‌هایش از بستر یک روش نظیر اجتهاد به

حجیت رسیده است. این دین فقهاتی است که فقهای ما پاسداران آن در طول تاریخ بوده و اکنون نیز هستند. اسلام فقهاتی هم تعامل خوبی برقرار می‌کند و هم منطق و دیالوگ روشنی دارد و حتی با کسانی که خارج از دین هم هستند سر عقلانیت آن می‌توان به گفتگو نشست و احکامش را به صورت عقلانی توجیه و قابل دفاع کرد. احکام اسلام در قرآن و سنت و اجماع و عقل تجلی یافته و مجموعه این امور را فقه اسلامی می‌نامند؛ بنابراین فقه یعنی علم به احکام شرعی از روی این ادله تفصیلی. امام خمینی^(ره) همواره بر فقه جواهری تأکید ورزیدند و اسلام فقهاتی را نسخه اسلام واقعی دانستند.

۳- اسلام رحمانی - اسلام ناب محمدی^(ص): اسلام رحمانی در تقابل با اسلام ناب مطرح شده است. در اسلام رحمانی، اسلام آنگونه معرفی و تفسیر می‌شود که انسان‌های بی‌دین و یا سست‌ایمان می‌پسندند، اما اسلام ناب آنگونه معرفی و تفسیر می‌گردد که خداوند اراده نموده و پیامبر اسلام اعلام کرده‌اند.

۴- اسلام‌نمایی - اسلام‌خواهی: رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان، ضمن توصیه بر پرهیز از سطحی‌نگری در ارتباط با مفاهیم اسلامی، به نقد برخی شعارهای اسلام‌نما و غلط‌انداز، همچون اسلام رحمانی که امروزه رایج شده است، پرداختند.

۵- اسلام التقاطی - اسلام خالص: در تاریخ اسلام و به ویژه در تاریخ معاصر ایران همواره با جریان التقاط مواجه بوده‌ایم. برخی افراد و گروه‌ها که بیشتر ماهیت سیاسی و مبارزاتی داشته‌اند برای پیش‌برد مقاصد خود و تحقق برداشت خویش از اسلام، اسیر واقعیات مسلط اما باطل گشته‌اند. علت اصلی دگردیسی آنها تنها جهل و کج‌اندیشی نسبت

به اسلام راستین و خالص بوده است. برخی اسلام را با لیبرالیسم غرب و برخی دیگر اسلام را با سوسیالیسم و کمونیسم شرق درآمیختند و با این رویکرد بیشترین ضربه را به اسلام و مسلمین و جهان اسلام وارد ساختند. جریان منافقین خلق، گروهک فرقان، جبهه ملی، نهضت آزادی، جریان ملی مذهبی و برخی احزاب و گروه‌هایی که بعد از دوران دفاع مقدس در ایران شکل گرفتند از این جمله به شمار می‌روند. اسلام سرمایه‌داری، اسلام سوسیالیستی، اسلام سلطنتی، اسلام رساله‌ای، اسلام سبز، اسلام سیاه و در آخر اسلام رحمانی در این راستا قابل تحلیل می‌باشند.

۶- اسلام سلطه‌پذیر و ظلم‌پذیر - اسلام سلطه‌ستیز و ظلم‌ستیز: مدعیان اسلام رحمانی خواستار سازش با استکبار و نظام سلطه هستند. اینان هیچ ضرورتی برای مبارزه با ظلم و ظالم نمی‌بینند، چیزی به‌نام شیطان بزرگ، استکبارستیزی و آمریکاستیزی در قاموس آنها راه ندارد و اصولاً شعار مبارزه و جهاد برای اجرای احکام شریعت نمی‌دهند و اسلام راستین با ظلم و استکبار مبارزه می‌کند. امام خمینی^(ره) از آغار مبارزات خویش همزمان به مبارزه با استبداد داخلی و استکبار و استعمار خارجی و به طور مشخص آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی برخاستند.

۷- اسلام رحمانی - اسلام سیاسی و اجتماعی

امام خامنه‌ای و نقد اسلام رحمانی

امام خامنه‌ای در چند سال اخیر به تناسب به مفهوم انحرافی اسلام رحمانی اشاره کرده و به نقد آن پرداخته‌اند. در این قسمت برای اثقان بحث، بخش‌هایی از دیدگاه‌ها و نظرات معظم‌له مورد اشاره قرار می‌گیرد:

❖ مقام معظم رهبری در بخشی از بیانات خود در سال ۸۲ و در سالگرد رحلت بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی در مذمت مفهوم اسلام تسلیم‌طلبانه و مدح اسلام ناب فرمودند: «در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملت‌های اسلامی، تبلیغ می‌کردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جداست، امروز هم همین را تبلیغ می‌کنند، امروز هم دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن و جبهه دشمن نظام اسلامی با انواع و اقسام وسایل تبلیغاتی سعی می‌کند اسلام سیاسی و اسلام عدالتخواه و اسلام اجتماعی را به عنوان چهره‌ای خشن در دنیا معرفی کند و مردم را به اسلام منزوی، اسلام تسلیم‌طلبانه و اسلامی که در مقابل متجاوز و ظالم و زورگو هیچ عکس‌عملی از خود نشان نمی‌دهد، سوق دهد، امام این را شکست و این انگاره دروغین از اسلام را باطل کرد و اسلام ناب را مطرح نمود».

❖ «از جمله‌ی چیزهایی که اخیراً خیلی رایج شده و انسان می‌شنود در نوشته‌ها و در گفته‌ها، اسلام رحمانی است، خب کلمه قشنگی است هم اسلامش قشنگ است هم... رحمانی‌اش قشنگ است اما یعنی چه؟ تعریف اسلام رحمانی چیست؟ خب خدای متعال هم رحمان و رحیم است هم «اشدّ المعاقبین» است هم دارای بهشت است هم دارای جهنّم است. خدای... متعال مؤمنین و غیر مؤمنین را یک‌جور به حساب نیاورده أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ، اسلام رحمانی که گفته می‌شود قضاوتش در مورد... بعضی‌ها که در حرف‌ها و نوشتجات و اظهارات این تعبیر (اسلام رحمانی) را به کار می‌برند انسان مشاهده می‌کند و خوب احساس می‌کند که این اسلام رحمانی یک کلیدواژه‌ای... لیبرالیسم. اگر اسلام رحمانی اشاره‌ی به این است، این نه

اسلام است نه رحمانی است مطلقاً» (۹۴/۴/۲۰).

❖ «همین مواضع صریح امام بود که توده‌های عظیم را مشتاق ملت ایران و بسیاری را پیرو ملت ایران کرد. این نهضت عظیم جهانی که شما امروز در گوشه و کنار دنیای اسلام... دورانی که ما آن دوران را به یاد داریم دوران جوانی‌های ما برای اینکه اسلام علاقه‌مندان و طرفدارانی پیدا کند بعضی از احکام اسلام را کمرنگ می‌کردند، ندیده می‌گرفتند، حکم قصاص را، حکم جهاد را، حکم حجاب را انکار و پنهان می‌کردند، می‌گفتند اینها از اسلام نیست، قصاص از اسلام نیست، جهاد از اسلام نیست، برای اینکه فلان مستشرق... یا فلان دشمن مبانی اسلامی از اسلام خوشش بیاید این غلط است. اسلام را با کلیتش بایستی بیان کرد، امام منهای خط امام آن امامی نیست که ملت ایران می‌شناسد و در این آثار و گفتار منعکس است. اولین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام مسأله اسلام ناب محمدی^(ص) است یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالت‌خواه...» (۹۴/۳/۱۴).

به نظر می‌رسد قرائت اسلام رحمانی را عمدتاً کسانی مطرح می‌کنند که باور و دل‌خوشی از مشی اسلام و انقلاب اسلامی در ابعاد مبارزه با استکبار، برخورد با قلدران عالم، دفاع از مظلومان و مستضعفان و پیشه کردن عدالت و مفاهیمی از این قبیل ندارند و با طرح مفاهیمی همچون اسلام رحمانی در پی مخفی نمودن این نارضایتی یا راحت‌طلبی بوده و در پی پاک کردن صورت مسأله هستند.

خطرها و خسارت‌های طرح گفتمان اسلام رحمانی

گفتمان اسلام رحمانی خطرها و خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای

اسلام و مسلمانان در پی خواهد داشت. بحث و بررسی این خطرها و خسارت‌ها به نوبه خود نیاز به فرصت مفصلی دارد که قطعاً در این مجال محدود نمی‌گنجد، اما برای تکمیل بحث به برخی از آنها باید اشاره کرد:

- ۱- تحریف اسلام و قرآن: تحریف اسلام و مفاهیم و گزاره‌های اسلامی به تضعیف و فروپاشی اسلام و تمدن اسلامی منجر می‌شود مانند سرنوشتی که برای ادیان پیشین رقم خورد.
- ۲- فرصت‌سازی برای استکبار جهانی و دشمنان اسلام: چنین عبارت‌ها و گفتمان‌هایی قطعاً فرصتی طلایی برای دشمنان کینه توز اعم از غرب و صهیونیسم بین‌الملل و رژیم‌های مرتجع فراهم می‌سازد.
- ۳- تخریب و تضعیف اتحاد و انسجام اسلامی و ایجاد شکاف و نقار در میان مسلمانان. در شرایط کنونی که جهان اسلام درگیر توطئه‌های استکبار جهانی و جریان تکفیری است طرح گفتمان‌های حاشیه‌ساز بازی کردن در زمین دشمن محسوب می‌شود.
- ۴- به چالش کشاندن گفتمان انقلاب اسلامی و تضعیف آن در برابر گفتمان‌های رقیب.
- ۵- ایجاد یاس و ناامیدی در میان مسلمانان، امت اسلام به گسترش اسلام‌خواهی در جهان دل بسته است و طرح قرائت‌های متفاوت و انحرافی امیدها را به ناامیدی سوق خواهد داد.
- ۶- ایجاد تردید در باورهای مردم به ویژه برای نسل جوان که شناخت عمیق نسبت به معارف الهی و گزاره‌های قرآنی پیدا نکرده‌اند.
- ۷- گفتمان اسلام رحمانی زمینه را برای خلع سلاح و تسلیم و تضعیف مسلمانان در برابر تکفیری‌ها فراهم می‌سازد.

مبنای محاسباتی میزان پول‌های بلوکه‌شده ایران و تأثیر آن بر اقتصاد ایران در شرایط پساتحریم

سرگذشت اقتصاد ایران با صدور قطعنامه‌های سازمان ملل، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و تحریم‌های چندجانبه اتحادیه اروپا، و مشکلات پولی و بانکی پیش‌آمده که نقل و انتقال منابع ارزی ایران را با مشکل مواجه ساخت و در نهایت مجموع تحریم‌ها و محدودیت‌های وضع‌شده، باعث بلوکه شدن سرمایه‌های ایران در کشورهای مختلف گردید.

امروز میزان دارایی‌های بلوکه‌شده ایران که قرار است پس از رفع تحریم‌ها آزاد شود، به محل مناقشه در اقتصاد کشور تبدیل شده است. اختلاف اعداد و ارقام مطرح‌شده به قدری زیاد است که تأمل همگان را برانگیخته است. موضوع رصد پول‌های بلوکه‌شده ایران از این جهت دارای اهمیت است که می‌بایست دولت با شفاف‌سازی این موضوع، برنامه‌ریزی دقیقی برای دوران پسامذاکرات انجام دهد.

در واقع، آمار ابهام‌آمیز نهادهای رسمی در شفاف‌سازی میزان واقعی پول‌های بلوکه‌شده ایران در خارج از کشور نیز به موضوع جالب توجهی تبدیل شده است تا جایی که این ارقام اعلامی از سوی رسانه‌های خارجی به ویژه مقامات آمریکایی رقم بسیار بالاتری را نشان می‌دهد که با رقم‌های اعلامی مقامات ایران اختلاف فاحشی دارد.

حال سؤالات مهمی که مطرح می‌شود این است که:

- (۱) چگونه نهادهای مختلف کشور در ارائه و محاسبه موضوعی به این مهمی دچار اختلاف و اشتباه می‌شوند؟
- (۲) میزان واقعی پول‌های بلوکه‌شده چقدر است؟
- (۳) آیا شایعه هزینه ریالی پول‌های بلوکه‌شده در داخل صحت دارد؟
- (۴) میزان تأثیر آزادسازی ارقام واقعی پول‌های بلوکه‌شده بر اقتصاد ایران چگونه است؟

این سؤالات و دیگر ابهامات موجود، سبب شده است تا سؤالاتی را درباره آینده رفع تحریم‌های ایران و آزادسازی مقادیر زیادی از پول‌های بلوکه‌شده کشورمان مسائلی از جمله، میزان تأثیر آن و مدیریت حجم پولی که به ایران وارد می‌شود را به وجود آورد که به نگرانی در مورد میزان واقعی رقم پول‌های بلوکه‌شده ایران می‌افزاید.

واژگان کلیدی: پول‌های بلوکه‌شده، تحریم، آثار اقتصادی

مقدمه

همواره تأمین سرمایه لازم برای تحقق اهداف اقتصادی یکی از دغدغه‌های مهم و اساسی متولیان اقتصادی کشور در هر دوره‌ای بوده است. قطعاً این امر یا از طریق سرمایه و درآمدهای داخلی کشور و یا از طریق جذب سرمایه‌های خارجی محقق خواهد شد.

شاید بتوان به مسأله پساتحریم و تأثیر آن بر اقتصاد کشور نیز از دو منظر تأثیر میزان پول‌های بلوکه‌شده بر اقتصاد کشور و دوم تأثیر میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت خارجی در اقتصاد کشور نگاه کرد. اما با نگاهی به تأکید ریاست جمهوری در یکصد و هجدهمین جلسه ستاد هماهنگی اقتصاد مقاومتی بر ضرورت اقدام هماهنگ در تقویت تولید ملی، که خواستار پیگیری جدی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در به کارگیری ظرفیت‌های داخلی و ایجاد اشتغال و ارزش افزوده در داخل کشور شدند^۱ بتوان گفت آنچه که به عنوان اولین و مهم‌ترین منابع تأمین سرمایه لازم برای طرح‌های اقتصادی کشور مهم است، سرمایه آزادشده از منابع بلوکه‌شده کشور است.

در واقع بر این اساس، منابع ارزی دولت و بانک مرکزی که براساس توافق‌های انجام‌شده، آزاد خواهند شد باید به سمت فعالیت‌های زیربنایی و تولیدی کشور و رشد اقتصاد ملی هدایت شوند. از این رو یکی از مسائل مهم مطرح‌شده در محافل اقتصادی کشور پس از طرح توافق احتمالی و به اصطلاح شرایط پساتحریم، که مناقشات فراوانی را در نیز پی داشته، پاسخ به این سؤال است که میزان پولی که قرار است در بخش‌های تولیدی و زیربنایی برای توسعه و پیشرفت کشور سرمایه‌گذاری شود، چقدر است؟

از این رو اظهارات مقامات اقتصادی کشور برای ورود پول‌های بلوکه‌شده در اقتصاد کشور به منظور رفع اهم مشکلات اقتصادی اعم از اشتغال، و حتی رفع مشکل آب، و رشد اقتصادی حاصل از منابع آزادشده پس از توافق در حالی امکان‌پذیر به نظر می‌رسد که درک درستی از آمارهای ارائه‌شده درباره میزان پول‌های بلوکه‌شده وجود داشته باشد.

^۱ - www.mashregnews.ir/fa/news/444728

بنابراین در این نوشتار سعی می‌شود تا ضمن بررسی اظهارات متناقض درباره پول‌های بلوکه‌شده به بررسی دلایل این تناقضات و واکاوی و واقع‌سنجی میزان حقیقی ارقام بلوکه‌شده کشور پرداخته و میزان تأثیر آن را بر اقتصاد کشور بیان نماییم.

نگاهی به اظهارات مقامات مختلف درباره میزان پول‌های بلوکه‌شده

ابتدا با نگاهی به اظهار نظرهای مختلف در مورد میزان و رقم پول‌های بلوکه‌شده ایران در بانک‌های جهانی قبل و بعد از جمع‌بندی مذاکرات هسته‌ای تلاش می‌شود تا تصویری از فضای پیش‌رو ترسیم گردد.

الف) نهادهای بین‌المللی

مؤسسه مالیه بین‌المللی: رقم دارایی‌های مسدودشده ایران ۱۵۰ میلیارد دلار است.

مؤسسه رتبه‌بندی مودیز در گزارشی به نقل از مؤسسه مالیه بین‌المللی، عنوان کرد: قرارداد هسته‌ای که به ایران امکان دسترسی دوباره به ۱۵۰ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه‌شده‌اش و سیستم مالی جهانی را می‌دهد، می‌تواند تولید نفت این کشور را تا سال ۲۰۱۷ به ۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهد.

ایران به سرعت می‌تواند ۳۰ میلیون بشکه نفت از محل ذخایر خود بر روی دریا را به بازارهای جهانی سرازیر کند و در صورتی که هیچ تقاضای متناظری وجود نداشته باشد، قیمت‌ها کاهش می‌یابد.^۱

^۱ - www.mashregnews.ir/fa/news/۴۴۳۴۷۶

باراک اوباما: ۱۵۰ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه‌شده ایران آزاد می‌شود.

رئیس جمهور آمریکا در گفتگوی اختصاصی با نیویورک تایمز گفت: ۱۵۰ میلیارد دلاری که ایران خواهد گرفت، پول بادآورده نیست، بلکه پول‌های خود ایران است که از طریق فروش نفت به دست آورده بوده و صرفاً به علت تحریم‌های بین‌المللی (در بانک‌های خارجی) مسدود شده بوده است. باراک اوباما در پاسخ به سؤال توماس فریدمن، خبرنگار روزنامه نیویورک تایمز، در ادامه مصاحبه اختصاصی با وی تأکید کرد: این پول ایران است که از فروش نفت به دست آورده است، و تنها دلیلی که تا به حال نتوانسته است آن را به دست آورد اعتبار من و دولت‌م بوده است که گفته‌ایم ما باید آن جریان را متوقف کنیم (سپرده‌های ایران را مسدود کنیم) تا زمانی که این برنامه هسته‌ای متوقف شود. این کاری است که ما کرده‌ایم.^۱

(ب) نمایندگان مجلس

کاظم جلالی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفت: هم‌اکنون بیش از ۶۰ میلیارد دلار سرمایه ایران در بانک‌های خارجی بلوکه و دسترسی به آنها وجود ندارد و این امر به تنهایی می‌تواند باعث بروز مشکلات مالی عظیمی برای دولت و مردم باشد.

کاظم جلالی ضمن ترسیم مشکلات متعدد دولت فعلی و آنچه پیش روی دولت آینده است، افزود: از بودجه ۱۴۲ هزار میلیارد تومانی سال ۹۱ تنها ۹۴ هزار و نیم میلیارد تومان محقق شد و این یعنی چیزی نزدیک به ۵۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه که دولت و ملت در این سال با آن دست و پنجه

^۱ - www.taraznews.com/content/۱۱۶۷۵۸

نرم کردند.^۱

غلامعلی جعفرزاده، عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس گفت: مجموع مطالبات ایران که در اختیار چین، روسیه، هند، امارات و دیگر کشورها است در مجموع حدود ۱۵۰ میلیارد دلار می‌باشد که سرمایه‌گذاری این پول در صنعت نفت در اولویت است.

غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی با بیان اینکه تناقضی میان صحبت‌های رئیس بانک مرکزی و رئیس جمهوری آمریکا درباره میزان مطالبات ایران وجود ندارد، اظهار داشت: شاید پرسش به طور دقیق مطرح نشده است در صورتی که سیف مدیری دلسوز و مطلع است.

وی تصریح کرد: بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه‌شده کشورمان در اختیار چینی‌ها و بقیه در اختیار کشورهای دیگر است.^۲

ج) مقام‌های دولتی

- سیدحسین هاشمی، استاندار تهران در مورخ ۲۵ خردادماه سال جاری در جلسه شورای اداری استان با اشاره به نقش پررنگ جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات ۱+۵ گفت: ۱۸۰ میلیارد دلار از پول‌های کشور در خارج بلوکه شده است و از آنجا که امکان جابه‌جایی پول نداریم کالاها را ۱۵ تا ۲۰ درصد گران‌تر می‌خریم.^۳

- نوبخت، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری در فرایند بررسی گزارش کمیسیون برنامه و بودجه در خصوص اصلاح لایحه

۱- www.mehrnews.com/news/۶۰/۲۱۰۸۰۸۷

۲- www.ghatreh.com/news/nn۲۶۶۹۹۰۲۴

۳- www.farsnews.com/newstext.php?nn=۱۳۹۴۰۳۲۵۰۰۱۳۳۹

بودجه ۹۲ کشور در مجلس گفت: ۲۲ میلیارد یورو از پول ما در چین مانده است. بر اساس فاینانس ما باید ۷۰۵ درصد سهم فاینانس را بدهیم تا آنها پول ما را بدهند، اجازه دهید ۶ درصد سهم صندوق به ما اختصاص یابد.^۱

- رئیس کل بانک مرکزی گفت: حدود ۲۳ میلیارد دلار از منابع ارزی متعلق به بانک مرکزی و حدود ۶ میلیارد دلار منابع ارزی متعلق به دولت است و این یعنی در مجموع ۲۹ میلیارد دلار آزاد خواهد شد؛ بنابر این رقم ۲۹ میلیارد دلار تغییر نمی‌کند.^۲

سیف در پاسخ به این پرسش که چرا رئیس جمهور آمریکا رقم ۱۵۰ میلیارد دلار را اعلام کرده است، افزود: این امکان وجود دارد که از روی شبه‌افکنی این رقم اعلام شده باشد.

- علی طیب‌نیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران عنوان نمود که ذخایر ما در خارج از کشور ممکن است نزدیک به ۱۰۰ میلیارد دلار باشد.^۳

تفاوت آماری ۱۵۸ میلیارد دلاری درباره دلارهای بلوکه‌شده

حال سؤال این است که چرا اظهارات مقامات دولتی و مجلس در پیش از توافق و پس از آن با اختلاف مواجه بوده و آیا دلیل این اختلاف سیاسی است یا اقتصادی؟ در واقع تفاوت آمارهای مسئولان درباره رقم پول‌های بلوکه‌شده ایران در اثر تحریم‌ها در چند سال اخیر ۱۵۸ میلیارد دلار است و چرا پس از توافق هسته‌ای آمار و ارقام به یکباره فروکش کرد؟

^۱- www.mehrnews.com/news/۲۱۶۴۷۹۴

^۲- www.mashregnews.ir/fa/news/۴۴۴۹۴۴

^۳- www.mashregnews.ir/fa/news/۴۴۳۷۵۲

جدول اعلام رقم پول‌های بلوکه‌شده

ردیف	نام و عنوان مسؤول	رقم اعلام شده (میلیارد دلار)
۱.	سیدحسین هاشمی استاندار تهران	۱۸۰
۲.	اکبر کمیجانی قائم‌مقام بانک مرکزی	۱۵۰
۳.	غلامعلی جعفرزاده عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس	۰۱۵۰
۴.	انصاری مدیرکل سابق بین‌الملل بانک مرکزی	۱۵۰
۵.	مصباحی مقدم عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس	۱۳۰
۶.	عزت الله یوسفیان کمیسیون برنامه و بودجه مجلس	۱۰۷
۷.	حمید صافدل معاون سابق وزیر نفت	۱۰۰
۸.	کاظم جلالی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس	۶۰
۹.	علی طیب‌نیا وزیر اقتصاد	۲۹
۱۰.	ولی‌الله سیف رئیس کل بانک مرزی	۲۹
۱۱.	علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی	۲۲

تا پیش از توافق وین، مسئولان اقتصادی، رقم پول‌های بلوکه‌شده ایران را بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار و حتی تا ۱۸۰ میلیارد دلار عنوان می‌کردند، اما پس از توافق، این رقم تا زیر ۳۰ میلیارد دلار نیز کاهش یافت و ارقامی را که طی ۲ سال اخیر بارها تکرار شده بودند، نادرست خواندند.

به عنوان مثال علی طیب‌نیا، وزیر اقتصاد با تفسیری متفاوت از گذشته این رقم را ۲۹ میلیارد دلار اعلام کرد و اذعان داشت: رسانه‌ها در این باره مبالغه کرده‌اند. البته وی تا پیش از توافق به هیچ عنوان عبارت مبالغه را درباره رقم مذکور به کار نبرده بود و ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی هم نیز رقم مذکور را تأیید کرد.

این در حالی است که مقامات دولتی درباره اظهارات استاندار تهران پیش

از توافق هسته‌ای، که پول‌های بلوکه‌شده ایران را تا ۱۸۰ میلیارد دلار اعلام کرد، نسبت به تصحیح آمار احتمالاً اشتباه او، واکنش نشان ندادند.

البته اظهارنظر یک سال پیش اکبر کمیجانی، قائم‌مقام بانک مرکزی نیز متفاوت بوده است. وی گفته بود: ۱۵۰ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی ایران در حساب‌های خارجی بلوکه‌شده است که البته نسبت به این اظهار نظر نیز هیچ واکنشی از سوی مقامات بالاتر صورت نپذیرفت و همین مسأله بر ابهام موجود بیش از پیش افزود.

معاون ارزی بانک مرکزی که درباره درست بودن رقم اعلامی رئیس بانک مرکزی (۲۶ میلیارد دلار) اعلام موضع نمود، سال گذشته واکنشی به آمار ۱۵۰ میلیارد دلاری قائم‌مقام بانک مرکزی نداشت.

از سوی دیگر، سوم آذر ۱۳۹۲ نیز کاظم جلالی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گفته بود: پول بلوکه‌شده ایران در خارج ۶۰ میلیارد دلار است.

با توجه به این که از آن زمان بدین سو بخش دیگری از پول فروش نفت ایران بلوکه شده است، طبیعتاً هم‌اکنون پول بلوکه‌شده ایران باید بیش از ۶۰ میلیارد دلار باشد.

البته آن زمان هم مسئولان دولتی به اظهارات نمایندگان مجلس و برخی مدیران سابق واکنشی نشان ندادند.

تفاوت ۱۵۸ میلیارد دلاری میان آمارهای اعلامی مسئولان دولتی و غیردولتی (۱۸۰ میلیارد دلار تا ۲۲ میلیارد دلار) و عدم اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی در این ابهام‌های میلیارد دلاری چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ جالب آن است که مسئولان دولت به شدت از دولت قبل بابت ارائه آمارهای اقتصادی مخدوش انتقاد می‌کنند.

حال فارغ از اظهارنظرهای سیاسی از دلایل این تناقضات که در جای خود می‌تواند قابل تأمل باشد، این نوشتار به دنبال بیان دلایل اقتصادی این

تناقضات است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

دلایل اختلاف

با توجه به اظهارات متفاوت فوق‌الاشاره، سؤال این است که چه مبنای محاسباتی‌ای سبب شده است تا مقامات مختلف، اظهاراتی تا این اندازه متناقض درباره رقم واقعی پول‌های آزادشده ایران داشته باشند؟ و اصولاً دلیل اختلاف مقامات مختلف درباره رقم پول‌های آزادشده چیست؟

تفاوت در مبنای تعریف

وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران درباره پول‌های بلوکه‌شده ایران در خارج و مطرح شدن رقم‌های مختلف در این خصوص از ۲۵ میلیارد دلار تا ۱۷۵ میلیارد دلار، معتقد است: علت اصلی تفاوت در ارقام و اعداد به تعاریف مختلف افراد از این پول‌ها است.

الف) مبنای رقم قابل استفاده و قابل دسترسی

آنچه قابل استفاده و دسترسی است رقم اعلام‌شده از سوی رئیس کل بانک مرکزی است، که معتقد است حدود ۳۵ میلیارد دلار از منابع ارزی بانک مرکزی نزد شرکت نیکو وابسته به شرکت ملی نفت ایران در گذشته سپرده‌گذاری شده و این پول در پروژه‌ها و یا هزینه‌های شرکت نفت و یا سایر موارد اختصاص یافته است و اکنون قابلیت استفاده را ندارد. همچنین حدود ۲۲ میلیارد دلار از این منابع نزد شرکت بیمه کشور چین به صورت وثیقه برای طرح‌های تأمین مالی ایران مورد استفاده قرار گرفته و بنابراین قابل استفاده نیست و رقم قابل استفاده، کمتر از ۳۰ میلیارد دلار است که جزء منابع مالی بانک مرکزی است.^۱

^۱ - www.mashregnews.ir/fa/news/۴۴۳۷۵۲

ب) وثیقه طرح‌های نفتی

برخی معتقدند که برابر اظهار رئیس بانک مرکزی مبنی بر اینکه افرادی که رقم بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار را اعلام می‌کنند به دلیل صحبت‌های دوره قبل بوده است، و اینکه ریال معادل ارز بانک مرکزی به حساب خزانه واریز شده و آن زمان که ۱۰۰ میلیارد دلار اعلام شده بود ۳۵ میلیارد دلار مربوط به طرح‌های نفتی و ۲۲ میلیارد دلار در چین وثیقه گذاشته شده بود که اینک قابلیت استفاده ندارد.^۱

ج) تفاوت دو مفهوم «ذخایر ارزی» با «دارایی‌های ارزی»

برخی با تأکید بر تفاوت دو مفهوم «ذخایر ارزی» با «دارایی‌های ارزی» معتقدند که «منابع بانک مرکزی که با اجرای برنامه جامع اقدام مشترک آزاد می‌شود و قابل استفاده خواهد شد، بالغ بر ۲۳ میلیارد دلار است. ۶ میلیارد دلار هم از منابع بلوکه شده دولت که وجوه حاصل از صادرات نفت است، آزاد می‌شود و به حساب بانک مرکزی واریز خواهد شد. به این ترتیب وجوه آزاد شده و قابل دسترسی بالغ بر ۲۹ میلیارد خواهد شد.

در واقع برخی درباره نحوه اختصاص منابع بلوکه شده ایرانی در کشور برای بخش‌های مختلف با تأکید بر اینکه این منابع به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند، معتقدند که این منابع شامل منابعی است که مربوط به بانک مرکزی می‌شود که خود این منابع دو بخش است، یک بخش در ذخایر ارزی بانک مرکزی است و در واقع ارزی که در اختیار بانک مرکزی است جزء ذخایر آن است که پولش وارد اقتصاد ما شد و بخش دیگری از منابع نیز وجود دارند که به علت اینکه این پول‌ها و منابع ارزی مربوط به بانک مرکزی قابلیت ورود به داخل را نداشته است تبدیل به ریال نشده است و این مقدار ۲۳ میلیارد دلار است که باید به ریال تبدیل شود.

^۱ - <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/۴۴۴۹۴۴>

د) دلایل کارشناسان از تناقضات آماری

برخی معتقدند که مراد مقامات اقتصادی از دارایی‌های بلوکه‌شده دارایی‌های مربوط به دولت و بانک مرکزی است و دارایی‌های بلوکه‌شده شرکت‌های غیردولتی و دولتی را شامل نمی‌شود. برای مثال، ممکن است بخشی از دارایی‌های صادرکنندگان داخلی، در خارج از کشور بلوکه‌شده باشد و در آمارهای رئیس کل بانک مرکزی به حساب نیاید. با این حال رقم مشخصی از میزان دارایی‌های بلوکه‌شده شرکت‌های غیردولتی در دسترس نیست و نمی‌توان آن را مبنا قرار داد و البته به گفته وزیر اقتصاد، ۳۵ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه‌شده به شرکت نیکو مربوط می‌شود و ربطی به بانک مرکزی ندارد.

البته برخی از کارشناسان نیز معتقدند علت دوم تفاوت ارقام ذکرشده رئیس کل بانک مرکزی را می‌توان در فاینانس‌های چینی دنبال نمود. از آنجا که کشور نمی‌توانست از درآمدهای فروش نفت خود بهره‌برد، بخشی از منابع ارزی خود را از اروپا به چین انتقال داد. همچنین بخشی از درآمدهای نفتی ایران حاصل از صادرات نفت به چین بود؛ بنابراین حجم زیادی از دارایی‌های ایران در چین بلوکه‌شده بود. از این رو ایران برای دور زدن تحریم‌ها، تصمیم گرفت تا از فاینانس استفاده کند؛ یعنی به ازای این منابع، مقرر شد که چین در ایران اقدام به سرمایه‌گذاری و صدور کالا و خدمات کند.

ارزیابی رقم واقعی آزادشده پس از توافق

اگرچه رئیس بانک مرکزی در آخرین اظهارات خود میزان اموال بلوکه‌شده بانک مرکزی را حدود ۲۹ میلیارد دلار اعلام کرده است، اما به نظر نمی‌رسد این عدد شامل همه درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز در سال‌های تحریم باشد و همان‌گونه که گفته شد بخشی از اموال مسدودشده را که در داخل تبدیل به ریال شده است شامل می‌شود.

براساس برخی اظهارات مسئولان اقتصادی کشور، درآمدهای ارزی بلوکه شده کشور در سال های گذشته، بیش از یکصد میلیارد دلار بوده است که این عدد با توجه به درآمد سالانه نفت و گاز کشور و با توجه به اینکه امکان انتقال ارز نداشتیم، می تواند به واقعیت نزدیک تر باشد.

به نظر می رسد مسئولان بانک مرکزی ذخایر ارزی بانک مرکزی را که حدود ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد می شود در کنار برخی دارایی های مالی به عنوان دلارهای بلوکه شده محاسبه نکرده اند، به خاطر اینکه ذخایر ارزی بانک مرکزی قابل خرج نیستند؛ چراکه قبلاً توسط دولت به بانک مرکزی فروخته و ریال آن دریافت شده است. این یعنی نهایتاً و با انجام مجدد معامله دولت با بانک مرکزی، پول بدون پشتوانه چاپ می شود که شدیدترین اثر تورمی را دارد.

البته کارشناسان اقتصادی نیز این گونه اذعان کردند که با محاسبات ساده ریاضی و جمع اعداد ۲۲ (فاینانس چینی)، هفت (آزادشدن دارایی های بلوکه شده ناشی از توافق ژنو)، ۳۵ (مطالبات شرکت نیکو) و ۱۰۱ (ارزش طلاهای آزاد شده) به رقم ۶۵.۱ میلیارد دلار می رسیم که تا حدی می تواند تفاوت ۱۰۰ میلیارد دلار و ۳۰ میلیارد دلار را توضیح دهد.

البته اگر مبلغ ۱۵۰ میلیارد دلار اوباما را مبنای محاسبه قرار دهیم می توان مابه التفاوت مبلغ باقی مانده را به اموال بلوکه شده ایران در آمریکا در دوره قبل از تحریم های اخیر ارجاع داد؛ اموالی که پس از انقلاب اسلامی ایران بلوکه شد.

مالک پول های آزاد شده کیست؟

با توضیحات پیش گفته درباره ارقام واقعی آزاد شده و البته فارغ از میزان ارقام واقعی پول های بلوکه شده ایران، سؤال اساسی اینجا بوده است که مالک اصلی پول های بلوکه شده کدام نهاد قانونی است؟

علی طیب نیا، وزیر اقتصاد و دارایی معتقد است که معادل ریالی ذخایر

بلوکه شده در گذشته به حساب دولت واریز شده و اثر خود را قبلاً بر افزایش نقدینگی و اقتصاد ایران گذاشته است.

در واقع این منابع پس از آزادسازی، متعلق به بانک مرکزی است که ریال آن در گذشته به حساب دولت واریز و از آن استفاده شده است؛ بنابراین برای دوبار نمی توان از این پول ها در بودجه دولت استفاده کرد.

بر همین اساس نمی توان از این منابع در طرح های دولتی استفاده کرد. ضمن آنکه این منابع جزو منابع ارزی بانک مرکزی هستند و قاعداً در جهت توسعه بخش خصوصی از آن استفاده خواهد شد.

اثر آزادسازی سرمایه های بلوکه شده بر نقدینگی و اقتصاد

قطعاً پول ها و اموال بلوکه شده ایران در خارج از کشور حساب و کتاب دارد و حتی منشأ آن مشخص است و بانک مرکزی رقم دقیق آن را می داند اما اعلام مبالغ مختلف و غیر واحد یک دلیل عمده دارد و آن عدم تفکیک اموال و درآمدهای ارزی است. به نظر می رسد:

الف) یک سری اموال بانک مرکزی در خارج از کشور است که بانک مرکزی می تواند آن را هزینه کند یا انتقال دهد و هم می تواند نگه دارد. این اموال مدیریتش با بانک مرکزی است.

ب) یک سری مبالغ هم درآمدهای نفتی است که به علت تحریم ها امکان جابه جایی آنها وجود نداشت، اما دولت آنها را خرج کرده است. مثلاً دولت در سال ۱۳۹۲ از طریق شرکت نیکو ۵/۵ میلیارد دلار نفت صادر کرد، اما پول آن را دریافت نکرد. دولت ارزی که وارد کشور نشده را در محاسبات خود آورد و معادل آن یعنی حدود ۱۳ تا ۱۴ هزار میلیارد تومان ریال چاپ کرد. حالا اگر قرار است این پول ها بازگردد دولت باید پول های چاپ شده را جمع آوری کند تا ارزهای آزاد شده جایگزین آن شود.

در این میان علی رغم همه توضیحات بالا، می توان به دو نگاه مختلف به آثار آزادسازی پول های بلوکه شده در اقتصاد کشور اشاره نمود:

نگاه اول:

برخی از کارشناسان معتقدند که علی‌رغم همه مناقشات پیرامون رقم واقعی پول‌های بلوکه‌شده، آزادسازی این میزان از ارقام می‌تواند آثار مثبتی همچون؛ تحول در حوزه پولی - مالی به دلیل تسهیل در عملیات نقل و انتقال بانکی، تحول در حوزه نفت به دلیل احتمال افزایش سهمیه نفت ایران در اوپک، خروج از وضعیت رکود تورمی با سوق دادن نقدینگی به سمت بخش‌هایی که در رکود هستند، گسترش سرمایه‌گذاری؛ کاهش هزینه تولید به دلیل واردات کالاهای اساسی از مبادی قانونی و کاهش هزینه نقل و انتقال پول و خرید مستقیم و بدون واسطه کالاها و همچنین تأثیرات روانی اخبار مثبت بر بازارها و حتی گسترش صنعت توریسم؛ را به همراه داشته باشد. این دسته از کارشناسان معتقدند که با گسیل داشتن منابع مالی آزادشده به بخش تولید و صنعت و حمایت از بخش خصوصی بتوان سبب ایجاد تولید، اشتغال و رشد اقتصادی شد.

نگاه دوم:

اما در این میان برخی از کارشناسان به استناد اظهار نظر برخی مقامات اقتصادی و با تأکید بر اینکه منابع بلوکه‌شده پس از آزادسازی متعلق به دولت نیست و نباید در این زمینه اشتباهی اتفاق بیفتد. اعتقاد به تأثیرات چندانی بر اقتصاد کشور نیستند.

از این رو برخی از کارشناسان معتقدند که اقتصاد قبل و بعد از تحریم تفاوت چندانی نخواهد کرد؛ چراکه هزینه‌ها در شرایط تحریم فقط تا ۲۰ درصد در برخی از کالاها بیشتر می‌شد. در واقع این دسته از کارشناسان این‌گونه استدلال می‌کنند که مثلاً برای خرید دستگاه مجبور بودیم با یک واسطه بیشتر مثلاً ترکیه یا امارات این دستگاه را وارد کنیم که ۱۵ تا ۲۰ درصد هزینه را افزایش می‌داد و نباید بیشتر از این انتظار داشته باشیم. بنابراین از این رو معتقدند که با برداشته شدن تحریم‌ها تنها این نقل و انتقال

آزاد می شود و کار راحت می شود و اصلاً قرار نیست این توافق تحولی در اقتصاد ایجاد کند. همچنین معتقدند که این توافق موجب می شود صادرات و فروش نفت خام به همان روال سابق یعنی ۲/۵ میلیون بشکه در روز برسد. این در حالی است که در دوران تحریم ما حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت صادر می کردیم و حالا با رفع تحریم ها توفیق اجباری کاهش وابستگی به نفت هم از بین می رود و ما باز هم خام فروش می شویم و این برخلاف اقتصاد مقاومتی است.

البته پول های بلوکه شده با برنامه ریزی های صورت گرفته ای که قبلاً انجام شده، هزینه شده است و دولت نمی تواند این پول ها را خرج کند؛ بنابراین با اشاره به پول و دارایی های بلوکه شده ایران توسط کشورهای مختلف می توان گفت که رقم ارزش این اموال بلوکه شده مشخص است؛ زیرا دولت در ازای این منابع ارزی پول چاپ کرده که به این ترتیب نمی تواند منابع مصرفی جدیدی برای آن تعریف کند.

اگرچه قبل از پایان مذاکرات هسته ای بسیاری از مسئولان رفع تحریم ها و رفع موانع اقتصادی را یکی از دستاوردهای توافق می دانستند، اما بر اساس اظهارات مقامات دولتی به نظر می رسد که بعد از پایان مذاکرات، اقتصاد از محل آزادسازی پول های بلوکه شده، سود چندان نمی برد؛ چرا که بر اساس اظهارات مقامات اقتصادی کشور، بخش عمده ای از این مبلغ خرج شده است و بنابراین می بایست در انتظار تأثیر استفاده از ظرفیت سرمایه گذاری خارجی بر اقتصاد کشور بود.



«پاسخ به سؤال»

«سؤال‌های سیاسی»

۱- به نظر شما مهم‌ترین نقشه راه اصلاح‌طلبان برای انتخابات آتی چیست؟

به نظر می‌رسد مروری بر راهبردهای گذشته اصلاح‌طلبان در ادوار گذشته ما را در رسیدن به نقشه راه این طیف کمک شایانی بکند. همان‌گونه که اطلاع دارید راهبرد اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس هفتم در مواجهه با مسأله ردصلاحیت چهره‌های ساختارشکن، پس از اعتراض و تحصن "عدم شرکت و تحریم انتخابات" بود که به شکست انجامید. در انتخابات مجلس هشتم، اصلاح‌طلبان با عبرت از شکست قبلی، راهبرد "شرکت با مهره‌های سفید" با پرچم خاتمی (با عنوان یاران خاتمی) به میدان آمدند که با ناشناخته بودن اغلب کاندیداها، با سردی و بی‌میلی اجتماعی مواجه شده و باز هم دچار عدم موفقیت شدند. در انتخابات مجلس نهم، معرکه چنددستگی دیگری بود که با تحریم در فضای پس از فتنه ۸۸ و شرکت خاموش برخی دیگر از آنها، بیش از هر چیز تفرقه حزبی

اصلاحات رخ نمود و مجدداً راهبرد سیاسی آنها ناکام ماند. اما واقعیت‌های میدانی فعالیت‌های امروز اصلاح‌طلبان نشان می‌دهد که آنها بر این باورند که باید شرايطی را فراهم آورند تا از قدرت چانه‌زنی دولت برای تأیید و یا رد صلاحیت‌ها بهره‌برداری کنند. از طرفی دولت نیز معتقد است با توجه به نیاز اصلاح‌طلبان به دولت در انتخابات آتی، باید به محوریت اعتدال تن دهند. تحرکات سیاسی این طیف در فضای سیاسی کشور گویای این حقیقت است که آنها از ایده‌آل‌گرایی چند سال اخیر عبور کرده و وارد فاز واقع‌گرایی سیاسی شده و دریافته‌اند که هیچ راهی جز از طریق «انتخابات و حضور در نهادهای قدرت»، «بسیج اجتماعی» و «لابی با شبکه‌های مختلف حاکمیت» برای گذار مسالمت‌آمیز و تحقق اهدافشان ندارند. بنابراین نزدیک کردن طیف‌های مختلف اصلاح‌طلب، اعم از نیروهای شورای هماهنگی، احزاب اصلاح‌طلب، مجموعه هواداران آقای هاشمی و نیز دولت، و حتی ائتلاف با برخی به ظاهر اصولگرایان، نقشه راه اصلاح‌طلبان برای انتخابات آتی است که در واقع همان تکرار راهبرد سال ۹۲ در انتخابات ریاست جمهوری است.

۲- به نظر شما علل شانتاژ رسانه‌های وابسته به جریان اصلاحات در خصوص فشار و تهاجم به مجلس شورای اسلامی چیست؟

به نظر می‌رسد هدف از فرایند تخریب مجلس که از ابتدای سال ۹۴ سرعت بیشتری گرفته است منفعل کردن نمایندگان در برابر توافق هسته‌ای و افزایش شانس اصلاح‌طلبان در انتخابات آینده مجلس است. برخی جریان‌های سیاسی در تلاشند با سیاست خاصی اقدام به دور زدن مجلس در موضوع بررسی توافق هسته‌ای نمایند. اگر این جریان توافق را قابل دفاع می‌دانند وظیفه دارند در برابر سؤالات نمایندگان پاسخگو باشند چنانچه مقامات آمریکایی به جای دور زدن کنگره، سیاست قانع کردن نمایندگان را در دستور کار قرار داده است. جالب آنجاست که بزرگان اصلاحات بارها و

بارها مجلس ششم را به واسطه جنجال آفرینی بر سر اصلاح قانون مطبوعات ستایش می‌کنند، حال آنکه موضوع آزادی مطبوعات یک مسأله و سیاست داخلی است، ولی توافق هسته‌ای عملاً با منافع ملی کشور درگیر بوده و قطعاً نمایندگان مردم باید حساسیت بیشتری در قبال آن از خود نشان دهند. اما سیاست اصلاح‌طلبان در قبال مجلس کاملاً متعارض و مبتنی بر خواسته‌های حزبی است. اصلاح‌طلبان با نادیده گرفتن نظر مجلس در موضوع توافق هسته‌ای به دنبال انزوای مجلس شورای اسلامی هستند. به همین منظور رسانه‌های وابسته به جریان اصلاحات در صدد القای وجود دوگانگی در رویکرد میان مجلس و دولت در تحقق اهداف و منافع ملی هستند.

۳- به نظر شما علل برخورد متعارض رسانه‌های وابسته به جریان اصلاحات از محکومیت قضایی مهدی هاشمی چیست؟

مهدی هاشمی مانند هر محکومی بنابر حکم قضایی بایستی برای اجرای حکم به زندان می‌رفت، اما برخورد رسانه‌های زنجیره‌ای با محکومیت وی از جنس دیگری است. این رسانه‌ها به گونه‌ای وانمود کردند که اتفاق دیگری جز اجرای حکم برای یک محکوم قضایی اتفاق افتاد و در صدد ایجاد شائبه و تردید در افکار عمومی بودند. این درحالی است که این رسانه‌ها با برخوردهای سلبی و بغض و کینه نسبت به متهمان پرونده‌های دیگر که هنوز دستگاه قضایی جرم آنها را محرز اعلام نکرده است به گونه دیگری خبرپراکنی می‌کنند. در صورتی که مطابق قوانین حقوقی و شرعی تا هنگامی که جرم کسی اثبات نشده و حکم محکومیت آن صادر نگردیده است که موجب هتک حرمت و آبروی افراد می‌شود خلاف قانون و شرع است. اما حقیقت مسأله این است که برخورد متعارض در رسانه‌های زنجیره‌ای از یک محکوم قضایی گویای چالش‌های سیاسی در جناح اصلاح‌طلب است و این موضوع را اثبات می‌کند که همواره برای این رسانه‌ها منفعت جناحی و سیاسی مقدم بر

شعارهای عدالت، قانون گرایی و... است. البته این تنها مورد خاص نیست که رسانه‌های زنجیره‌ای اصلاح‌طلب به وارونه‌نمایی جرم و محکومیت افراد پرداختند؛ چرا که در ماجرای محکومیت قضایی و امنیتی بسیاری از اعضای تندرو این طیف نیز این مسأله به کررات اتفاق افتاده است و از یک محکوم قضایی تا سر حد یک قهرمان، هنرمند و... یاد شده‌است؛ بنابراین باید توجه داشت که برخورد دوگانه با پدیده فساد خود عاملی برای تداوم این جریان ناصواب در کشور می‌شود و از سوی دیگر افکار عمومی را با تناقض روبه‌رو می‌سازد که چگونه افراد با جرم‌های یکسان و حتی با جرم‌های پایین‌تر برخوردهای متفاوتی انجام می‌شود و با این رویه به نظر نمی‌رسد بتوان برای پاک شدن جامعه از مفسدان اقتصادی و... گام درخور توجهی برداشت.

۴- طرح ۴ ماده‌ای ایران در خصوص سوریه و چرخش غرب برای حل و فصل سیاسی بحران سوریه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هر چند جزئیات این طرح هنوز فاش نشده است، اما گمانه‌زنی‌ها نشان می‌دهد که ایران در طرح ۴ ماده‌ای قبلی خود بر اساس واقعیت‌های میدانی سوریه تغییراتی ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد در این طرح جدید موضوع تشکیل یک دولت انتقالی به ریاست بشار اسد تا سال ۲۰۲۱ مورد توجه قرار گرفته و پس از آن انتخابات ریاست جمهوری با شرکت همه طیف‌های سیاسی مخالف دولت سوریه برگزار خواهد شد. در حقیقت در این طرح مراجعه به صندوق‌های رأی‌گیری برای تعیین سرنوشت آینده سوریه به عنوان محوری‌ترین بخش این طرح تلقی شده است و عوامل زیادی چه در داخل سوریه و چه در خارج از این کشور روی داد که به تغییر نگرش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بحران سوریه منجر شد؛ از جمله: طولانی شدن بحران سوریه، خروج گروهک‌های تروریستی از سیطره قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و پیروزی‌های اخیر ارتش سوریه در مناطق راهبردی

زبدانی و جسر الشغور موجب شد تا آمریکا و غرب راه‌حل‌های سیاسی را ترجیح دهند. به نظر می‌رسد باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا تلاش می‌کند تا پس از توافق هسته‌ای ایران و ۱+۵ به بحران منطقه پایان دهد تا به عنوان یک فرایند تبلیغاتی برای حزب دموکرات آمریکا به بهره برداری سیاسی برسد. از این رو اخیراً آمریکا پیام‌هایی برای دولت سوریه ارسال داشته مبنی بر این که رئیس جمهوری آمریکا در صدد پایان دادن به بحران سوریه از راهکارهای سیاسی برآمده است. در جریان نشست اخیر وزرای خارجه آمریکا، روسیه و ۶ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، طرح جدید ایران برای حل بحران سوریه مورد بحث قرار گرفت. پیش از آن وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در جریان سفر به کشورهای کویت، قطر و عراق طرح به روز شده ایران برای پایان دادن به بحران ۵۳ ماهه سوریه را با رهبران این ۳ کشور عربی مورد بحث قرار داد. گفته می‌شود جان کری، وزیر خارجه آمریکا در نشست دوحه از همتایان خود در شورای همکاری خلیج فارس خواست تا با این طرح مخالفت نکنند. به ظاهر اغلب وزرای خارجه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از جمله قطر، امارات عربی متحده، کویت و پادشاهی عمان با طرح صلح ایران موافقت کرده‌اند، اما عربستان و بحرین با آن مخالفند؛ زیرا عربستان نمی‌خواهد که پایان بحران سوریه به نام جمهوری اسلامی ایران ثبت شود، اما به نظر می‌رسد سرانجام تحت فشار آمریکا و روسیه ناچار خواهد شد تا موضع خود را در خصوص بحران سوریه تغییر دهد. از سوی دیگر ترکیه که تاکنون نقشی کاملاً تخریبی در بحران سوریه ایفا کرده است اکنون به بهانه سرکوب داعش ارتش خود را به بخش‌هایی از مناطق مرزی مشترک با سوریه وارد کرده است. با این حال ترکیه ناچار است در برابر فشارهای آمریکا و غرب تسلیم شود و طرح صلح ایران را در نهایت بپذیرد. در چنین شرایطی جامعه جهانی راهی جز پذیرش طرح صلح جمهوری اسلامی نخواهد داشت؛ زیرا این طرح برآیند شناخت میدانی،

سیاسی و اجتماعی ایران از اوضاع داخلی سوریه است.

روسیه و چین نیز اعتقاد دارند که سرنگونی قهری دولت بشار اسد کشور سوریه را به سومالی جدیدی در قلب خاورمیانه تبدیل خواهد کرد که این امر امنیت جهانی را به مخاطره می‌اندازد. از سوی دیگر آمریکا و غرب به این نتیجه رسیده‌اند که هیچگونه گزینه مناسبی برای جایگزینی بشار اسد وجود ندارد. به همین منظور نگاه خود را نسبت به بحران سوریه تغییر داده و ناچارند راه حل سیاسی را دنبال کنند. در چنین فرایندی می‌توان پیش‌بینی کرد که سال ۲۰۱۵ سال پایان بحران نفس‌گیر سوریه خواهد بود.

۵- اقدام دستگاه قضایی ترکیه برای تحت تعقیب قرار دادن رهبران حزب دموکراتیک خلق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر می‌رسد به جریان انداختن پرونده قضایی علیه برخی رهبران احزاب کردی در ترکیه، مرحله دیگری از تلاش رجب طیب اردوغان برای حذف مخالفان داخلی خود است که همزمان با ادامه حملات نظامی علیه مواضع حزب کارگران کردستان صورت می‌گیرد. هر چند به نظر نمی‌رسد صلاح‌الدین دمیرتاش، رهبر «حزب دموکراتیک خلق‌ها» مهم‌ترین منتقد سیاست‌های حزب عدالت و توسعه هدف راحتی برای اردوغان باشد. اخیراً دستگاه قضایی ترکیه پرونده‌ای را علیه یکی از مهم‌ترین احزاب اپوزیسیون این کشور آغاز کرد. بنابر اعلام دادستانی ترکیه، این پرونده با رجوع به «قانون جزایی ترکیه» اتهاماتی علیه «صلاح‌الدین دمیرتاش» رهبر حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) مطرح کرده است که عبارتند از «اقدامات مجرمانه علیه امنیت جامعه»، «مسلح کردن بخشی از ملت ترکیه علیه بخشی دیگر از ملت» و «تحریک اذهان عمومی علیه امنیت ملی کشور». دادستانی ترکیه در ادامه دادخواست خود خواستار ۲۴ سال حبس برای صلاح‌الدین دمیرتاش شده است. اردوغان برای کنار گذاشتن دمیرتاش در کنار اقدامات

قضایی تلاش می کند با همراه کردن سایر احزاب ترکیه به ویژه احزاب ناسیونالیست وی را در انزوا قرار دهد. علاوه بر این، اردوغان تلاش می کند بین گروه های جوامع کردی در مناطق مرزی ترکیه، سوریه و عراق اختلاف ایجاد کند تا بیش از پیش دمیرتاش را در موضع ضعف قرار دهد و به نظر می رسد بارزانی رئیس اقلیم کردستان نقش مهمی در پیش برد این هدف اردوغان به عهده دارد.

رئیس جمهور ترکیه که پیش از این نشان داده نمی تواند مخالفان خود را تحمل کند، برای حذف دمیرتاش به عنوان یکی از مهم ترین مخالفان خود دست به هرکاری خواهد زد، اما در طرف مقابل رئیس حزب دموکراتیک خلق ها که به قوانین ترکیه آشنایی کاملی دارد با نشست های مطبوعاتی و مانورهای سیاسی نشان داده است که حریف دست و پا بسته ای نیست. به همین دلیل رقابت این دو شخصیت سیاسی ترکیه وارد مرحله ای جدیدی شده است که احتمالاً طی آینده نیز شاهد تنش ها و چالش های بیشتری بین این دو رقیب خواهیم بود.

۶- ارزیابی شما از اذعان صهیونیست ها در تولد نسل سوم رزمندگان جنبش حزب الله در سوریه چیست؟

زمانی که بحران سوریه شدت یافت حزب الله لبنان در معرض یک چالش بنیادی و حتی وجودی قرار گرفت و مخالفان جنبش مقاومت اسلامی از تضعیف حزب الله و حتی فروپاشی این جنبش حرف زدند، اما حزب الله نه تنها تضعیف نشده بلکه قدرتمندتر از قبل با مختصات جدیدی ظاهر شد. از آغاز بحران سوریه، حزب الله لبنان زیر ذره بین دشمنان خود و رسانه ها قرار داشت تا ببینند این جنبش در مقابل این بحران چه واکنشی نشان خواهد داد؛ سکوت در مقابل شکسته شدن متحد کلیدی خود یا ورود به بحران برای نجات آن. هر کدام از این گزینه ها هزینه هایی برای حزب الله داشت؛ چرا که

جنبش حزب‌الله برای اولین بار مجبور بود در خارج از جنوب لبنان، در سرزمینی ناشناخته و از همه مهم‌تر با کسانی باید می‌جنگید که به دورغ عنوان «اسلام‌گرایی» را برای خود به یدک می‌کشیدند که شیوه جنگ چریکی را اتخاذ کرده بودند. از آنجاکه حزب‌الله تا قبل از بحران سوریه تنها با صیهونیست‌های اشغالگر لبنان جنگیده بود، بنابراین حضور در چنین جبهه‌ای می‌توانست تلفات رزمندگان حزب‌الله را افزایش و توان کلی آن را کاهش دهد. همچنین بهانه‌ای برای رسانه‌های مخالف باشد تا آن را به عنوان یک گروه فرقه‌گرا به تصویر بکشند که با «مسلمان سنی» درگیر شده است. از طرف دیگر، انفعال حزب‌الله و عدم مداخله به معنای شکسته شدن ستون فقرات محور مقاومت بود که مرکز آن در تهران قرار دارد. در چنین شرایطی مهم‌ترین مسیر جنبش مقاومت اسلامی لبنان با ایران، بزرگ‌ترین حامی خود در منطقه قطع می‌شد و در نتیجه کلیت محور مقاومت در معرض تهدید وجودی قرار می‌گرفت. در نتیجه از همان ابتدا اقدامات پیشگیرانه را در دستور کار خود قرار داد. در دوره اول، نیروهای حزب‌الله در سطح محدودی عمدتاً در نزدیکی حرم حضرت زینب واقع در جنوب دمشق و همچنین در روستای‌های شیعه‌نشین واقع در منطقه مرزی سوریه و لبنان مستقر شدند و عمده وظیفه آنها سازماندهی و آموزش نیروهای داوطلب مردمی بود نه مشارکت مستقیم در جنگ، اما همچنانکه بحران تشدید یافت وظایف نیروهای حزب‌الله در سوریه نیز بیشتر شد. دوره دوم با نبرد «قصیر» و اعلام رسمی سیدحسن نصرالله مبنی بر مشارکت حزب‌الله در این نبرد آغاز شده است. از آن زمان تاکنون رزمندگان جنبش مقاومت اسلامی لبنان در سطح قابل توجهی به صورت فعال و مستقیم در محورهای مختلف سوریه حضور دارند. عملکرد حساب‌شده و راهبردی حزب‌الله در سوریه نشان می‌دهد نه تنها که این جنبش تضعیف نشده بلکه با تبدیل تهدید به فرصت قدرتمندتر نیز شده است. مؤسسه مرکز مطالعات جنگ (ISW) طی تحلیلی نوشت:

«عملیات‌های رزمی در سوریه نسل جدیدی از رزمندگان با تجربه را پرورش داده است که این جنبش می‌تواند از آن بهره بگیرد». اما باید توجه داشت که حزب‌الله هزینه‌هایی هم پرداخت کرده است که مهم‌ترین آن از دست دادن تعدادی از فرماندهان ارشد خود از جمله «فوزی ایوب» است، اما این جنبش توانست نسل جدیدی از نیروهایی را با تجربه‌های متفاوتی تربیت کند که صهیونیست‌ها آنها را «نسل سوم حزب‌الله» می‌نامند. پایگاه الکترونیکی صهیونیستی «یدیعتو حارنوت» طی گزارشی نوشت: «در جامعه اطلاعاتی اسرائیل عده‌ای هم اکنون این سازمان را حزب‌الله ۳ یا نسل سوم حزب‌الله می‌نامند؛ اولین نسل در جریان حضور ۱۸ ساله اسرائیل در جنوب لبنان شکل گرفت که عقب‌نشینی یک‌جانبه در سال ۲۰۰۰ پایان یافت؛ دومین نسل حزب‌الله در جریان جنگ دوم لبنان [۳۳ روزه] در سال ۲۰۰۶ بود؛ و هم اکنون یک نسل کاملاً جدید وجود دارد».

۷- ارزیابی شما از حذف مناصب معاونی رئیس‌جمهور و نخست‌وزیری از سوی آقای حیدر العبادی و انجام اصلاحات در عراق چیست؟

گرچه آقای حیدر العبادی با اذعان به اینکه در راستای انجام اصلاحات در کشور و برخورد با مفاسد این مناصب را حذف کرد، اما به نظر می‌رسد اصلاحات شتابزده می‌تواند دولت آقای حیدر العبادی را با بحران روبه‌رو کند. از طرفی شخصیت‌هایی چون ایاد علاوی، نخست‌وزیر سابق و اسامه النجیفی، رئیس پارلمان دوران علاوی که امروز مشوق نخست‌وزیر عراق در این زمینه هستند پایه‌های مفاسد را در دولت عراق گذاشتند؛ بنابراین موضع این افراد را باید بر اساس منافع آنی سیاسی آنها ارزیابی کرد. به هر حال به نظر می‌رسد دولت کنونی که از ائتلافی ملی شکل گرفته، بدون تدبیر به این موضوع دامن بزند و افکار عمومی را که به دنبال خواسته‌ها و مطالبات اجتماعی هستند با

موج‌سواری سودجویان بر اعتراضات اجتماعی کشور به سمت بحران سیاسی سوق دهد، که در صورت تحقق یافتن، دولت حیدر العبادی سرنگون می‌شود و فرصت‌های طلایی برای مخالفان دولت یکپارچه و ملت عراق فراهم می‌آورد.

«سؤال‌های اقتصادی»

امام خامنه ای (مدظله العالی) :

آمریکایی‌ها می‌خواهند از توافقی
که هنوز نه در ایران و نه در آمریکا
تکلیفش و رد یا قبول شدنش معلوم نیست،
وسیله‌ای برای نفوذ در ایران بسازند
اما ما این راه را قاطعانه بسته‌ایم

۹۴/۵/۲۶



نماینده‌گی ولی فقیه در سازمان پیچ مستقیمین
معاونت سیاسی